

دستورالعمل تالین درباره اقلیت های ملی و رسانه ها در عصر دیجیتال و یادداشت تفسیری فوریه 2019

ترجمه: مرکز پژوهشی حقوق اقلیت ها



دستورالعمل تالین درباره اقلیت های ملی و رسانه ها در عصر دیجیتال و یادداشت تفسیری فوریه 2019

دستورالعمل تالین در مورد اقلیت‌های ملی و رسانه‌ها در عصر دیجیتال و یادداشت تفسیری فوریه ۲۰۱۹

توسط کمیسر عالی سازمان امنیت و همکاری اروپا در امور اقلیت‌های ملی (HCNM) منتشر و توزیع شده است. استفاده از اطلاعات این جزوه آزاد و ارجاع دادن به منبع مورد سپاس خواهد بود.

شابک/بارکد بین‌المللی 0-38-75989-90-978

©کمیساریای عالی سازمان امنیت و همکاری اروپا در امور اقلیت‌های ملی، ۲۰۱۹ چاپ شده در هلند

همچنین به صورت الکترونیکی در آدرس زیر در دسترس است:

<http://www.osce.org/hcnm/thematic-recommendations-and-guidelines>

برای اطلاعات بیشتر تماس بگیرید:

Office of the High Commissioner on National Minorities Prinsessegracht 22

AP The Hague Tel: +31 (0)70 312 55002514

Fax: +31 (0)70 363 5910

E-mail: hcnm@hcnm.org www.osce.org/HCNM

فهرست مطالب

مقدمه

دستورالعمل‌های تالین

I. محیط توانمندسازی برای آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها

II. محیط رسانه‌ای

III. کثرت‌گرایی و تنوع

IV. رسانه، فناوری‌های اطلاعات و پیشگیری از درگیری

یادداشت تفسیری بر دستورالعمل‌های تالین

یادداشت در مورد اصطلاحات

سازمان امنیت و همکاری در اروپا در نشست هلسینکی خود در ژوئیه ۱۹۹۲، (OSCE) پست کمیسر عالی در امور اقلیت‌های ملی (HCNM) را به عنوان ابزاری برای پیشگیری از درگیری در اولین مرحله ممکن در مورد تنش‌های مربوط به مسائل اقلیت‌های ملی تأسیس کرد. در طول بیش از ۲۵ سال، پنج کمیسر عالی بطور متوالی با تعدادی مسائل تکراری در کار خود مواجه شده‌اند. در پاسخ، آنها هشت توصیه و دستورالعمل موضوعی منتشر کرده‌اند که پیش و توصیه‌هایی را برای دولت‌هایی که با چنین مسائلی روبرو هستند، ارائه می‌دهد. این سنتزهای ناشی از تجربه و تخصص انباشته شده در موضوعات منتخب، نمایه‌هایی جامع، دقیق و ظریف از موضوع خود ارائه می‌دهند. آنها همچنین درک چگونگی تأثیر موضوعات انتخاب شده بر روابط بین اقلیت‌های ملی و سایر گروه‌ها در جامعه را افزایش می‌دهند. این امر به نوبه خود به کمیسر عالی طیف وسیعی از گزینه‌ها را در هنگام ارزیابی مناسب‌ترین اقدامات برای پیشگیری از درگیری‌های شامل اقلیت‌های ملی می‌دهد.

سه مجموعه اول توصیه‌ها - توصیه‌های لاهه در مورد حقوق آموزشی اقلیت‌های ملی، توصیه‌های اسلو در مورد حقوق زبانی اقلیت‌های ملی و توصیه‌های لوند *Lund* در مورد مشارکت مؤثر اقلیت‌های ملی در زندگی عمومی - عمدتاً به تبیین استانداردهای حقوق اقلیت‌ها در زمینه‌های آموزش، زبان و مشارکت در زندگی عمومی می‌پردازند. دو نشریه بعدی - دستورالعمل‌های استفاده از زبان‌های اقلیت در رسانه‌های پخش و توصیه‌هایی در مورد پلیس در جوامع چند قومیتی - به چالش‌های خاصی می‌پردازند که بسیاری از دولت‌ها در تضمین دسترسی اقلیت‌ها به رسانه‌های پخش به زبان‌های خودشان و در ارائه خدمات پلیس مؤثر در جوامع متکثر قومی با آن مواجه هستند.

توصیه‌های بولزانو/بولزن *Bolzano/Bozen* در مورد اقلیت‌های ملی در روابط بین‌دولتی، به شرایط و محدودیت‌هایی می‌پردازد که در آن دولت‌ها ممکن است از اقلیت‌های ساکن در کشورهای دیگر حمایت کنند. رهنمودهای *Ljubljana* در مورد ادغام جوامع متکثر به دنبال تقویت ادغام و انسجام جوامع متکثر و چند قومیتی است. اخیراً، توصیه‌های *Graz* در مورد دسترسی به عدالت و اقلیت‌های ملی بر شرایط تضمین دسترسی برابر و مؤثر به عدالت برای همه تمرکز دارد.

دستورالعمل‌های حاضر این خط محوری را توسط کمیساریای عالی ناظر بر اقلیت‌های ملی در یک حوزه سیاستی بسیار مهم - رسانه‌ها و استفاده از فناوری‌های اطلاعات - ادامه می‌دهند. رسانه‌ها و فناوری‌های اطلاعات می‌توانند نقش ابزاری در پیشگیری یا شعله‌ور کردن درگیری‌هایی که شامل اقلیت‌های ملی است یا بر اقلیت‌های ملی تأثیر می‌گذارند، ایفا کنند، که این یک نگرانی اصلی برای کمیساریای عالی در امور اقلیت‌های ملی است. رسانه‌ها و فناوری‌های اطلاعاتی نیز می‌توانند تأثیرگذار باشند.

علاوه بر مشارکت در حل منازعات، صلح‌سازی و فرآیندهای آشتی، این دستورالعمل‌ها به دنبال تبیین حقوق اقلیت‌ها در یک حوزه خاص - آزادی بیان و رسانه‌ها - و ارتباط آنها با پیشگیری از درگیری هستند. آنها به چالش‌های خاصی که کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری در اروپا با آن مواجه هستند، می‌پردازند، یعنی چگونه حق آزادی بیان را در جوامع متکثر با ارائه راهنمایی در مورد ایجاد و حفظ ساختارهای برای بحث و گفتگوی چندگانه بین و درون جوامع اکثریت و

اقلیت در عصر دیجیتال عملیاتی کنیم؟ رسانه‌ها و به طور کلی تر فناوری‌های ارتباطی نقش فزاینده‌ای در چرخه‌های درگیری ایفا می‌کنند؛ اغلب برای دامن زدن به تنش مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند، اما می‌توانند به عنوان ابزاری تأثیرگذار برای تقویت گفت‌وگو و تفاهم نیز عمل کنند.

اطلاعات و ارتباطات، و فناوری‌هایی که آن‌ها را ممکن می‌سازند، می‌توانند گفت‌وگو دموکراتیک، مشارکت در بحث‌های عمومی و امور عمومی، و ادغام جوامع متکثر را در معنای گسترده دستورالعمل‌های لیوبلیانا تسهیل کنند. آنها همچنین می‌توانند ابعاد مهم فراملی و بین‌المللی داشته باشند. حق جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و ایده‌ها بدون در نظر گرفتن مرزها وجود دارد و ضروری است که این حق توسط دولت‌ها در روابط متقابلشان تضمین شود. این حق باید برای همه، از جمله در مورد دسترسی به رسانه‌ها، بدون تبعیض بر اساس مبنای قومی، فرهنگی، زبانی یا مذهبی تضمین شود.^۱ علاوه بر این، دولت‌های شرکت‌کننده متعهد شده‌اند اطلاعاتی را در دسترس قرار دهند که به رسانه‌های الکترونیکی جمعی در زمینه در نظر گرفتن هویت‌های قومی، فرهنگی، زبانی و مذهبی اقلیت‌های ملی در برنامه‌های خود کمک کند.^۲

این دستورالعمل‌های فعلی همچنین از توصیه‌های بولزانو/بوزن که به اقلیت‌های ملی در روابط بین‌دولتی می‌پردازند، الهام می‌گیرند، زیرا ابعاد فراملی و بین‌المللی آزادی بیان برای بسیاری از اقلیت‌های ملی که مایل به حفظ پیوندهای فرهنگی، زبانی، سیاسی و سایر پیوندهای مؤثر با دولت‌های "خویشاوند" یا همسایه خود هستند، ضروری است.^۳ علاوه بر این، دخالت فعال دولت‌ها در این مسائل تنش‌زا بوده و اغلب نیازمند مداخله کمیتر عالی حقوق اقلیت‌ها برای حمایت از تلاش‌ها در جهت ترویج رویکردی توانمندکننده برای دسترسی اقلیت‌ها به رسانه‌ها و پلتفرم‌های ارتباطی از کشورهای همسایه بوده است، در حالی که این امر باید با اهداف مشروع دیگر متعادل شود. بنابراین، این اصطلاح برای توصیف دولت‌هایی استفاده شده است که اکثریت جمعیت آن‌ها ویژگی‌های قومی یا فرهنگی مشترکی با جمعیت اقلیت دولت دیگر دارند. [...] علاوه بر این، "خویشاوند" به عنوان یکی از مفاهیم اساسی مورد مناقشه در نظر گرفته می‌شود که فاقد تعریف علمی یا حقوقی مورد توافق است. به همین دلایل، اصطلاح "دولت خویشاوند" [...] تنها به ندرت به کار می‌رود.

دستورالعمل‌های حاضر نقش‌های مکمل رسانه‌ها را در پیشبرد هدف انسجام اجتماعی در داخل دولت‌ها به رسمیت می‌شناسند، در حالی که اطمینان حاصل می‌کنند حقوق بشر آزادی بیان و حقوق فرهنگی توسط مرزهای دولتی محدود نمی‌شوند.

جامعه دموکراتیک کثرت‌گرا نیازمند فضای کافی برای تعامل، مشورت و بحث در مورد مسائل مهم و مورد علاقه مردم است. چنین فضاهایی باید فراگیر باشند: همه اعضای جامعه، از جمله اقلیت‌های ملی، باید بتوانند بدون تبعیض به این فضاها دسترسی داشته باشند و به طور مؤثر در مشورت‌هایی که در آنها انجام می‌شود، شرکت کنند. فضاهای مشورتی فراگیر به گروه‌های مختلف جامعه اجازه می‌دهد تا با یکدیگر تعامل داشته باشند، هویت خود را کشف و توسعه دهند، دیدگاه‌های

۱. به ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) مراجعه کنید.
۲. گزارش نشست کارشناسان کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا (CSCE) در مورد اقلیت‌های ملی، ژنو، ۱۹۹۱. همچنین ببینید: توصیه‌های بولزانو/بوزن در مورد اقلیت‌های ملی در روابط بین‌دولتی (توصیه‌های بولزانو/بوزن)، توصیه ۱۴؛ دستورالعمل‌های استفاده از زبان‌های اقلیت در رسانه‌های پخش (دستورالعمل‌های رسانه‌های پخش)، دستورالعمل ۱۳.
۳. توصیه‌های بولزانو/بوزن در مورد اقلیت‌های ملی در روابط بین‌دولتی (توصیه‌های بولزانو/بوزن)، ص. ۳.

خود را بیان کنند و اطلاعات و دیدگاه‌های خود را به اشتراک بگذارند. این فعالیت‌ها می‌توانند نقش‌های اساسی در افزایش درک و کاهش عدم تحمل و بی‌اعتمادی متقابل در جوامع متکثر ایفا کنند و در نتیجه یکپارچگی، انسجام و ثبات اجتماعی را تقویت کنند. آنها همچنین می‌توانند محافظت‌های ارزشمندی در برابر تنش‌ها و درگیری‌های اجتماعی ارائه دهند. علاوه بر فراگیر بودن، این فضاهای مشورتی باید کثرت‌گرا باشند. آنها باید امکان بحث عمومی قوی و بیان دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای گسترده، از جمله دیدگاه‌هایی که از دولت یا هر عضو جامعه انتقاد می‌کنند، چه از سوی اکثریت و چه از سوی اقلیت‌ها، یا حتی دیدگاه‌هایی که ممکن است از نظر برخی توهین‌آمیز تلقی شوند، را فراهم کنند. این اصل در حقوق بشر اروپایی و بین‌المللی به خوبی تثبیت شده است، اما یادآوری آن ضروری است، زیرا اغلب در بحبوحه بحث‌های سیاسی در عمل نادیده گرفته می‌شوند. علاوه بر این، اعمال حق آزادی بیان تابع وظایف و مسئولیت‌های خاصی است. همه کسانی که در بحث‌های عمومی شرکت می‌کنند - اعضای جوامع اکثریت و اقلیت به یکسان - باید به آن وظایف و مسئولیت‌ها پایبند باشند. "همه" به اشخاص حقیقی و حقوقی، یعنی افراد و همچنین سازمان‌های رسانه‌ای، واسطه‌های اینترنتی، سازمان‌های جامعه مدنی و غیره اشاره دارد. این وظایف و مسئولیت‌ها شامل اجتناب از توهین‌های بی‌مورد و کلیشه‌سازی‌های منفی افراد، گروه‌ها یا جوامع می‌شود.

قانون حقوق بشر اروپایی و بین‌المللی نیز محدودیت‌های خاصی را برای حق آزادی بیان در نظر گرفته است و این حق نباید بیش از آنچه استانداردهای بین‌المللی معتبر مقرر کرده‌اند، محدود شود. محدودیت‌های مجاز باید توسط قانون تجویز شوند و باید اهداف مشروعی را که صراحتاً در حقوق اروپایی و بین‌المللی ذکر شده‌اند دنبال کنند و برای تحقق هدف اعلام شده ضروری و متناسب باشند. قانون حقوق بشر اروپایی و بین‌المللی نیز تعداد محدودی از انواع بیان را که دولت‌ها باید (به موجب قانون) قابل مجازات قرار دهند، به رسمیت می‌شناسد، به ویژه: تحریک مستقیم و علنی به نسل‌کشی و هرگونه انتشار ایده‌های مبتنی بر برتری نژادی یا نفرت، تحریک به تبعیض نژادی، همچنین تمام اعمال خشونت یا تحریک به چنین اعمالی علیه هر نژاد یا گروهی از افراد با رنگ یا منشأ قومی دیگر ممنوع است. حقوق اروپایی و بین‌المللی نیز تعداد محدودی از انواع بیان را که دولت‌ها باید ممنوع کنند، به رسمیت می‌شناسد، به ویژه هرگونه تبلیغ جنگ و هرگونه ترویج نفرت ملی، نژادی یا مذهبی که تحریک به تبعیض، خصومت یا خشونت باشد، ممنوع است. این نوع عبارات در بحث‌های عمومی جایی ندارند.

با این حال، فضاهایی برای مشورت فراگیر و چندگانه به ندرت به طور خود به خود پدیدار می‌شوند. آنها باید با هوشیاری تسهیل، پرورش و دفاع شوند. دولت‌ها می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در تضمین چنین فضاهایی ایفا کنند، اولاً با محافظت از هر کسی که مایل به شرکت در بحث عمومی است، خواه روزنامه‌نگار، خواه متخصص رسانه، خواه وبلاگ‌نویس، خواه سازمان‌های جامعه مدنی، خواه دانشگاهی و خواه افراد دیگر باشند. دولت‌ها همچنین باید اطمینان حاصل کنند که کسانی که می‌خواهند در بحث‌های عمومی مشارکت کنند، مورد تهدید یا خشونت قرار نگیرند، از جمله با اتخاذ اقدامات مؤثر علیه خشونت مبتنی بر جنسیت یا تهدیدات به انجام چنین خشونت‌ها. دولت‌ها باید این صیانت را در زمان بیان ایده‌های مطرح شده انتقادی علیه دولت، هر گروهی در جامعه یا یک عضو خاص از جامعه، یا حتی زمانی که ایده‌ها ممکن است از نظر برخی توهین‌آمیز تلقی شوند، بعمل آورند.

دومین نقش تعیین‌کننده‌ای که دولت‌ها می‌توانند در تضمین چنین فضاهایی ایفا کنند، اتخاذ اقداماتی برای اطمینان از پایداری و سرزندگی رسانه‌ها و محتوای چندگانه است که به طور کافی به همه گروه‌های جامعه، از جمله اقلیت‌های ملی، خدمت

می‌کنند. چنین اقداماتی باید نیاز به ایجاد تعادل بین رسانه‌ها و محتوای منافع عمومی برای همه گروه‌های جامعه و رسانه‌ها و محتوای متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و زبانی اقلیت‌های ملی را در نظر بگیرند.

تمرکز دستورالعمل‌های فعلی بر رسانه‌ها را می‌توان با نقش اساسی که رسانه‌ها در حفظ فضاهایی برای مشورت فراگیر و چندگانه در یک جامعه متکثر ایفا می‌کنند، توضیح داد. رسانه‌ها در مورد تنوع در جامعه اطلاع‌رسانی می‌کنند و بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارند؛ به عنوان ناظران عمومی عمل می‌کنند و مقامات یا بازیگران غیردولتی را در صورت بروز خطر افزایش شکاف‌ها و حتی در موارد منجر به درگیری، پاسخگو می‌سازند؛ انجمن‌ها و کانال‌های مشترکی را ایجاد می‌کنند که از طریق آن‌ها بحث‌های عمومی انجام می‌شود؛ و انجمن‌ها و کانال‌های خاص خود را در اختیار گروه‌ها، از جمله اقلیت‌های ملی، قرار می‌دهند تا از طریق آن‌ها بتوانند فرهنگ‌ها و زبان‌های خود را حفظ نمایند، توسعه دهند و منتقل کنند. به طور فزاینده‌ای، این نقش‌ها نیز - در درجات مختلف و به روش‌های متکثر - توسط بازیگران دیگر در فضای آنلاین ایفا می‌شوند. این دستورالعمل‌ها هم بر رویکردهای کمیسر عالی امور قلیت‌های ملی HCNM در مورد رسانه‌ها و اقلیت‌های ملی بنا شده و هم آن‌ها را به‌روز می‌کنند. دستورالعمل‌های رسانه‌های پخش در سال ۲۰۰۳ با تمرکز خاص بر نحوه استفاده از زبان در رسانه‌های پخش صادر شد. دستورالعمل‌های فعلی دیدگاه وسیع‌تری نسبت به رسانه و نقش آن در جامعه دارند و به طور خاص بر تکامل دیجیتالی که از سال ۲۰۰۳ در فضای رسانه‌ای رخ داده و همچنان ادامه دارد، تمرکز می‌کنند. آنها همچنین رویکردهای ادغام جامعه را که در دستورالعمل‌های لیوبلیانا بیان شده‌اند، و نقشی را که رسانه‌ها می‌توانند در تسهیل ممانعت از این فرآیند ایفا کنند، در بر می‌گیرند.

ظهور عصر دیجیتال، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات جدید بسیاری را به ارمغان آورده و همراه با آن‌ها فرصت‌ها و چالش‌های فراوانی را برای آزادی بیان به وجود آورده است. با تکامل اینترنت، معماری آن مشارکتی‌تر شده است که این امر ظهور ارتباطات خودجوش انبوه را در کنار ارتباطات انبوه تسهیل کرده است. افراد و سازمان‌ها می‌توانند نظرهای خود را بیان کنند و در بحث‌های عمومی راحت‌تر از هر زمان دیگری شرکت کنند. به‌طور خاص‌تر، این تحولات منجر به رشد سریع انواع خدمات شبکه‌های اجتماعی (یا رسانه‌های اجتماعی) شده است که چندین مورد از آن‌ها به عنوان ابزارهای ارتباطی و منابع اطلاعاتی متعارف برای تعداد زیادی از مردم به طور محکم تثبیت شده‌اند.

اتکای فزاینده جامعه به فناوری‌های دیجیتال پیامدهای عمیقی برای محیط رسانه‌ای دارد. در حالی که در گذشته رسانه‌های نهادی بازیگران غالب بودند که محتوای مورد نظر عموم را ارائه می‌کردند، اکنون مقادیر زیادی محتوا توسط افراد تولید می‌شود و از طریق شبکه‌های رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شود. پویایی توزیع محتوا در شبکه‌ها به افول نقاط مرجع مشترکی که به طور سنتی توسط رسانه‌های پخش و چاپی ارائه می‌شد، کمک کرده است. تکنیک‌های جستجو، رتبه‌بندی و توصیه‌ای که توسط اپراتورهای رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌شوند، می‌توانند شخصی‌سازی فعالیت‌ها، تجربیات و اطلاعات ارتباطی را تقویت کنند که به نوبه خود می‌تواند بر سطوح تعامل و مشورت بین فردی و بین گروهی آنلاین تأثیر بگذارد. به طور کلی، تنش‌های خاصی بین فرصت‌های افزایش یافته برای جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و تعامل مشورتی از یک سو، و گرایش‌های فناوری محور به سمت انزوا اطلاعاتی و تکه‌تکه شدن جامعه از سوی دیگر، وجود دارد. این پیچیدگی‌ها و تناقض‌ها چالش‌های فوری را برای قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران به طور یکسان ایجاد می‌کنند.

این دستورالعمل‌ها از چهار بخش تشکیل شده‌اند که بر آزادی بیان و رسانه‌ها؛ محیط رسانه‌ای (در حال تحول)؛ کثرت‌گرایی و تنوع، و فناوری‌های اطلاعاتی رسانه‌ها و پیشگیری از درگیری تمرکز دارند. این تمرکزهای موضوعی به همدیگر مرتبط

هستند و نخستین آنها، مجموعه اصول و حقوقی را بیان می‌کنند که محیطی مساعد برای آزادی بیان و رسانه‌ها ایجاد می‌کنند و شکل می‌دهند و دومین مورد نیز به این موضوع می‌پردازد که تحولات در محیط رسانه‌ای شاهد وابستگی فزاینده جامعه به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات دیجیتال، به ویژه اینترنت است. سومین تمرکز نیز ماهیت گسترده این تغییرات برای تکثرگرایی و تنوع اجتماعی و رسانه‌ای است. پیشگیری از درگیری آخرین تمرکز است و به عنوان عنصر کلیدی مفهوم امنیت جامع، همانطور که توسط سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) ترویج می‌شود، درک می‌شود.

مفهوم امنیت جامع سازمان امنیت و همکاری اروپا شامل سه بعد متمایز اما مرتبط به هم است: بعد سیاسی-نظامی، بعد اقتصادی و زیست محیطی، و بعد انسانی. مفهوم امنیت جامع سطوح مختلف امنیت را در بر می‌گیرد: امنیت جمعی در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای؛ امنیت ملی؛ و امنیت انسانی، از جمله برای اعضای جوامع اکثریت و اقلیت که به طور فزاینده‌ای، امنیت اطلاعات و امنیت سایبری نیز در آن گنجانده می‌شود. سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE) این را به رسمیت می‌شناسد که برابری جنسیتی به امنیت جامع کمک می‌کند و متعهد به گنجاندن دیدگاه جنسیتی در تمام ابعاد است.⁴

در حالی که تمرکز ساختاری صریحی وجود دارد، پیشگیری از درگیری نیز به دلیل نگرانی اصلی موجود مبنی بر اینکه رسانه‌ها و فناوری‌های اطلاعاتی باید به آزادی بیان و توانایی همه گروه‌های جامعه برای مشارکت در بحث‌های عمومی کمک کنند، یک موضوع میان‌رشته‌ای در سراسر این دستورالعمل‌ها است. منافع ناشی از ایفای نقش رسانه‌ها - افزایش مشورت و تفاهم بین گروه‌ها و کاهش تنش‌ها و جلوگیری از درگیری‌ها - پیامدهای روشنی برای مسائل امنیتی دارد.

اگرچه این دستورالعمل‌ها عمدتاً خطاب به کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE) هستند، اما ترویج و اجرای موفقیت‌آمیز آن‌ها به تعامل سازنده و همکاری مقامات دولتی با طیف گسترده‌ای از بازیگران و ذینفعان در سطوح بین‌المللی، ملی و زیرملی، از جمله (نهادهای تخصصی) سازمان‌های بین‌دولتی، نمایندگان گروه‌های اقلیت ملی، مقامات تنظیم‌کننده رسانه‌های ملی مستقل، رسانه‌ها، واسطه‌های اینترنتی، جامعه مدنی و دانشگاه‌ها، بستگی دارد.

کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE) تشویق می‌شوند که این مجموعه دستورالعمل‌ها را در روح چارچوب کلی همکاری سازمان امنیت و همکاری در اروپا، با توجه شایسته به مأموریت‌های خاص نهادهای سازمان امنیت و همکاری در اروپا، به ویژه کمیساریای عالی سازمان در امور اقلیت‌های ملی (HCNM)، دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر (ODIHR) و نماینده آزادی رسانه‌ها (RFoM)، به عنوان ابزارهای ضروری برای پیشگیری از درگیری، تضمین احترام به حقوق بشر و ارتقای تحمل بین گروه‌های قومی، بپذیرند. به کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری در اروپا نیز توصیه می‌شود که در مورد مسائل مطرح شده در این دستورالعمل‌ها به طور سازنده با یکدیگر همکاری کنند.

اصطلاح "اقلیت ملی"، همانطور که در دستورالعمل‌ها به کار رفته است، به طیف گسترده‌ای از افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، از جمله جوامع قومی، مذهبی، زبانی و فرهنگی، بدون توجه به اینکه آیا این گروه‌ها توسط دولت‌هایی که در آنجا اقامت دارند به عنوان اقلیت شناخته می‌شوند یا خیر، و بدون در نظر گرفتن نامی که به آنها اطلاق می‌شود یا خودشان ادعا می‌کنند، اشاره دارد. علاوه بر این، "اقلیت ملی" یا "اقلیت" اغلب به عنوان اصطلاحی کوتاه برای "افراد متعلق به اقلیت‌های ملی" استفاده می‌شود. این بدان معنا نیست که همه اصول، حقوق اقلیت‌ها و گزینه‌های سیاستی ارائه شده در این سند به یک شکل

4. برنامه عمل سازمان امنیت و همکاری اروپا برای ارتقای برابری جنسیتی در سال ۲۰۰۴.

در هر موقعیتی اعمال می‌شوند. اگرچه واضح است که استانداردهای حقوق بشر اساسی برای همه اعمال می‌شود، اما سیاست‌ها باید تا حدی متناسب با چالش‌ها و نیازهای اقلیت‌های مختلف و شرایط متفاوت تنظیم شوند تا اطمینان حاصل شود که اعمال این حقوق در عمل مؤثر است. محتوای سیاست‌های رسانه‌ای ممکن است به عواملی مانند تعداد جمعیت اقلیت ملی، تمرکز و موقعیت جغرافیایی آن، داشتن یا نداشتن زبان خاص خود، میزان ادغام آن، داشتن یا نداشتن روابط قوی با سایر کشورها و نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص آن، علاوه بر ملاحظات دیگر، بستگی داشته باشد. علاوه بر این، رسانه‌های مختلف اهداف، کارکردها، امکانات، دسترسی و تأثیر متفاوتی دارند. مردم از رسانه‌های مختلف برای اهداف و روش‌های مختلف استفاده می‌کنند. این واقعیت که بسیاری از افراد دارای هویت‌های متعددی هستند که ممکن است به روش‌ها، زمان‌ها و زمینه‌های مختلفی ابراز شوند، نیز باید هنگام تدوین سیاست‌های رسانه‌ای برای عصر دیجیتال در نظر گرفته شود.

در سال‌های اخیر، با ظهور و تثبیت اینترنت به عنوان رسانه غالب ارتباطی، جامعه به طور قابل توجهی به سمت استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای دسترسی به اطلاعات و برقراری ارتباط چرخیده است. برای توصیف این پذیرش انبوه فناوری‌های دیجیتال و در عین حال ثبت تأثیر اجتماعی آن، اصطلاحاتی مانند "عصر دیجیتال" و "جامعه اطلاعاتی" برجسته شده‌اند. با این حال، مهم است که بدانیم عصر به اصطلاح دیجیتال منحصرأ دیجیتال نیست. این اصطلاح، اگر به درستی درک شود، بر مرکزیت بعد دیجیتال دلالت دارد، اما به این معنی نیست که همه چیز را در بر می‌گیرد. بلکه عصر حاضر با همزیستی انواع مختلف رسانه‌ها در محیطی در حال تکامل مشخص می‌شود. رسانه‌های سنتی هنوز نقش‌های مهمی در زندگی روزمره و در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری ایفا می‌کنند. با این حال، آنها لزوماً باید در کنار و بر اساس رابطه خود با رسانه‌های دیجیتال در نظر گرفته شوند. این رابطه یکی از روابطی است که به طور متناوب مکمل و پیوسته است، اما همچنین جابجایی، سازگاری و شاید حتی اختلال را نیز شامل می‌شود.

دستورالعمل‌های حاضر بر اساس مقررات مشخص در قواعد و استانداردهای بین‌المللی و اروپایی حقوق بشر، رسانه و ارتباطات، و همچنین تفسیرهای معاصر و آینده‌نگر از این قوانین و استانداردها، تدوین شده‌اند. برخی از اسناد برای همه یا برخی از کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE) از نظر قانونی الزام‌آور هستند، در حالی که برخی دیگر ماهیت سیاسی دارند، به این معنی که ارزش اصلی آنها ارجاعی، اقناعی یا الهام‌بخش است. محدوده کلی استانداردهای بین‌المللی که در یادداشت تفسیری مورد استفاده قرار گرفته‌اند، به دنبال جامع بودن نیست، بلکه نماینده بودن است. این دستورالعمل‌ها نه تنها از این استانداردها پیروی می‌کنند، بلکه به ناچار بر اساس آنها بنا شده‌اند تا تحولات سریع فناوری را منعکس کنند. چنین تحولاتی اغلب نیازمند تفکر تازه در مورد بهترین راه برای اعمال اصول آشنای آزادی بیان در زمینه‌های فناوری و اجتماعی در حال تغییر جوامع متکثر است.

با توجه به سرعت بالای عصر دیجیتال امروزی، توجه داشته باشید که ما تلاش کرده‌ایم تمام تصمیمات و تحولات قانونی اخیر مرتبط با این حوزه را تا پایان فرآیند نگارش، که به طور رسمی در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۸ به پایان رسید، ذکر کرده و گنجانده باشیم. به همین دلیل، هرگونه تحولات پس از این تاریخ در متن ظاهر نخواهد شد.

در این مرحله باید این نکته را نیز ذکر کرد که اگرچه دستورالعمل‌های تالین بدون شک از ورودی و مشاوره یک تیم گسترده و چندرشته‌ای از کارشناسان بهره‌مند شدند، اما خود این دستورالعمل‌ها نیز بر اساس تجربیات خاص کمیساریای عالی نظارت بر اقلیت‌های ملی (HCNM) بنا شده‌اند و منعکس‌کننده دیدگاه‌های هیچ کارشناس واحدی نیستند. بلکه، نهاد کمیساریای

عالی در امور اقلیت‌های ملی از چندین کارمند کمیساریای عالی در گذشته و حال، و همچنین تعدادی از کارشناسان و متخصصان خارجی برای این آخرین نسخه مجموعه توصیه‌ها و دستورالعمل‌های موضوعی مستمر خود سپاسگزار است. به‌ویژه مک‌گونگل **Tarlach McGonagle** به خاطر کار استثنایی‌اش در گردآوری، مقایسه و ارجاع متقابل رشته‌های مختلف تحقیقاتی که این مجموعه منحصر به فرد متشکل از ۳۷ دستورالعمل، شایسته تقدیر است. همچنین از هنریک ویلادسن **Henrik Villadsen**، ایرینا اولاسیوک **Iryna Ulasiuk** و مایکل آنگرمن **Michael Angermann** برای نظارت بر فرآیند پیش‌نویس و بازبینی از ابتدا تا انتها تشکر ویژه‌ای می‌کنیم. علاوه بر این، متن نهایی از ورودی‌های انتقادی کارشناسان بین‌المللی در طول فرآیند بازبینی بهره‌مند شده است. بنابراین، به دلیل تمایل آنها به همکاری با ما در این مجموعه دستورالعمل‌ها و ارائه تخصص و بینش خود، مایلم از کارشناسان زیر تشکر کنم:

سالی براوتون-میکووا **Sally Broughton-Micova**، بوریس سیلویچس **Boriss Cilevičs**، وینسنت دو گراف **Vincent de Graaf**، پیر فرانسوا دوکیر **Pierre François Docquir**، جنیفر جکسون-پریس **Jennifer Jackson**، تووه مالوی **Tove Malloy**، توبی مندل **Toby Mendel**، تام مورینگ **Tom Moring**، دیمیتری نوروموف **Preece**، فدریکا پرینا **Federica Prina**، دمیتری نورواموف **Dmitry Nurumov**، اوژنیا سیاپرا **Eugenia Siapera** و مارک تامپسون **Mark Thompson**.

همکاری عالی نهادی با نماینده آزادی رسانه‌های سازمان امنیت و همکاری در اروپا (**OSCE RFOM**) و بخش جنسیت دبیرخانه سازمان امنیت و همکاری در اروپا نیز شایسته تقدیر است. به همین دلیل، من به ویژه از آمارسانا داریسوران **Amarsanaa Darisuran** (بخش جنسیت، دبیرخانه سازمان امنیت و همکاری اروپا) و آندری ریختر **Andrey Rikhter** (بنیاد آزادی اطلاعات روسیه) سپاسگزارم؛ علاوه بر ارائه دیدگاه‌های جدید به دستورالعمل‌ها، همکاری عالی آنها بار دیگر مزایای کار مشترک و ارزش افزوده رابطه دیرینه بین نهادهای ما را نشان می‌دهد.

مطمئن هستم که دستورالعمل‌های تالین در مورد اقلیت‌های ملی و رسانه‌ها در عصر دیجیتال به عنوان یک معیار مهم و به موقع برای همه ۵۷ کشور عضو سازمان امنیت و همکاری در اروپا در این زمینه پویا و سیال عمل خواهد کرد. بنابراین، همه دولت‌ها و پارلمان‌ها را در سراسر منطقه سازمان امنیت و همکاری اروپا تشویق می‌کنم که به طور فعال از این اصول در روزمره به عنوان راهنمای همه سیاست‌های رسانه‌ای که بر اقلیت‌ها و جوامع متکثر تأثیر می‌گذارند، استفاده کنند.

لامبرتو زانیر **Lamberto Zannier**، کمیسر عالی سازمان امنیت و همکاری در اروپا در امور اقلیت‌های ملی

لاسه، ۱۳ فوریه ۲۰۱۹

رهنمودهای تالین در مورد اقلیت‌های ملی و رسانه‌ها در عصر دیجیتال

۱. ایجاد محیط توانمندسازی برای آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها

۱. دولت‌ها باید تمام اقدامات مناسب را برای اطمینان از اینکه همه، از جمله افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، می‌توانند حق آزادی بیان را در عصر دیجیتال به شیوه‌ای عملی و مؤثر اعمال کنند، انجام دهند. این شامل حق جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات، بدون در نظر گرفتن مرزها، به زبان‌ها و از طریق رسانه‌های مورد نظرشان می‌شود.

۲. دولت‌ها باید تمام اقدامات مناسب را برای انجام تعهد مثبت خود مبنی بر ایجاد محیطی مساعد برای بحث عمومی قوی و چندگانه که در آن همه، از جمله اقلیت‌های ملی، بتوانند به طور مؤثر شرکت کنند و نظرات، ایده‌ها و هویت‌های خود را بدون ترس بیان کنند، انجام دهند.

۳. دولت‌ها باید سیستم‌های مؤثر حمایت قانونی و عملی را برای تضمین ایمنی و امنیت همه کسانی که مایل به شرکت در بحث‌های عمومی هستند، ایجاد کنند. این امر مستلزم اجرای مؤثر قوانینی است که تهدیدها و خشونت علیه روزنامه‌نگاران و سایر فعالان رسانه‌ای را مجازات می‌کند و پیگرد قانونی عاملان این سوءاستفاده‌ها سیستم‌های حفاظتی باید کاملاً قابل اجرا و در دسترس افراد متعلق به اقلیت‌های ملی باشند و به نیازهای آنها، از جمله نیازهای مرتبط با جنسیت، حساس باشند. چنین سیستم‌هایی می‌توانند در صورت نیاز شامل مکانیزم‌های حفاظتی تخصصی باشند.

۴. مقامات دولتی و/یا عمومی نباید روزنامه‌نگاران و سایر فعالان رسانه‌ای را تضعیف یا تهدید کنند، یا به دلیل تعلق به یک اقلیت ملی یا انتشار گزارش درباره مسائل اقلیت‌های ملی، نفرت یا تبعیض علیه آنها را تحریک کنند. همچنین نباید با اتهامات عمدی دروغین علیه روزنامه‌نگاران یا سایر فعالان رسانه‌ای به یکپارچگی آنها حمله کنند و در نتیجه امنیت آنها را به خطر بیندازند. علاوه بر این، آنها باید تمام تهدیدها و خشونت‌ها علیه روزنامه‌نگاران و سایر فعالان رسانه‌ای را، صرف نظر از منبع این تهدیدها و اعمال خشونت، به طور علنی و قاطعانه محکوم کنند.

۵. دولت‌ها باید تمام اقدامات نظارتی و سایر اقدامات مناسب را برای اطمینان از اینکه ویژگی‌های کلیدی محیطی مساعد برای آزادی بیان، رسانه‌ها و بحث عمومی در قانون، سیاست و عمل محافظت می‌شوند، انجام دهند. این ویژگی‌ها شامل چارچوب قانونی و سیاستی برای برابری و عدم تبعیض؛ نظام حمایت از اقلیت‌های ملی و حقوق آنها؛ رژیم مؤثر آزادی اطلاعات؛ تکررگرایی در محیط رسانه‌ای در حال تحول؛ و فرهنگ استقلال در بخش رسانه‌ها، از جمله در مورد نهادهای نظارتی ملی و عملکرد رسانه‌های خدمات عمومی، تجاری، اجتماعی و سایر رسانه‌ها می‌شود.

۶. اگر دولت‌ها هنوز این کار را نکرده‌اند، تشویق می‌شوند که سیاست‌های روشنی را برای اطمینان از تحقق مؤثر حق آزادی بیان در عصر دیجیتال برای همه، از جمله افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، زنان و مردان، تدوین، تصویب و اجرا کنند. فرایند توسعه چنین سیاستی باید شامل مشارکت مؤثر طیف گسترده‌ای از ذینفعان، از جمله نمایندگان گروه‌های اقلیت ملی، مقامات مستقل تنظیم‌کننده رسانه‌های ملی، رسانه‌ها، واسطه‌های اینترنتی، جامعه مدنی (از جمله گروه‌های زنان) و دانشگاهیان باشد. دولت‌ها باید مشارکت برابر زنان و مردان را در این فرآیندها تضمین کنند.

۱۱. محیط رسانه‌ای

۷. دولت‌ها باید مجموعه‌ای از اقدامات را برای اطمینان از اینکه افراد متعلق به اقلیت‌های ملی می‌توانند از فرصت‌های بی‌سابقه برای جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و ایده‌های مختلف، بدون در نظر گرفتن مرزها، در محیط رسانه‌ای کنونی بهره کامل ببرند، توسعه داده و به کار گیرند. با این حال، فراوانی اطلاعات و رسانه‌ها تعهدات موجود دولت‌ها را در قبال موارد زیر کاهش نمی‌دهد: - اطمینان از دسترسی مؤثر افراد متعلق به اقلیت‌های ملی به چنین فرصت‌های بیان و منابع اطلاعاتی؛ و - حمایت و/یا تسهیل تولید محتوا توسط و برای اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های خودشان، و انتشار این محتوا در طیف وسیعی از پلتفرم‌ها.

۸. دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که تعهدات خدمات همگانی حاکم بر بخش ارتباطات به طور کامل در عمل اجرا می‌شوند، از جمله برای اقلیت‌های ملی و سایر جوامعی که در مناطق روستایی و مزوی جغرافیایی زندگی می‌کنند یا به هر نحو دیگری به حاشیه رانده شده‌اند. این تعهدات شامل ارائه خدمات ارتباطات الکترونیکی با کیفیت مشخص و قیمت مقرون به صرفه، و همچنین اتصال پایدار و قابل اعتماد به شبکه ارتباطات عمومی از طریق تلفن (همراه) و اینترنت است.

۹. دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که همه - از هر سن و جنسیت و از هر قشر جامعه - می‌توانند مجموعه‌ای از مهارت‌ها را توسعه دهند که به آن‌ها امکان دسترسی، درک، تحلیل انتقادی، ارزیابی، استفاده و ایجاد محتوای رسانه‌ای، از جمله رسانه‌های آنلاین و محتوای دیجیتال را بدهد. برای دستیابی به این هدف، دولت‌ها باید اقدامات مؤثری را برای ارتقای سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی، از جمله به زبان‌های اقلیت‌های ملی، انجام دهند.

۱۰. دولت‌ها باید اقدامات لازم و مؤثر را برای تشویق یا، در صورت لزوم، الزام واسطه‌های اینترنتی مستقر در حوزه قضایی خود به اعمال دقت نظر در زمینه حقوق بشر در سراسر عملیاتشان و در نظر گرفتن هرگونه پیامدهای خاص برای حقوق اقلیت‌های ملی در این راستا، از جمله حذف تمام اشکال خشونت آنلاین علیه زنان، اتخاذ کنند. تمام این اقدامات - چه توسط دولت‌ها و چه توسط واسطه‌های اینترنتی، که ممکن است شامل سازوکارهای خودتنظیمی و/یا تنظیم مشترک باشد - باید کاملاً مطابق با تفسیرهای در حال تکامل حقوق بین‌المللی و اروپایی بشر، از جمله حقوق عدم تبعیض، حریم خصوصی و حفاظت از داده‌ها، و با در نظر گرفتن تحولات مربوطه فناوری و مقرراتی باشد.

۱۱. به واسطه‌های اینترنتی باید اجازه داده شود و تشویق شوند که خدمات خود را به زبان‌های اقلیت‌های ملی ارائه دهند. آنها همچنین باید تشویق شوند که برنامه‌های استراتژیک و اقدامات ملموسی را برای افزایش در دسترس بودن، دسترسی، برجستگی و قابلیت یافتن محتوای تولید شده توسط اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های اقلیت‌ها، به صورت آنلاین طراحی و اجرا کنند. واسطه‌هایی که از سیستم‌های جستجو یا توصیه‌گر مبتنی بر الگوریتم استفاده می‌کنند، باید تشویق شوند که شفافیت بیشتری در مورد نحوه عملکرد این سیستم‌ها و تأثیر آن‌ها بر محتوای اقلیت ارائه دهند. آنها همچنین باید سطوح بهبود یافته‌ای از خودمختاری فردی را بر داده‌ها و ترجیحات شخصی که استفاده می‌کنند، از جمله مواردی که می‌توانند منجر به شناسایی (یا عدم شناسایی) آنها به عنوان افرادی متعلق به اقلیت‌های ملی شوند، فراهم کنند.

۱۱.۱۱. پلورالیسم و تنوع

۱۲. دولت‌ها تشویق می‌شوند که طیف وسیعی از اقدامات را برای حمایت از ابتکارات رسانه‌ها در جهت تقویت گفت‌وگوی بین‌فرهنگی با ارائه محتوا، برنامه‌ها و خدمات برای تمام جامعه اتخاذ کنند و بدین ترتیب نقاط مرجع مشترک را حفظ نمایند. دولت‌ها باید از تولید محتوا توسط اقلیت‌های ملی و انتشار گسترده آن در پلتفرم‌های مختلف حمایت کنند. هر اقدامی که برای ارائه چنین حمایتی انجام می‌شود، نباید در استقلال سرمقاله و عملیاتی رسانه‌ها تداخل داشته باشد.

۱۳. دولت‌ها می‌توانند از اقدامات نظارتی یا سایر اقدامات برای ترویج استفاده از زبان‌های خاص در رسانه‌ها، از جمله زبان(های) دولتی/رسمی یا سایر زبان‌ها، به عنوان مثال برای تقویت انسجام و ادغام اجتماعی یا اطمینان از وجود یک زبان مشترک برای ارتباطات، استفاده کنند، مشروط بر اینکه اهداف مشروع و به وضوح بیان شده باشند و مقررات متناسب با آن اهداف باشد. دولت‌ها همچنین می‌توانند زبان‌های اقلیت‌های ملی را که جزء ضروری هویت آن‌ها هستند، ترویج دهند. هرگونه اقدام برای ترویج استفاده از زبان‌های خاص در رسانه‌ها باید در جهت ایجاد تعادل و ارائه سازگاری معقول و منصفانه با نیازها و منافع گروه‌های زبانی مختلف در جامعه باشد.

۱۴. سهمیه‌های زبانی برای پخش عمومی (دیجیتال) در صورتی که با حقوق بشر بین‌المللی و اروپایی و قوانین رسانه‌ای مطابقت داشته باشند، به ویژه در مورد تناسب آنها با اهداف اعلام شده، مجاز هستند. همچنین نباید هدف یا اثر محدود کردن ناعادلانه استفاده از زبان‌های دیگر، به ویژه زبان‌های اقلیت‌های ملی، را داشته باشند. اعمال محدودیت‌های سختگیرانه زبانی بر پخش‌کنندگان خصوصی ممکن است با آزادی بیان در تضاد باشد و باید با استفاده از رویکردهای دیگر برای تقویت فضای ارتباطی مشترک از آن اجتناب شود. این اقدامات احتیاطی برای کثرتگرایی و تنوع باید هرگونه سهمیه زبانی که برای موسیقی یا فیلم اعمال می‌شود را نیز شامل شود. سهمیه‌های زبانی نباید در مورد تبلیغات اعمال شوند.

۱۵. دولت‌ها می‌توانند از رسانه‌های خدمات عمومی بخواهند و رسانه‌های دیداری و شنیداری را به طور کلی تشویق کنند که ترتیبات معقولی برای ترجمه محتوای رسانه‌ای به زبان(های) رسمی/دولتی به زبان‌های اقلیت‌های ملی و بالعکس، به منظور افزایش دسترسی زبانی هر دو نوع محتوا در سراسر جامعه و در نتیجه کمک به تقویت گفتگوی بین فرهنگی، اتخاذ

کنند. هرگونه الزامات برای رسانه‌های خدمات عمومی باید به وضوح در قانون مشخص شود و متناسب با هدف مورد نظر باشد. رسانه‌های صوتی و تصویری خطی زبان‌های اقلیت نباید تحت هیچ شرایطی مشمول الزامات نامناسب یا نامتناسب برای زیرنویس، دوبله، همگام‌سازی مجدد یا هر شکل دیگری از ترجمه قرار گیرند.

۱۶. اطلاعیه‌های خدمات عمومی باید در صورت لزوم به زبان‌های اقلیت‌های ملی ترجمه شده و از طریق رسانه‌های مختلف، از جمله رسانه‌های اقلیت‌ها، به شیوه‌ای عادلانه و غیرتبعیض‌آمیز منتشر شوند.

۱۷. دولت‌ها باید اقدامات مؤثری را برای تضمین تکررگویی در محیط رسانه‌ای در حال تحول و اطمینان از دسترسی افراد متعلق به اقلیت‌های ملی به طیف گسترده‌ای از رسانه‌ها که محتوایی متناسب با نیازها و علایق آن‌ها ارائه می‌دهند، از جمله به زبان‌های خودشان، اتخاذ کنند. این اقدامات می‌تواند شامل اقداماتی برای ترویج چنین محتوایی و اطمینان از دیده‌شدن و یافتن آن باشد.

۱۸. دولت‌ها باید اقدامات مؤثری، از جمله اقدامات نظارتی، را در صورت لزوم برای جلوگیری از تمرکز مالکیت و کنترل رسانه‌ها که تهدیدی برای تکررگویی رسانه‌ای و در دسترس بودن خدمات و محتوای رسانه‌ای اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های اقلیت‌های ملی، هستند، اتخاذ کنند.

۱۹. دولت‌ها باید قوانین را معرفی و/یا قوانین موجود را اصلاح کنند تا استقلال و پایداری رسانه‌های خدمات عمومی را تضمین کرده و به آنها اجازه دهند با ارائه برنامه‌نویسی و خدمات متکثر و با کیفیت بالا در طیف وسیعی از پلتفرم‌ها، مأموریت خود را برای خدمت به همه بخش‌های جامعه، از جمله اقلیت‌های ملی، انجام دهند. چنین قوانینی باید مشارکت مؤثر اقلیت‌های ملی در فعالیت‌های رسانه‌های خدمات عمومی در سطوح مختلف، مانند تولید محتوا، تصمیم‌گیری‌های سرمقاله و فعالیت‌های نظارتی را فراهم کند یا حداقل تسهیل نماید.

۲۰. دولت‌ها تشویق می‌شوند که قوانین را معرفی و/یا قوانین موجود را اصلاح کنند تا ماهیت متمایز رسانه‌های اجتماعی غیرانتفاعی را به رسمیت بشناسند، که می‌توانند توسط جوامع اقلیت ملی اداره شوند یا به نحوی دیگر به آنها خدمت کنند. چنین قوانینی باید استقلال رسانه‌های اجتماعی را تضمین کند و به آنها اجازه دهد تا هدف خود را که فراهم کردن فرصت‌ها و آموزش برای اعضای جوامعی که به آنها خدمت می‌کند، از جمله اقلیت‌های ملی، محقق سازند تا آنها بتوانند محتوای رسانه‌ای خود را تولید کنند و به طور کامل در عملیات و مدیریت رسانه‌های خود مشارکت داشته باشند.

۲۱. دولت‌ها می‌توانند پتانسیل رسانه‌های تجاری را برای ارائه محتوای چندگانه، به ویژه محتوای اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های اقلیت‌های ملی، بررسی کنند و اقدامات مناسبی را برای تشویق ترویج چنین محتوایی توسعه دهند.

۲۲. دولت‌ها باید اقدامات قانونی و حمایتی خاصی را برای تسهیل عملکرد مستقل و پایدار طیف وسیعی از رسانه‌ها در

سطوح منطقه‌ای یا محلی، از جمله در مناطق جغرافیایی با جمعیت‌های اقلیت ملی و/یا به زبان‌های اقلیت ملی، اتخاذ کنند.

۲۳. دولت‌ها نباید توانایی افراد متعلق به اقلیت‌های ملی را برای دسترسی به رسانه‌هایی که در کشورهای دیگر تأسیس شده و به نفع اقلیت‌های ملی هستند، مانع یا محدود کنند. توانایی دسترسی به چنین رسانه‌هایی تعهد دولت‌ها را برای تسهیل و حمایت از توسعه و عملکرد مؤثر رسانه‌هایی که به اقلیت‌های ملی در حوزه‌های قضایی خود خدمت می‌کند، کاهش نمی‌دهد. علاوه بر این، دولت‌ها باید تلاش کنند تا از آثار منفی توافقنامه‌های حق تکثیر که منجر به مسدود شدن جغرافیایی محتوای رسانه‌ای می‌شود، برای اقلیت‌های ملی جلوگیری کنند یا حداقل آن را کاهش دهند.

۲۴. نهادهای مستقل تنظیم مقررات رسانه‌های ملی باید مکانیسم‌هایی را برای توانمندسازی زنان و مردان متعلق به اقلیت‌های ملی برای مشارکت مؤثر در تمام حوزه‌های کاری مرتبط با این گروه‌ها ایجاد کنند. ایالت‌ها تشویق می‌شوند که در صورت لزوم، حضور ساختاریافته افراد متعلق به اقلیت‌های ملی را در نهادهای تنظیم‌کننده رسانه‌های ملی مستقل معرفی یا تقویت کنند. باید ساز و کارهای مناسبی برای اطمینان از تعادل جنسیتی در این نهادها اتخاذ شود.

۲۵. طرح‌های صدور مجوز برای رادیو و تلویزیون (دیجیتال) باید بر اساس معیارهای از پیش تعیین شده، عمومی، روشن، شفاف و عادلانه باشد. دولت‌ها باید خدمات جوامع اقلیت‌های ملی، از جمله کانال‌های مشترک و اختصاصی و/یا کانال‌ها یا برنامه‌نویسی به زبان‌های اقلیت‌های ملی را به شیوه‌های مناسب در میان آن معیارها بگنجانند. طرح‌های صدور مجوز باید توسط مقامات مستقل تعیین شده که به رویه‌های روشن و پشتیبانی‌شده توسط مکانیزم‌های تجدیدنظر پایبند هستند، به شیوه‌ای عادلانه و غیرتبعیض‌آمیز اجرا شوند.

۲۶. دولت‌ها باید پتانسیل طرح‌های صدور مجوز برای رادیو و تلویزیون (دیجیتال) را برای ترویج رسانه‌های اقلیت، از جمله به زبان‌های اقلیت، در هر نوع سرویس رادیویی و تلویزیونی بررسی، استفاده و توسعه دهند. چنین مقرراتی می‌تواند شامل وضعیت ویژه برای رسانه‌های "اقلیت" یا "جامعه" باشد که معیارهای خاصی را برآورده می‌کنند، که ممکن است به آنها، به عنوان مثال و در صورت لزوم، تخفیف در هزینه‌های مجوز یا مشخصات فنی کمتر سختگیرانه، تعهدات مالی یا الزامات گزارش‌دهی نظارتی را اعطا کند.

۲۷. دولت‌ها باید از مقامات مستقل مسئول اجرای فرآیندهای صدور مجوز بخواهند که اطلاعات و راهنمایی‌هایی در مورد فرصت‌ها و الزامات رسانه‌های اقلیت در چارچوب طرح‌های صدور مجوز موجود ارائه دهند. اطلاعات و راهنمایی‌ها باید به زبان(های) رسمی/دولتی و به زبان‌های اقلیت‌های ملی صادر شوند و به شیوه‌های مناسب منتشر گردند.

۲۸. اپراتورهای شبکه، از جمله اپراتورهای کابلی، IPTV و ماهواره‌ای، و همچنین اپراتورهای چندرسانه‌ای، باید مجاز باشند و تشویق شوند که کانال‌های اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های اقلیت‌های ملی، را در بسته‌های (پایه) خود بگنجانند. به عنوان مثال، دولتها ممکن است استفاده از مقررات منصفانه و متناسب "پخش اجباری" را برای اطمینان از گنجاندن پخش خدمات عمومی یا کانال‌های اقلیت‌های ملی در بسته‌های (پایه) اپراتورهای شبکه کابلی یا مالتی‌پلکس در نظر بگیرند.

۲۹. هنگام صدور مجوز برای خدمات چندرسانه‌ای و راهنماهای برنامه‌های الکترونیکی، دولت‌ها باید مبنای قانونی برای گنجاندن مناسب و برجسته کردن کانال‌های رسانه‌ای اقلیت‌ها، از جمله به زبان‌های اقلیت‌ها، فراهم کنند.

۳۰. دولت‌ها باید تلاش کنند تا تولید، انتشار و ترویج محتوای اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های اقلیت‌ها و به ویژه برخط، را تشویق کنند. طرح‌های حمایت رسانه‌ای باید اقدامات مناسبی را برای پاسخگویی کافی به نیازها و منافع افراد متعلق به اقلیت‌های ملی اتخاذ کنند. به این منظور، طرح‌های موجود برای ترویج منافع عمومی یا محتوای چندگانه، یا انواع خاصی از رسانه‌های مستقل یا محتوا، می‌توانند بر نیاز به محتوایی که با نیازها و علایق اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های خودشان، و به ویژه آنالین مطابقت داشته باشد، تأکید کنند. بخشی از بودجه‌های موجود تحت طرح‌های فعلی می‌تواند برای این اهداف اختصاص یابد. ایجاد طرح‌های تأمین مالی اختصاصی نیز تشویق می‌شود.

۱۱۱. رسانه‌ها، فناوری‌های اطلاعات و پیشگیری از درگیری

۳۱. دولت‌ها و بازیگران دولتی یا عمومی باید از انتشار، حمایت یا تأیید هرگونه اطلاعات نادرست، تبلیغات یا گفت‌وگو تحریک‌آمیز که هدف آن تضعیف روابط دوستانه بین دولت‌ها و/یا حاکمیت سایر دولت‌ها، مانع‌تراشی در ادغام در سایر دولت‌ها و/یا ایجاد خصومت نسبت به گروه‌های خاص، از جمله اقلیت‌های ملی، است یا احتمالاً چنین می‌کند، خودداری کنند. واسطه‌های اینترنت باید اصول حقوق بشر را رعایت کنند، به حقوق بشر در فضای آنالین احترام بگذارند و به طور داوطلبانه تمام اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق زنان را در محیط دیجیتال بپذیرند و اجرا کنند.

۳۲. دولت‌ها تنها در مطابقت دقیق با قواعد بین‌المللی یا اروپایی حقوق بشر می‌توانند بیان را محدود یا ممنوع کنند. این بدان معناست که هرگونه محدودیت در حق آزادی بیان باید توسط قانون پیش‌بینی شده باشد و یک اقدام ضروری و متناسب برای دستیابی به یک هدف اعلام شده و مشروع باشد. هرگونه ممنوعیت بیان تحت قوانین داخلی باید به وضوح با مفاد خاص مربوطه در حقوق بین‌الملل مطابقت داشته و کاملاً با آن سازگار باشد. دولت‌ها باید از استفاده از اصطلاحات مبهم یا کلی برای انواع بیان به عنوان مبنایی برای تنظیم، محدودیت یا ممنوعیت محتوا خودداری کنند.

۳۳. برای انواع بیان تهاجمی یا مضر که از شدت یا شدت کافی برای محدودیت قانونی تحت قواعد بین‌المللی برخوردار نیستند، پاسخ‌های جایگزین مانند گفت‌وگو متقابل، گفت‌وگوی بین‌فرهنگی، از جمله از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، و فعالیت‌های آموزشی و آگاهی‌بخش ضروری است. واسطه‌های اینترنتی باید به ریشه‌کن کردن خشونت مبتنی بر جنسیت در فضای مجازی متعهد شوند و منابعی را برای کمپین‌های اطلاعاتی و آموزشی به منظور پیشگیری از خشونت تسهیل شده توسط فناوری اطلاعات و ارتباطات علیه زنان و دختران اختصاص دهند. دولت‌ها باید از چنین ابتکارانی حمایت کنند و رسانه‌ها را بدون خدشه‌دار کردن استقلال سردبیری‌شان و واسطه‌های اینترنتی را نیز به انجام این کار تشویق کنند.

۳۴. دولت‌ها باید رسانه‌ها و واسطه‌های اینترنتی را تشویق کنند تا گفت‌وگو و تفاهم بین گروه‌ها را به روش‌هایی که با نقش‌ها، کارکردها و ظرفیت‌های آن‌ها سازگار است، به ویژه در زمینه‌های پیشگیری از درگیری و حل آن، تقویت کنند. رسانه‌ها و واسطه‌های اینترنتی هر زمان که حق آزادی بیان خود را اعمال می‌کنند، تابع وظایف و مسئولیت‌های خاصی هستند.

۳۵. دولت‌ها نباید بر روی سیگنال‌های پخش پارازیت بیاندازند، وب‌سایت‌ها، خدمات مبتنی بر وب (از جمله خدمات رسانه‌های اجتماعی) یا برنامه‌ها یا آدرس‌های IP را از داخل یا خارج از حوزه قضایی خود مسدود کنند، مگر در صورت رعایت قواعد بین‌المللی حقوق بشر و طبق دستور دادگاه مستقل یا نهاد مستقل، بی‌طرف و معتبر دیگر.

۳۶. واسطه‌های اینترنتی نباید مسئول محتوای شخص ثالثی که از طریق خدمات یا شبکه‌هایشان منتشر می‌شود و آنها آن را تغییر یا ویرایش نکرده‌اند، شناخته شوند، مگر اینکه از ماهیت غیرقانونی محتوای خاصی آگاهی داشته باشند یا به طور معقول باید آگاهی داشته باشند، یا از اجرای حکم مستقل و معتبر دادگاه که از آنها می‌خواهد محتوای غیرقانونی را مسدود یا حذف کنند، خودداری کرده باشند و توانایی فنی انجام این کار را داشته باشند. همچنین واسطه‌های اینترنتی نباید ملزم به نظارت عمومی بر محتوا برای تعیین ماهیت محتوای شخص ثالث منتشر شده از طریق خدمات یا شبکه‌های خود باشند.

۳۷. دولت‌ها باید واسطه‌های اینترنتی را ملزم کنند که سیاست‌ها و رویه‌های روشن و شفافی را برای حذف محتوای غیرقانونی که کاربران از طریق خدمات یا شبکه‌هایشان منتشر می‌کنند، اتخاذ و به طور مؤثر اجرا کنند. این رویه‌ها باید تابع روند قانونی مناسب، از جمله نظارت کافی و مکانیزم‌های تجدیدنظر مؤثر، و در نهایت تابع بررسی قضایی و راه‌حل‌های مستقل باشند. برای رسیدگی به موارد خشونت آنلاین و تسهیل شده توسط فناوری اطلاعات و ارتباطات، به ویژه علیه زنان و دختران، واسطه‌های اینترنتی باید مکانیزم‌های شکایت را که به راحتی قابل دسترسی هستند، از جمله از نظر زبانی و فنی، کاربرپسند و آسان برای یافتن، را راه‌اندازی کنند.

رهنمودهای تالین در مورد اقلیت‌های ملی و رسانه‌ها در عصر دیجیتال و یادداشت تفسیری

۱. محیط توانمندسازی برای آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها

۱. دولت‌ها باید تمام اقدامات مناسب را برای اطمینان از اینکه همه، از جمله افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، می‌توانند حق آزادی بیان را در عصر دیجیتال به شیوه‌ای عملی و مؤثر اعمال کنند، انجام دهند. این شامل حق جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات، بدون در نظر گرفتن مرزها، به زبان‌ها و از طریق رسانه‌های مورد نظرشان می‌شود.

حق آزادی بیان شامل آزادی داشتن عقیده و حق جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و ایده‌ها از هر نوع از طریق هر رسانه‌ای و بدون در نظر گرفتن مرزها می‌شود. این حق مرکب به طور قاطع در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR)، ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، ماده ۱۰ کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (ECHR) و ماده ۱۱ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا (منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا) گنجانده شده است. این ابزارها با استانداردهای دیگری که از نظر قانونی و سیاسی الزام‌آور هستند، تکمیل می‌شوند و بخش جدایی‌ناپذیری از نظام بین‌المللی حمایت و ارتقای حقوق بشر را تشکیل می‌دهند.

کمیته حقوق بشر سازمان ملل تأیید کرده است که "آزادی عقیده و آزادی بیان شرایط ضروری برای توسعه کامل شخصیت انسان است" و اینکه این دو "سنگ بنای هر جامعه آزاد و دموکراتیک را تشکیل می‌دهند".^۵ دادگاه اروپایی حقوق بشر به طور مداوم با زبانی بسیار مشابه بر اهمیت آزادی بیان تأکید کرده و در عین حال اضافه کرده است که این آزادی همچنین "یکی از شرایط اساسی برای پیشرفت [اجتماعی]" است.^۶ آزادی بیان علاوه بر اینکه برای توسعه فردی و اجتماعی ضروری است، برای توسعه گروه‌های اجتماعی از جمله اقلیت‌های ملی نیز ضروری است.

یکی از اصول اساسی نظام بین‌المللی برای حمایت و ارتقای حقوق بشر این است که تمام حقوق بشر – از جمله حقوق افراد – متعلق به اقلیت‌های ملی – "جهانی، تجزیه‌ناپذیر، به هم وابسته و مرتبط با یکدیگر هستند".^۷ این بدان معناست که تعامل مهمی بین تمام حقوقی که افراد متعلق به اقلیت‌های ملی از آن برخوردارند، از جمله حقوق آزادی بیان، برابری و عدم تبعیض، تجمع و انجمن مسالمت‌آمیز، مشارکت مؤثر در امور عمومی و زندگی فرهنگی، آزادی مذهب و عقیده، و حقوق فرهنگی و زبانی وجود دارد.^۸ جنبه‌های خاص اقلیت‌های این حقوق در معاهدات بین‌المللی و/یا اروپایی مختلفی مانند

۵. کمیته حقوق بشر سازمان ملل، نظر کلی شماره ۳۴، ماده ۱۹ (آزادی‌های عقیده و بیان) (از این پس، «نظر کلی ۳۴»)، سند سازمان ملل CCPR/C/GC/34، ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۱، بند ۲. همچنین به بند ۱۳ مراجعه کنید.

۶. هندساید در برابر بریتانیا، ۷ دسامبر ۱۹۷۶، بند ۴۹، سری A، شماره ۲۴.

۷. ماده ۵، اعلامیه وین، کنفرانس جهانی حقوق بشر، وین، ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳.

۸. کمیته حقوق بشر سازمان ملل، GC 34، بندهای ۳-۴.

کنوانسیون چارچوبی شورای اروپا برای حمایت از اقلیت‌های ملی (FCNM) و استانداردهای سیاسی مانند اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی مشخص شده است.^۹ ابعاد زبانی و فرهنگی در ابزارهایی مانند منشور اروپایی زبان‌های منطقه‌ای یا اقلیت (ECRML) و کنوانسیون یونسکو برای حفاظت و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی در اولویت قرار دارند.

تعهدات سازمان امنیت و همکاری اروپا در مورد آزادی بیان^{۱۰}، آزادی رسانه‌ها و جریان آزاد اطلاعات^{۱۱}، مأموریت نماینده عالی سازمان امنیت و همکاری اروپا در امور اقلیت‌ها^{۱۲} و توصیه‌ها و دستورالعمل‌های موضوعی که توسط کمیسر عالی تهیه شده‌اند، در چارچوب و بخشی از آن چارچوب و نظام بین‌المللی تصویب شده‌اند. در سند نهایی هلسینکی کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا، کشورهای شرکت‌کننده متعهد شدند که "تعهدات خود را همانطور که در اعلامیه‌ها و توافقنامه‌های بین‌المللی در [زمینه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی]، از جمله میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر، که ممکن است به آنها ملزم باشند، مندرج شده است، انجام دهند"^{۱۳}.

قانون نهایی هلسینکی شامل بخش‌های گسترده‌ای در مورد آزادی اطلاعات، بیان و رسانه‌ها است. دولت‌های شرکت‌کننده از آن زمان به طور مداوم تأیید کرده‌اند که "آزادی بیان یک حق اساسی بشر و جزء اصلی یک جامعه دموکراتیک است" و اعلام کرده‌اند که "حفظ این حق را به عنوان اصل راهنمای خود در نظر می‌گیرند."^{۱۴} دولت‌های شرکت‌کننده همچنین به رسمیت شناخته‌اند که "نیاز به تقویت اجرای تعهدات سازمان امنیت و همکاری اروپا در زمینه رسانه‌ها، در صورت لزوم با در نظر گرفتن کار سایر سازمان‌های بین‌المللی"^{۱۵} (وجود دارد) که به این منظور تصمیم به تأسیس دفتر نماینده آزادی رسانه‌ها گرفته

۹ اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی، قطعنامه ۱۳۵/۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲.

۱۰ تعهدات سازمان امنیت و همکاری اروپا در مورد آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها و جریان آزاد اطلاعات، ۱۹۷۵-۲۰۱۷ (چهارمین ویرایش)، موجود در: <https://www.osce.org/representative-on-freedom-of-media/354081>

۱۱ مأموریت کمیسر عالی سازمان امنیت و همکاری اروپا در امور اقلیت‌های ملی، همانطور که در سند هلسینکی سازمان امنیت و همکاری اروپا در سال ۱۹۹۲ - چالش‌های تغییر - در ابتدا مشخص شده است. موجود در: <https://www.osce.org/hcnm/107878>

۱۲ موجود در: <https://www.osce.org/hcnm/thematic-recommendations-and-guidelines>

۱۳ سند نهایی کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا، هلسینکی، ۱ اوت ۱۹۷۵، تحت بند ۱
۱۴ سند بوداپست: به سوی مشارکت واقعی در عصر جدید، تصمیمات بوداپست، اجلاس سران دولت‌ها یا دولت‌ها، بوداپست، ۵ تا ۶ دسامبر ۱۹۹۴، بخش هشتم: بعد انسانی، بند ۳۶.

۱۵ اعلامیه نشست لیسیون، نشست سران کشورها یا دولت‌ها، لیسیون، ۲ تا ۳ دسامبر ۱۹۹۶، بند ۱۱.

اند^{۱۶}. در دسامبر ۲۰۱۸، شورای وزیران سازمان امنیت و همکاری در اروپا از کشورهای عضو خواست تا اقداماتی را برای تقویت آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها و به ویژه ایمنی روزنامه‌نگاران انجام دهند^{۱۷}. علاوه بر این، تضمین‌های حق آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها در قانون اساسی و قوانین کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE) نیز گنجانده شده است.

دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که همه، از جمله افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، قادر به اعمال حق آزادی بیان به شیوه‌ای "عملی و مؤثر" هستند، و بدین ترتیب اطمینان حاصل کنند که این حق صرفاً "نظری یا وهمی" نباشد^{۱۸}. دولت‌ها باید تمام اقدامات لازم را برای انجام این تعهد انجام دهند^{۱۹}. در وهله اول، دولت‌ها تنها می‌توانند حق آزادی بیان را مطابق با قواعد بین‌المللی و اروپایی حقوق بشر محدود کنند^{۲۰}.

به طور مشخص، هرگونه مداخله در حق آزادی بیان باید:

- توسط قانون ارائه یا تجویز شود (و قابل دسترسی و پیش‌بینی‌پذیر باشد و "با دقت کافی تدوین شده باشد تا فرد بتواند رفتار خود را بر اساس آن تنظیم کند."^{۲۱}؛

- هدف مشروعی را دنبال کند (همانطور که در ماده 10(2) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده است) یا برای اهداف خاصی باشد (همانطور که در ماده 19(3)(الف) و (ب) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است)^{۲۲}؛ و:

- [کنوانسیون اروپایی حقوق بشر] در جامعه دموکراتیک ضروری باشد (یعنی هر اقدامی که در حق مداخله می‌کند باید برای رفع نیاز اجتماعی فوری انجام شده باشد، متناسب با هدف مورد نظر باشد و دلایلی که دولت برای انجام این اقدام ارائه می‌کند باید مرتبط و کافی باشد)^{۲۳} یا [میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی] برای یک یا چند مورد از اهداف خاصی که

۱۶ تأسیس دفتر نماینده سازمان امنیت و همکاری اروپا در امور آزادی رسانه‌ها، مأموریت نماینده سازمان امنیت و همکاری اروپا در امور آزادی رسانه‌ها، تصمیم شماره ۱۹۳ شورای دائمی، ۵ نوامبر ۱۹۹۷.

۱۷ شورای وزیران سازمان امنیت و همکاری در اروپا، تصمیم شماره ۱۸/۰۳. "تصمیم در مورد ایمنی روزنامه‌نگاران (MC.DEC/3/18)" میلان، ۷ دسامبر ۲۰۱۸

۱۸ ایری علیه ایرلند، ۹ اکتبر ۱۹۷۹، بند ۲۴، سری الف شماره ۳۲.

۱۹ ماده ۱، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر؛ ماده ۱۲(۱)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کمیته حقوق بشر، نظر کلی شماره ۳۱ - ماهیت تعهد قانونی عام تحمیل شده بر دولت‌های عضو میثاق، ۲۹ مارس ۲۰۰۴.

۲۰ ماده ۱۹ (و ۲۰) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به ترتیب.

۲۱ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، GC 34، بند ۲۵؛ (و با استفاده از زبانی تقریباً یکسان) ساندی تایمز علیه بریتانیا (شماره ۱)، ۲۶ آوریل ۱۹۷۹، بند ۴۹، سری A شماره ۳۰.

۲۲ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، GC 34، بند ۲۲.

۲۳ به طور کلی، به پرونده ساندی تایمز علیه بریتانیا (شماره ۱) مراجعه کنید.

در ماده 19(3) (الف) و (ب) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ذکر شده است، ضروری باشد (یعنی هر اقدامی که در حق مداخله می‌کند باید "با آزمون‌های سختگیرانه ضرورت و تناسب مطابقت داشته باشد")^{۲۴}.

با این حال، برای اطمینان از اینکه همه بتوانند حق آزادی بیان را به صورت عملی و مؤثر اعمال کنند، همیشه کافی نخواهد بود که دولت‌ها تعهد منفی عدم مداخله در این حق را انجام دهند. دولت‌ها تعهد مثبت متقابلی دارند که اقدامات مثبتی برای تضمین این حق انجام دهند؛ به عنوان مثال، با حفظ تکرگاری در بخش رسانه‌های (صوتی و تصویری)^{۲۵}، ایجاد محیطی مساعد یا توانمند برای بحث عمومی^{۲۶}، و تضمین حقوق اقلیت‌ها^{۲۷}. چنین تعهدات مثبتی ممکن است در برخی موارد نیازمند مداخله دولت در روابط بین اشخاص ثالث باشد، زمانی که حق آزادی بیان در معرض خطر نقض قرار می‌گیرد^{۲۸}. چنین تعهدات مثبتی همچنین از دولت‌ها می‌خواهد که اطمینان حاصل کنند که راه‌حل‌های مؤثر برای همه کسانی که حق آزادی بیانشان، چه توسط مقامات دولتی و چه توسط اشخاص ثالث، مانند واسطه‌های اینترنتی، نقض شده است، در دسترس باشد^{۲۹}. حق آزادی بیان علاوه بر این باید در عصر دیجیتال عملی و مؤثر باشد. استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر ابزارهای زنده‌ای هستند که در طول زمان تکامل می‌یابند^{۳۰}. در واقع، تدوین‌کنندگان بسیاری از استانداردهای بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر، پیشرفت‌های فناوری را پیش‌بینی کرده و مفاد مربوطه را به گونه‌ای خشتی از نظر فناوری تدوین کرده‌اند^{۳۱}.

این امر به استانداردهای مربوطه اجازه می‌دهد تا با در نظر گرفتن تحولات سریع و مستمر محیط رسانه‌ای، همگام با زمان باقی بمانند. همین آگاهی باید در مقررات قانون اساسی و قانونی ملی منعکس شود. کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری در اروپا متعهد شده‌اند که "از هر فرصتی که ابزارهای مدرن ارتباطی، از جمله کابل و ماهواره‌ها، برای افزایش انتشار آزادتر

۲۴ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، نظر کلی شماره ۳۴، بند ۲۲.

۲۵ انجمن اطلاعاتی لتویا و دیگران علیه اتریش، ۲۴ نوامبر ۱۹۹۳، سری الف شماره ۲۷۶

۲۶ دینک علیه ترکیه، شماره‌های ۰۷/۲۶۶۸، ۰۸/۶۱۰۲، ۰۸/۳۰۰۷۹، ۰۹/۷۰۷۲ و ۰۹/۷۱۲۴، بند ۱۳۷، ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۰.

۲۷ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، نظر تفسیری شماره ۲۳ – حقوق اقلیت‌ها (ماده ۲۷)، سند شماره CCPR/C/21/Rev.1/Add.5، ۸ آوریل ۱۹۹۴؛ کمیته حقوق بشر، نظر تفسیری شماره ۳۱ – ماهیت تعهدات حقوقی عمومی تحمیل شده بر دولت‌های عضو میثاق، ۲۹ مارس ۲۰۰۴.

۲۸ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، نظر کلی شماره ۳۴، بند ۵؛ ایکس و وای علیه هلند، ۲۶ مارس ۱۹۸۵، بند ۲۳، مجموعه A شماره ۹۱؛ اوزگور گوندوم علیه ترکیه، شماره ۹۳/۲۳۱۴۴، بند ۴۳، دیوان اروپایی حقوق بشر III.۲۰۰-

۲۹ به ماده ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مراجعه کنید.

۳۰ تأیر در برابر بریتانیا، ۲۵ آوریل ۱۹۷۸، بند ۳۱، مجموعه A شماره ۲۶؛ متیوز در برابر بریتانیا [شعبه بزرگ]، شماره ۹۴/۲۴۸۳۳، بند ۳۹، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۹۹-I-

۳۱ به عنوان مثال، به ماده ۱۲ بند ۱ منشور اروپایی زبان‌های منطقه‌ای یا اقلیتی مراجعه کنید.

و گسترده‌تر اطلاعات از هر نوع ارائه می‌دهند، استفاده کنند.^{۳۲} بنابراین، دولت‌ها باید قوانین، سیاست‌ها و رویه‌های ملی خود را تحت بازبینی قرار دهند تا اطمینان حاصل کنند که کاملاً با حقوق بین‌المللی حقوق بشر، به ویژه حق آزادی بیان و حقوق افراد متعلق به اقلیت‌ها، مطابقت دارند (در این زمینه به راهنمای شماره ۶، صفحه ۳۵ مراجعه کنید).

آزادی رسانه‌ها یک نتیجه حیاتی از حق آزادی بیان است. رسانه‌های آزاد برای تحقق عملی حق آزادی بیان ابزار مهمی هستند.^{۳۳} این به دلیل نقش‌های حیاتی است که رسانه‌ها در جامعه دموکراتیک ایفا می‌کنند: اطلاع‌رسانی به مردم، نظارت بر فعالیت‌های دولت و سایر بازیگران قدرتمند، و فراهم کردن بستری برای بحث عمومی. در عصر دیجیتال، این نقش‌ها نیز - در درجات مختلف - توسط طیف گسترده‌ای از رسانه‌های آنلاین و بازیگران غیررسانه‌ای انجام می‌شوند.^{۳۴}

مردم حق دارند اطلاعات و ایده‌هایی را در مورد مسائل مورد علاقه عمومی جامعه دریافت کنند و رسانه‌ها وظیفه دارند این اطلاعات و ایده‌ها را منتقل کنند.^{۳۵} سیاست، امور جاری، مسائل بهداشتی، مذهب، فرهنگ و تاریخ همگی نمونه‌هایی از موضوعاتی هستند که مورد علاقه عموم مردم هستند، برخلاف روابط کاملاً خصوصی افراد یا امور خانوادگی. رسانه‌ها اطلاعات و ایده‌ها را به طور گسترده - اغلب با توضیح و زمینه‌سازی - منتشر می‌کنند و در نتیجه افکار عمومی را شکل می‌دهند. به همین ترتیب، با انتخاب، چارچوب‌بندی و تحلیل مسائل، رسانه‌ها، به ویژه رسانه‌های ژورنالیستی و خبری، قادر به تأثیرگذاری بر افکار عمومی و دستور کارهای سیاسی هستند. ضروری است که این وظیفه انتشار اطلاعات و ایده‌ها شامل موضوعات مورد علاقه اقلیت‌های ملی نیز باشد. با این حال، هدف قرار دادن اقلیت‌های ملی کافی نیست: زمانی که محتوا برای اقلیت‌ها در واقع توسط خود اقلیت‌ها، از جمله به زبان‌های خودشان، تولید می‌شود، احتمال بیشتری وجود دارد که محتوا نیازهای اطلاعاتی آن‌ها را برآورده کند. بنابراین، مشارکت افراد متعلق به اقلیت‌های ملی در تولید چنین اخبار و اطلاعاتی، از جمله به زبان‌های خودشان، باید تشویق شود.

رسانه‌ها با تحقیق و افشای تخلفات و فساد مقامات دولتی، مسئولان و نیروهای قدرتمند جامعه، نقش دیده‌بان عمومی را ایفا می‌کنند و بدین ترتیب آن‌ها را تحت نظارت و پاسخگویی قرار می‌دهند.^{۳۶} نیروهای قدرتمند در جامعه شامل گروه‌ها و چهره‌های سیاسی، تجاری و مذهبی، همچنین واسطه‌های رسانه‌ای و اینترنتی هستند. رسانه‌ها گاهی به عنوان رکن چهارم قدرت شناخته می‌شوند، به رسمیت شناختن عملکردشان در ایجاد تعادل و توازن در برابر سه رکن نهادی قدرت دولتی (قوه

۳۲ سند نهایی نشست وین (سومین نشست پیگیری کنفرانس هلسنکی)، وین، ۱۵ ژانویه ۱۹۸۹، بند ۳۵، همچنین به بند ۳۴ مراجعه کنید.

۳۳ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، GC 34، بندهای ۱۳ به بعد.

۳۴ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، GC 34، بندهای ۱۵ و ۴۴.

۳۵ ساندی تایمز علیه بریتانیا (شماره ۱)، ۲۶ آوریل ۱۹۷۹، بند ۶۵، سری A شماره ۳۰؛ کمیته حقوق بشر، GC 34، بند ۱۳ و کمیته حقوق بشر، ارتباط شماره ۲۰۰۴/۱۳۳۴، ماولونوف و سعدی علیه ازبکستان.

۳۶ بارتولد علیه آلمان، ۲۵ مارس ۱۹۸۵، بند ۵۸، مجموعه A شماره ۹۰؛ گودوین علیه بریتانیا، ۲۷ مارس ۱۹۹۶، بند ۳۹، گزارش‌های احکام و تصمیمات II-۱۹۹۶.

مجریه، قوه مقننه و قوه قضاییه). هنگام انجام نقش نظارتی عمومی خود، رسانه‌ها باید به سوءاستفاده از قدرت سیاسی یا اقتصادی که به طور خاص بر منافع اقلیت‌های ملی تأثیر می‌گذارد نیز توجه کنند.

رسانه‌ها همچنین انجمن‌ها و کانال‌هایی را فراهم می‌کنند که بحث عمومی در آن‌ها یا از طریق آن‌ها انجام می‌شود.^{۳۷} افراد متعلق به اقلیت‌های ملی باید بتوانند به این انجمن‌ها و کانال‌های مشترک دسترسی پیدا کنند و به طور مؤثر در بحث‌های انجام شده در آنجا شرکت کنند. این نقش رسانه‌ها برای افزایش مشارکت و ادغام افراد متعلق به اقلیت‌های ملی در جامعه بسیار مهم است. با فراهم کردن فضاهای گفت‌وگویی مشترک، رسانه‌ها می‌توانند به پیشبرد آگاهی، گفت‌وگو و تفاهم بین‌گروهی و بین‌فرهنگی و کاهش عدم تحمل کمک کنند. همه اینها می‌تواند به پیشگیری و حل منازعات و همچنین به صلح، همبستگی اجتماعی و ثبات کمک کند.^{۳۸}

علاوه بر فضاهای گفت‌وگویی مشترکی که توسط رسانه‌های اصلی ارائه می‌شود، افراد متعلق به اقلیت‌های ملی نیز به فضاهای گفت‌وگویی جایگزین و مستقل نیاز دارند که می‌توانند توسط رسانه‌هایی که توسط جوامع اقلیت‌ها اداره می‌شوند و/یا به آن‌ها خدمت می‌کنند، فراهم شوند. ارزش چنین فضاهای گفت‌وگویی جایگزینی در گستره‌ای نهفته است که برای افراد متعلق به اقلیت‌های ملی ایجاد می‌کنند تا هویت‌های فرهنگی و زبانی خود را بیان، کشف و حفظ کنند. به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است که اقلیت‌ها حق دارند رسانه‌های خود را، از جمله به زبان‌های خودشان، تأسیس و استفاده کنند.^{۳۹} هدف رسانه‌های اقلیت باید در زمینه گسترده‌تر انسجام و ادغام اجتماعی در جوامع متکثر دیده شود؛ این رسانه‌ها نباید به انزوا یا جدایی گروه‌های اقلیت از سایر گروه‌ها و دیدگاه‌ها در جامعه منجر شوند.^{۴۰} همچنین حق اقلیت‌های ملی برای ایجاد و استفاده از رسانه‌های خود نباید به این معنی باشد که نهادهای اقلیت باید آن رسانه‌ها را کنترل کنند.^{۴۱}

۲. دولت‌ها باید تمام اقدامات مناسب را برای انجام تعهد مثبت خود مبنی بر ایجاد محیطی مساعد برای بحث عمومی قوی و چندگانه که در آن همه، از جمله افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، بتوانند به طور مؤثر شرکت کنند و نظرات، ایده‌ها و هویت‌های خود را بدون ترس بیان کنند، انجام دهند.

دولت‌ها تعهد گسترده و مثبتی دارند که محیطی مساعد یا توانمند برای بحث عمومی ایجاد کنند که در آن همه بتوانند بدون

۳۷ انجمن حقوق آزادی‌ها در برابر مجارستان، شماره ۰۵/۳۷۳۷۴، بند ۲۷، ۱۴ آوریل ۲۰۰۹.

۳۸ بندهای (۶۱) و (۹) کنوانسیون چارچوبی برای حمایت از اقلیت‌های ملی.

۳۹ ماده ۳۹(۳)، کنوانسیون چارچوبی برای حمایت از حقوق ملیت‌ها؛ ماده ۱۱(۱)، منشور اروپایی زبان‌های منطقه‌ای یا اقلیتی؛ توصیه‌های اسلو در مورد حقوق زبانی اقلیت‌های ملی (توصیه‌های اسلو)، توصیه ۸؛ دستورالعمل‌های رسانه‌های پخش، دستورالعمل ۸.

۴۰ مواد ۱(۶) و ۴۹(۴)، کنوانسیون چارچوبی برای حمایت از حقوق ملیت‌ها؛ دستورالعمل‌های لیوبلیانا در مورد ادغام جوامع متکثر (دستورالعمل‌های لیوبلیانا)، دستورالعمل ۷.

۴۱ توصیه‌های لوند در مورد مشارکت مؤثر اقلیت‌های ملی در زندگی عمومی (توصیه‌های لوند)، یادداشت تفسیری برای توصیه ۱۸.

ترس، حتی اگر ممکن است دولت یا هر بخش از جمعیت را آزار دهند، شرکت کنند و نظرات و ایده‌های خود را بیان کنند.^{۴۲} ایالت طرف‌های کنوانسیون چارچوبی برای حمایت از ملیت‌های قومی دارای تعهد مشابهی هستند: "ایجاد شرایط لازم برای مشارکت مؤثر افراد متعلق به اقلیت‌های ملی در زندگی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و در امور عمومی، به ویژه آنهایی که بر آنها تأثیر می‌گذارد."^{۴۳}

دولت‌ها باید بحث عمومی قوی را تقویت کنند که در آن تنوع گسترده‌ای از صداها و دیدگاه‌ها، از جمله دیدگاه‌های مخالف، شنیده و مورد بحث قرار گیرند. در حالی که بحث عمومی باید قوی باشد، نباید انحصاری باشد. بنابراین، فراگیری انجمن‌هایی که در آن‌ها بحث عمومی انجام می‌شود، از جمله رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، باید با اقدامات عدم تبعیض تضمین شود.^{۴۴} در محیط توانمندسازانه‌ای که دولت‌ها باید ایجاد و حفظ کنند، همه، از جمله افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، باید بتوانند هویت خود را نیز بیان کنند؛ "دولت‌ها باید اقداماتی را برای ایجاد شرایط مساعد به منظور توانمندسازی افراد متعلق به اقلیت‌ها برای بیان ویژگی‌های خود و توسعه فرهنگ، زبان، دین، سنت‌ها و آداب و رسوم خود انجام دهند، مگر در مواردی که رویه‌های خاصی مغایر با قوانین ملی و استانداردهای بین‌المللی باشد."^{۴۵} دولت‌ها همچنین باید "افراد و گروه‌های اجتماعی" را تشویق کنند تا "بیان‌های فرهنگی خود را ایجاد، تولید، منتشر، توزیع و به آن‌ها دسترسی داشته باشند، با توجه شایسته به شرایط و نیازهای ویژه زنان و همچنین گروه‌های اجتماعی مختلف، از جمله افراد متعلق به اقلیت‌ها و مردم بومی."^{۴۶}

۳. دولت‌ها باید سیستم‌های مؤثر حمایت قانونی و عملی را برای تضمین ایمنی و امنیت همه کسانی که مایل به شرکت در بحث‌های عمومی هستند، ایجاد کنند. این امر مستلزم اجرای مؤثر قوانینی است که تهدیدها و خشونت علیه روزنامه‌نگاران و سایر فعالان رسانه‌ای را مجازات می‌کند و پیگرد قانونی عاملان این سوءاستفاده‌ها، سیستم‌های حفاظتی

۴۲ دینک علیه ترکیه، شماره‌های ۰۷/۲۶۶۸، ۰۸/۶۱۰۲، ۰۸/۳۰۰۷۹، ۰۹/۷۰۷۲ و ۰۹/۷۱۲۴، بند ۱۴، ۱۳۷ سپتامبر ۲۰۱۰.

۴۳ ماده ۱۵، FCNM. همچنین ببینید: ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ بندهای ۲ و ۳ ماده ۲ اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی؛ و به طور کلی، توصیه‌های لوند.

۴۴ ماده ۹(۱). FCNM.

۴۵ بند ۲ ماده ۴، اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی. مقدمه کنوانسیون چارچوبی برای حمایت از ملیت‌های قومی (FCNM) معتقد است که "یک جامعه کثرت‌گرا و واقعاً دموکراتیک نه تنها باید به هویت قومی، فرهنگی، زبانی و مذهبی هر فرد متعلق به یک اقلیت ملی احترام بگذارد، بلکه شرایط مناسبی را نیز برای آنها فراهم کند تا این هویت را بیان، حفظ و توسعه دهند" و این موضوع توسط دیوان اروپایی حقوق بشر در حکم خود در پرونده گورزلیک و دیگران علیه لهستان [GC]، شماره 98/44158، بند 93، ECHR 2004-I به رسمیت شناخته شد.

46 ماده 7(۱)(الف)، کنوانسیون یونسکو در مورد حفاظت و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی.

باید کاملاً قابل اجرا و در دسترس افراد متعلق به اقلیت‌های ملی باشند و به نیازهای آنها، از جمله نیازهای مرتبط با جنسیت، حساس باشند. چنین سیستم‌هایی می‌توانند در صورت نیاز شامل مکانیزم‌های حفاظتی تخصصی باشند.

برای انجام تعهد خود در ایجاد محیطی مناسب برای بحث عمومی، دولت‌ها باید ابتدا یک سیستم حفاظتی مؤثر برای همه کسانی که مایل به شرکت در بحث عمومی هستند، ایجاد کنند.^{۴۷} چنین سیستم‌های حفاظتی باید نقش‌های خاص روزنامه‌نگاران و سایر فعالان رسانه‌ای در جامعه دموکراتیک را به طور کامل در نظر بگیرند و شامل تمام اقدامات احتیاطی لازم برای تضمین ایمنی و امنیت آنها باشند. روزنامه‌نگاران و سایر بازیگران رسانه‌ای و غیررسانه‌ای که به بحث عمومی کمک می‌کنند - از جمله افشاگران، روزنامه‌نگاران شهروند، وبلاگ‌نویسان، سازمان‌های جامعه مدنی، دانشگاهیان و مفسران فردی - گاهی اوقات به ارباب، آزار و اذیت، تهدید، سوء استفاده، حملات و شکنجه و حتی به دلیل کار تحقیقی، نظرات یا گزارش‌های خود به قتل می‌رسند.^{۴۸} گاهی اوقات آن‌ها به دلیل تعلق به یک اقلیت ملی یا به دلیل جنسیت، هویت جنسیتی، گرایش جنسی، هویت قومی، فرهنگی یا مذهبی خود هدف قرار می‌گیرند.^{۴۹} خطرات خاص مرتبط با جنسیت که روزنامه‌نگاران زن و سایر فعالان رسانه‌ای زن با آن مواجه هستند، از جمله "آزار و اذیت‌های تبعیض‌آمیز، زن‌ستیزانه و تحقیرآمیز؛ تهدیدها؛ ارباب؛ آزار و اذیت و تجاوز و خشونت جنسی"، منبع نگرانی خاصی هستند.^{۵۰}

این روندها باعث ترس می‌شوند و تأثیر سردکننده‌ای بر آزادی بیان دارند. آنها "نه تنها حق زن را برای زندگی آزاد از خشونت و مشارکت آنلاین نقض می‌کنند، بلکه عملکرد دموکراتیک و حکمرانی خوب را نیز تضعیف می‌کنند."^{۵۱} کشورهای شرکت‌کننده در سازمان امنیت و همکاری اروپا "تمام حملات و آزار و اذیت روزنامه‌نگاران را محکوم می‌کنند" و متعهد شده‌اند که "تلاش کنند مسئولان مستقیم این حملات و آزار و اذیت را پاسخگو کنند."^{۵۲} شورای وزیران سازمان امنیت و

۴۷ دینک علیه ترکیه، شماره‌های ۰۷/۲۶۶۸، ۰۸/۶۱۰۲، ۰۸/۳۰۰۷۹، ۰۹/۷۰۷۲ و ۰۹/۷۱۲۴، بند ۱۳۷، ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۰؛ ماده ۶(۲)، کنوانسیون چارچوبی برای حمایت از اقلیت‌های ملی؛ کمیته حقوق بشر، نظر کلی ۳۴، بند ۲۳.

۴۸ شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2016)4 کمیته وزرای عضو به دولت‌های عضو در مورد حمایت از روزنامه‌نگاری و ایمنی روزنامه‌نگاران و سایر فعالان رسانه‌ای، ۱۳ آوریل ۲۰۱۶، بند ۱؛ کمیته حقوق بشر، GC 34، بند ۲۳. همچنین ببینید: شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2018)11 کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد نیاز به تقویت حمایت و ارتقای فضای جامعه مدنی در اروپا، ۲۸ نوامبر ۲۰۱۸.

۴۹ همان، بند ۲.

۵۰ همان. همچنین ببینید: برنامه بین‌المللی یونسکو برای توسعه ارتباطات، برنامه عمل سازمان ملل در مورد ایمنی روزنامه‌نگاران و مسئله مصونیت از مجازات، 2012، بند 1.17؛ دفتر نمایندگی سازمان امنیت و همکاری اروپا در آزادی رسانه‌ها، بیانیه مطبوعاتی در مورد تهدید فزاینده ایمنی روزنامه‌نگاران زن در اینترنت، بیانیه مطبوعاتی 2015/02، 6 فوریه 2015.

۵۱ گزارش گزارشگر ویژه در مورد خشونت علیه زنان، علل و پیامدهای آن در مورد خشونت آنلاین علیه زنان و دختران از منظر حقوق بشر، سند شماره A/HRC/38/47، ۱۴ ژوئن ۲۰۱۸، بند ۲۹.

۵۲ سند بوداپست: به سوی مشارکت واقعی در عصر جدید، تصمیمات بوداپست، اجلاس سران کشورها یا دولت‌ها، بوداپست، ۵ تا ۶ دسامبر ۱۹۹۴، هشتم. بعد انسانی، بند ۳۷.

همکاری اروپا همچنین از کشورهای عضو خواسته است که "اقدامات مؤثری برای پایان دادن به مصونیت از مجازات برای جرایم ارتكابی علیه روزنامه‌نگاران" انجام دهند و بر اهمیت "تحقیقات سریع، مؤثر و بی‌طرفانه در مورد اعمال خشونت و تهدید علیه روزنامه‌نگاران" و جبران خسارت مناسب برای قربانیان تأکید کرده است.^{۵۳}

سیستم‌های مؤثر حفاظتی باید شامل قوانین کافی برای تضمین حفاظت از روزنامه‌نگاران و سایر مشارکت‌کنندگان در بحث‌های عمومی و سیستم‌هایی برای تحقیق در مورد تهدیدات و خشونت و پیگرد قانونی مرتکبان باشد، مطابق با دستورالعمل‌های مفصل مندرج در رویه قضایی مربوطه دیوان اروپایی حقوق بشر و در توصیه CM/Rec(2016)4 کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد حفاظت از روزنامه‌نگاری و ایمنی روزنامه‌نگاران و سایر فعالان رسانه‌ای.^{۵۴} سیستم‌های حفاظتی مؤثر می‌توانند شامل اقدامات عملیاتی مانند ارائه حفاظت پلیس پس از تهدید به خشونت، تخلیه افراد تهدید شده به خانه‌های امن، ایجاد مکانیسم‌های هشدار زودهنگام و پاسخ سریع، و اطمینان از دسترسی مؤثر به عدالت، از جمله خدمات پشتیبانی از قربانیان، باشند.^{۵۵} کاربرد این سیستم‌های حفاظتی باید نسبت به نیازهای افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، و به ویژه زنان اقلیت، حساس باشد.^{۵۶} اقداماتی مانند حفاظت پلیس و تخلیه به خانه‌های امن باید با مشورت کامل با افراد هدف اجرا شود.

۴. مقامات دولتی و/یا عمومی نباید روزنامه‌نگاران و سایر فعالان رسانه‌ای را تضعیف یا تهدید کنند، یا به دلیل تعلق به اقلیت ملی یا گزارش‌دهی درباره مسائل اقلیت‌های ملی، نفرت یا تبعیض علیه آنها را تحریک کنند. همچنین نباید با اتهامات عمدی و دروغین به یکپارچگی روزنامه‌نگاران یا سایر فعالان رسانه‌ای حمله کنند و در نتیجه امنیت آنها را به خطر بیندازند. علاوه بر این، آنها باید علناً و بدون ابهام تمام تهدیدات و خشونت علیه روزنامه‌نگاران و سایر فعالان رسانه‌ای را، صرف نظر از منبع این تهدیدات و اعمال خشونت، محکوم کنند.

به دلیل نقش‌ها و وظایف رسمی و/یا عمومی و مسئولیت‌های همراه با آن، مقامات دولتی و سایر چهره‌های عمومی نباید نفرت یا تبعیض را علیه هیچ‌کس، از جمله افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، تحریک کنند.^{۵۷}

۵۳ شورای وزیران سازمان امنیت و همکاری در اروپا، تصمیم شماره ۱۷/۰۳. «تصمیم در مورد ایمنی روزنامه‌نگاران. MC.DEC/3/18» میلان، ۷ دسامبر ۲۰۱۸. بند ۶.

۵۴ شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2016)4 کمیته وزرا به کشورهای عضو در مورد حمایت از روزنامه‌نگاری و ایمنی روزنامه‌نگاران و سایر فعالان رسانه‌ای، ۱۳ آوریل ۲۰۱۶.

۵۵ شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2016)4 کمیته وزرای کشورهای عضو در مورد حمایت از روزنامه‌نگاری و ایمنی روزنامه‌نگاران و سایر فعالان رسانه‌ای، ۱۳ آوریل ۲۰۱۶، بندهای ۸ به بعد.

۵۶ با استناد به توصیه‌های گراتس در مورد دسترسی به عدالت و اقلیت‌های ملی (توصیه‌های گراتس)، توصیه ۷.

۵۷ ماده ۴(ج)، کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض نژادی؛ فرت در برابر بلژیک، شماره ۰۷/۱۵۶۱۵، ۱۶ ژوئیه ۲۰۰۹.

مقامات دولتی و/یا چهره‌های عمومی باید در هر زمان از اتهامات عمدی و دروغین علیه روزنامه‌نگاران فردی، سازمان‌های رسانه‌ای خاص و رسانه‌ها به طور کلی خودداری کنند تا به اعتبار و شهرت آنها آسیب برسانند. چنین اتهامات نادرستی می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی عمومی شود و به ایجاد فضایی از خصومت و پرخاشگری نسبت به روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها کمک کند.^{۵۸} محکومیت رسمی، صریح و بی‌قیدوشرط تهدیدها، خشونت و "گفتار نفرت‌آمیز" علیه روزنامه‌نگاران و سایر فعالان رسانه‌ای توسط مقامات دولتی و چهره‌های عمومی می‌تواند این پیام قوی را ارسال کند که چنین تهدیدها و خشونت‌هایی در جوامع دموکراتیک غیرقابل قبول هستند.^{۵۹} توجه ویژه به حملات و تهدیدات علیه روزنامه‌نگاران زن ضروری است.^{۶۰}

۵. دولت‌ها باید تمام اقدامات نظارتی و سایر اقدامات مناسب را برای اطمینان از اینکه ویژگی‌های کلیدی یک محیط مساعد برای آزادی بیان، رسانه‌ها و بحث عمومی در قانون، سیاست و عمل محافظت می‌شوند، انجام دهند. این ویژگی‌ها شامل چارچوب قانونی و سیاستی برای برابری و عدم تبعیض؛ نظام حمایت از اقلیت‌های ملی و حقوق آن‌ها؛ رژیم مؤثر آزادی اطلاعات؛ تکثرگرایی در محیط رسانه‌ای در حال تحول؛ و فرهنگ استقلال در بخش رسانه‌ها، از جمله در مورد نهادهای نظارتی ملی و عملکرد رسانه‌های خدمات عمومی، تجاری، اجتماعی و سایر رسانه‌ها می‌شود.

علاوه بر تضمین امنیت شرکت‌کنندگان در بحث‌های عمومی، دولت‌ها نیز موظف به حمایت از فعالیت بحث‌های عمومی هستند. این امر نیازمند یک چارچوب فراگیر برای برابری و عدم تبعیض است. این امر همچنین مستلزم ایجاد یک نظام مؤثر آزادی اطلاعات^{۶۱} است تا اطلاعات رسمی که توسط دولت، نهادهای شبه‌دولتی و سایر نهادهای عمومی نگهداری می‌شود، برای همه، از جمله به زبان‌های اقلیت‌های ملی، قابل دسترسی باشد.^{۶۲} برای اطمینان از دسترسی مؤثر به اطلاعات رسمی در عصر دیجیتال، دولت‌ها تشویق می‌شوند که رژیم‌های آزادی اطلاعات خود را گسترش دهند تا شامل ارائه طیف گسترده‌ای

۵۸ شورای وزیران سازمان امنیت و همکاری در اروپا، تصمیم شماره ۱۸/۰۳، "تصمیم در مورد ایمنی روزنامه‌نگاران (MC.DEC/3/18)" میلان، ۷ دسامبر ۲۰۱۸، (بندهای ۳، ۴ و ۶. شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2016)4 کمیته وزرا به کشورهای عضو در مورد حفاظت از روزنامه‌نگاری و ایمنی روزنامه‌نگاران و سایر فعالان رسانه‌ای، ۱۳ آوریل ۲۰۱۶، بند ۱۵.

۵۹ کمیته رفع تبعیض نژادی، توصیه عمومی شماره ۳۵ - مبارزه با سخنان نفرت‌آمیز نژادپرستانه (GR 35)، سند شماره CERD/C/GC/35، ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۳، بند ۳۷؛ شورای اروپا، توصیه شماره 20 (97) R کمیته وزرا به کشورهای عضو در مورد "سخنان نفرت‌آمیز"، ۳۰ اکتبر ۱۹۹۷، پیوست، اصل ۱.

۶۰ شورای وزیران سازمان امنیت و همکاری در اروپا، تصمیم شماره ۱۸/۰۳، "تصمیم در مورد ایمنی روزنامه‌نگاران" MC.DEC/3/18، میلان، ۷ دسامبر ۲۰۱۸، بند ۴.

۶۱ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، نظر کلی شماره ۳۴، بندهای ۱۸-۱۹.

۶۲ مطابق با بخش‌های مربوطه از FCNM، ECRML و توصیه‌های اسلو، توصیه‌های لوند و دستورالعمل‌های لیوبلیانا.

از خدمات دولت الکترونیک به زبان‌های اقلیت‌های ملی شود. حفاظت از فعالیت مناظره عمومی همچنین مستلزم اقداماتی برای اطمینان از تکثرگرایی مؤثر رسانه‌ای در رسانه‌های مختلف و تنوع واقعی در خروجی رسانه‌ها است که به راحتی در دسترس و یافتن و دسترسی برای همه افراد متعلق به اقلیت‌های ملی آسان باشد.^{۶۳}

در محیطی که آزادی بیان و رسانه‌ها را تسهیل می‌کند، فرهنگ استقلال باید برای همه بازیگران مرتبط، از جمله افراد، رسانه‌ها و سایر بازیگران غیررسانه‌ای و نهادهای تنظیم مقررات رسانه‌ای ملی (و/یا منطقه‌ای) حاکم باشد. این بدان معناست که نهادهای تنظیم‌کننده رسانه‌ها، برای مثال، باید از هرگونه دخالت سیاسی، تجاری، مذهبی یا سایر اشکال دخالت محافظت شوند.^{۶۴}

این فرهنگ استقلال باید بر اساس حاکمیت قانون، هدایت شده توسط ارزش‌های حقوق بشر و پشتیبانی شده توسط نهادهای دموکراتیک مستقل بنا شود.

۶. اگر دولت‌ها هنوز این کار را نکرده‌اند، تشویق می‌شوند که سیاست‌های روشنی را برای اطمینان از تحقق مؤثر حق آزادی بیان در عصر دیجیتال برای همه، از جمله افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، زنان و مردان، تدوین، تصویب و اجرا کنند. فرایند توسعه چنین سیاستی باید شامل مشارکت مؤثر طیف گسترده‌ای از ذینفعان، از جمله نمایندگان گروه‌های اقلیت ملی، مقامات مستقل تنظیم‌کننده رسانه‌های ملی، رسانه‌ها، واسطه‌های اینترنتی، جامعه مدنی (از جمله گروه‌های زنان) و دانشگاهیان باشد. دولت‌ها باید مشارکت برابر زنان و مردان را در این فرآیندها تضمین کنند.

از دولت‌ها انتظار می‌رود که قوانین، سیاست‌ها و رویه‌های خود را تحت بازبینی قرار دهند تا از انطباق آن‌ها با قواعد بین المللی و اروپایی حقوق بشر اطمینان حاصل کنند.^{۶۵} به عنوان بخشی از این بررسی‌های مستمر در مورد حق آزادی بیان، دولت‌ها باید بررسی کنند که آیا ویژگی‌های کلیدی محیط توانمندسازی، مانند مواردی که در پاراگراف‌های قبلی ذکر شد، به اندازه کافی محافظت می‌شوند. علاوه بر این، دولت‌ها باید سیاست‌های روشنی را در فرآیندهای فراگیر مشاوره یا همکاری

۶۳ شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2018)1 کمیته وزرای کشورهای عضو در مورد تکثرگرایی رسانه‌ای و شفافیت مالکیت رسانه‌ها، ۷ مارس ۲۰۱۸، پیوست/دستورالعمل‌ها، بند ۲.۶. همچنین ببینید: دستورالعمل ۱۹، صفحه ۵۰؛ ماده ۱۰ بیس، کنوانسیون اروپایی تلویزیون فرامرزی (با اصلاحات بعدی)؛ ماده ۱۱(۲)، منشور حقوق اساسی اروپا؛ CERD، توصیه عمومی ۳۵، بند ۴۱.

۶۴ شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2018)1 کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد تکثر رسانه‌ای و شفافیت مالکیت رسانه‌ها، ۷ مارس ۲۰۱۸، پیوست/دستورالعمل‌ها، بندهای ۱.۵ و ۱.۶؛ شورای اروپا، کمیته وزرا، توصیه Rec(2000)23 در مورد استقلال و وظایف نهادهای نظارتی بخش پخش، ۲۰ دسامبر ۲۰۰۰؛ دستورالعمل‌های رسانه‌های پخش، دستورالعمل ۶؛ ماده ۳۰، دستورالعمل ۱۳/۲۰۱۰/پارلمان اروپا و شورای مورخ ۱۰ مارس ۲۰۱۰ در مورد هماهنگی برخی مقررات قانونی، نظارتی یا اداری در کشورهای عضو در خصوص ارائه خدمات رسانه‌ای دیداری و شنیداری (دستورالعمل خدمات رسانه‌ای دیداری و شنیداری)، اصلاح شده توسط دستورالعمل (EU) 2018/1808 (پارلمان اروپا و شورای مورخ ۱۴ نوامبر ۲۰۱۸).

۶۵ این امر در الزامات گزارش‌دهی کلی دولت‌ها طبق قواعد بین‌المللی و اروپایی (معاهداتی) ضمنی است و به طور خاص در موارد زیر ذکر شده است: شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2016)4 کمیته وزرای به کشورهای عضو در مورد حمایت از روزنامه‌نگاری و ایمنی روزنامه‌نگاران و سایر فعالان رسانه‌ای، ۱۳ آوریل ۲۰۱۶، بند ۷. (ii) همچنین ببینید: شورای وزیران سازمان امنیت و همکاری در اروپا، تصمیم شماره ۱۸/۰۳، "تصمیم در مورد ایمنی روزنامه‌نگاران MC.DEC/3/18،" میلان، ۷ دسامبر ۲۰۱۸، بند ۲.۶۶.

با طیف گسترده‌ای از ذینفعان، از جمله نمایندگان گروه‌های اقلیت ملی^{۶۶}، تدوین کنند تا چارچوبی منسجم و جامع ارائه دهند و مجموعه‌ای از اهداف را که باید محقق شوند، مشخص کنند. کمیته وزرای شورای اروپا اعلام کرده است که "[همه] بازیگران - چه جدید و چه سنتی - که در اکوسیستم رسانه‌ای فعالیت می‌کنند، باید چارچوب سیاستی را دریافت کنند که سطح مناسبی از حفاظت را تضمین کند و نشانه‌ای روشن از وظایف و مسئولیت‌های آنها را مطابق با استانداردهای شورای اروپا ارائه دهد."^{۶۷} چنین سیاستی باید با سایر سیاست‌های مرتبط دولت، به عنوان مثال، در مورد اقلیت‌های ملی یا ادغام اجتماعی همسو باشد.

II. محیط رسانه‌ای

۷. دولت‌ها باید مجموعه‌ای از اقدامات را برای اطمینان از اینکه افراد متعلق به اقلیت‌های ملی می‌توانند از فرصت‌های بی‌سابقه برای جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و ایده‌های مختلف، بدون در نظر گرفتن مرزها، در محیط رسانه‌ای کنونی بهره کامل ببرند، توسعه داده و به کار گیرند. با این حال، فراوانی اطلاعات و رسانه‌ها تعهدات موجود دولت‌ها را در قبال موارد زیر کاهش نمی‌دهد:

- اطمینان از دسترسی مؤثر افراد متعلق به اقلیت‌های ملی به این فرصت‌های بیان و منابع اطلاعاتی؛ و
- حمایت و/یا تسهیل تولید محتوا توسط و برای اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های خودشان، و انتشار این محتوا در طیف وسیعی از پلتفرم‌ها.

پذیرش فراینده فناوری‌های دیجیتال توسط جامعه، وابستگی به رسانه‌های نهادی را به طور قابل توجهی کاهش داده و منجر به رشد رسانه‌های غیرمتمرکز، شبکه‌ای و/یا فردی شده است. این امر منجر به تغییرات عمده‌ای در پویایی بحث‌های عمومی شده است. فرصت‌های جدید برای مشارکت فردی در بحث‌های عمومی با امکانات جدید برای کنترل شرایط دسترسی به انجمن‌هایی که بحث‌های عمومی در آن‌ها انجام می‌شود، و همچنین محتوای واقعی آن بحث‌ها، خنثی می‌شود. استانداردهای سیاسی بین‌المللی و اروپایی مختلفی در تلاش هستند تا راهنمایی‌هایی در مورد چگونگی ادامه حمایت دولت‌ها از حق آزادی

66. دستورالعمل‌های رسانه‌های پخش، دستورالعمل ۵؛ دستورالعمل‌های لیوبلیانا، دستورالعمل ۱۲؛ ماده ۵(۱)، اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی.

۶۷ شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2011)7 کمیته وزرای کشورهای عضو در مورد مفهوم جدید رسانه، ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱.

بیان^{۶۸} و آزادی رسانه‌ها^{۶۹} در اکوسیستم رسانه‌ای در حال تحول ارائه دهند.

توسعه ویژگی‌های مشارکتی فناوری وب باعث شده است که افراد به راحتی محتوای دیجیتال خود را ایجاد کرده و به سرعت در سراسر جهان منتشر کنند. این امر منجر به فرصت‌های گسترده و بی‌سابقه‌ای برای ارتباطات جمعی شخصی‌سازی شده شده است. همانطور که دادگاه حقوق بشر اروپا مشاهده کرده است، اینترنت "اکنون به یکی از اصلی‌ترین ابزارهایی تبدیل شده است که افراد از طریق آن حق آزادی بیان و اطلاعات خود را اعمال می‌کنند، زیرا ابزارهای ضروری برای مشارکت در فعالیت‌ها و بحث‌های مربوط به مسائل سیاسی و مسائل مورد علاقه عمومی را فراهم می‌کند."^{۷۰} این تحولات همچنین فرصت‌هایی را برای دسترسی به انبوهی از محتوای بسیار متنوع آنلاین، از جمله محتوای تولید شده در کشورهای دیگر، فراهم کرده است.

با این حال، چنین فرصت‌هایی به هیچ وجه تعهدات موجود دولت‌ها را برای حمایت یا تسهیل محتوای پخش و سایر رسانه‌های تولید شده داخلی، از جمله به زبان‌های اقلیت‌های ملی، کاهش نمی‌دهد (برای اطلاعات بیشتر به دستورالعمل ۲۵ در صفحه ۵۷ مراجعه کنید^{۷۱}).

۸. دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که تعهدات خدمات همگانی حاکم بر بخش ارتباطات، از جمله برای اقلیت‌های ملی و سایر جوامع ساکن در مناطق روستایی و منزوی جغرافیایی، یا آنهایی که به هر نحو دیگری به حاشیه رانده شده‌اند، در عمل به طور کامل اجرا می‌شوند. این تعهدات شامل ارائه خدمات ارتباطات الکترونیکی با کیفیت مشخص و قیمت مقرون به صرفه، و همچنین اتصال پایدار و قابل اعتماد به شبکه ارتباطات عمومی از طریق تلفن (همراه) و اینترنت است.

انزوای جغرافیایی، زمانی که با دسترسی ناکافی به شبکه‌ها و خدمات ارتباطات الکترونیکی همراه شود، می‌تواند مانعی برای مشارکت مؤثر در زندگی عمومی، از جمله برای اقلیت‌های ملی، باشد. تضمین دسترسی مؤثر به شبکه‌ها و خدمات ارتباطات الکترونیکی برای ساکنان مناطق دورافتاده ممکن است برای ارائه دهندگان خصوصی از نظر تجاری جذابیت کمتری نسبت به ارائه دسترسی در مناطق پرجمعیت داشته باشد. بنابراین، دولت‌ها باید از ابزارهای مناسب برای اطمینان از اینکه تعهدات

۶۸ اعلامیه مشترک مأموریت‌های تخصصی: ده چالش کلیدی برای آزادی بیان در دهه آینده، ۳ فوریه ۲۰۱۰ و اعلامیه مشترک آنها در مورد آزادی بیان و اینترنت، ۱ ژوئن ۲۰۱۱.

۶۹ شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2011)7 کمیته وزرای کشورهای عضو در مورد مفهوم جدید رسانه، ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱.

۷۰ احمد بیلدیریم علیه ترکیه، شماره پرونده ۱۰/۳۱۱۱، بند ۵۴، دیوان اروپایی حقوق بشر ۲۰۱۲.

۷۱ ماده ۹، کنوانسیون چارچوبی برای حمایت از اقلیت‌های ملی؛ ماده ۱۱، منشور اروپایی زبان‌های منطقه‌ای یا اقلیتی؛ دستورالعمل‌های رسانه‌های پخش، دستورالعمل ۱۳(۲)؛ توصیه‌های اسلو، توصیه ۱۱؛ توصیه‌های بولزانو/بوزن، یادداشت تفسیری برای توصیه ۱۴ و دستورالعمل‌های لیوبلیانا، دستورالعمل ۴۹.

خدمات همگانی توسط ارائه‌دهندگان شبکه‌ها و خدمات ارتباطات الکترونیکی رعایت می‌شود، استفاده کنند.^{۷۲} همانطور که اینترنت در عصر دیجیتال برای جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، اهمیت مسائل دسترسی و اتصال نیز افزایش می‌یابد.

۹. دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که همه - در هر سن و جنسیتی و از هر قشر جامعه - می‌توانند مجموعه‌ای از مهارت‌ها را که به آن‌ها امکان دسترسی، درک، تحلیل انتقادی، ارزیابی، استفاده و ایجاد محتوای رسانه‌ای، از جمله رسانه‌های برخط و محتوای دیجیتال را می‌دهد، توسعه دهند. برای دستیابی به این هدف، دولت‌ها باید اقدامات مؤثری را برای ارتقای سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی، از جمله به زبان‌های اقلیت‌های ملی، انجام دهند.

شکاف‌های دیجیتالی متعددی در جامعه وجود دارد که می‌تواند به روش‌های مختلف بر افراد متعلق به اقلیت‌های ملی نیز تأثیر بگذارد. این شکاف‌ها می‌توانند مربوط به جنسیت و/یا سن باشند یا از ناتوانی‌های شناختی یا جسمی ناشی شوند. افراد متعلق به اقلیت‌های ملی همیشه به دلیل موانع زبانی، کمبود امکانات و منابع، فقدان دانش فنی، مشکلات اتصال و سایر موانع فناوری، عدم دسترسی به تجهیزات و مسدودسازی جغرافیایی و غیره، قادر به بهره‌برداری کامل از این فرصت‌ها و منابع بیانی و اطلاعاتی نیستند. (برای اطلاعات بیشتر به راهنمای ۲۵ در صفحه ۵۷ مراجعه کنید).

دولت‌ها باید اقدامات نظارتی، سیاستی، مالی و سایر اقدامات مناسب و مؤثر را برای کاهش شکاف‌های دیجیتالی متعدد در جامعه انجام دهند. دولت‌ها باید به یاد داشته باشند که گروه‌های خاص - و افراد درون گروه‌های خاص - ممکن است با راه‌های مختلفی در پذیرش فناوری‌های جدید با نابرابری‌ها یا موانعی روبرو شوند. دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که سیاست‌ها و اقدامات برای از بین بردن نابرابری‌ها در دسترسی به فناوری‌ها، از جمله نابرابری جنسیتی، مبتنی بر تحقیق و/یا شواهد باشند و از داده‌های دقیق و در صورت لزوم تفکیک‌شده استفاده کنند.

برای استفاده مؤثر از فناوری‌های ارتباطی جدید، طیف وسیعی از مهارت‌های سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی مورد نیاز است: شناختی، فنی، مدنی و اجتماعی.^{۷۳} کسب این مهارت‌ها می‌تواند افراد را در محیط چندرسانه‌ای توانمند کند و مشارکت آن‌ها را در بحث‌های عمومی و امور عمومی به طور کلی تسهیل بخشد. این مهارت‌ها در زمینه افزایش شیوع اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده در محیط دیجیتال و به ویژه در چرخه درگیری، اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. هرگونه اقدام برای ارتقای سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی باید با در نظر گرفتن موانع خاص مرتبط با جنسیت، سن یا سایر موانع مشابه انجام شود تا در عمل مؤثر باشد.^{۷۴}

۷۲ به عنوان مثال، به دستورالعمل EC/22/2002/پارلمان اروپا و شورای مورخ 7 مارس 2002 در مورد خدمات همگانی و حقوق کاربران در ارتباط با شبکه‌ها و خدمات ارتباطات الکترونیکی (دستورالعمل خدمات همگانی)، اصلاح شده توسط دستورالعمل EC/136/2009/دستورالعمل حقوق شهروندان) مراجعه کنید.

۷۳ شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2018)1 کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد تکرارگری رسانه‌ای و شفافیت مالکیت رسانه‌ها، ۷ مارس ۲۰۱۸، مقدمه، بند ۱۰.

۷۴ همچنین به بخش "سواد دیجیتال" در پیوست مراجعه کنید: شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2018)7 کمیته وزرای کشورهای عضو در مورد دستورالعمل‌های احترام، حفاظت و تحقق حقوق کودک در محیط دیجیتال، ۴ ژوئیه ۲۰۱۸.

دولت‌ها می‌توانند نقش بسیار مهمی در ارتقای توسعه مهارت‌های سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی ایفا کنند و می‌توانند اقدامات مختلفی را در این راستا انجام دهند.^{۷۵} چنین اقداماتی می‌تواند شامل توسعه و اجرای یک سیاست ملی سواد رسانه‌ای و تسهیل ایجاد یا تقویت شبکه‌های موجود ذینفعان مرتبط، از جمله اقلیت‌های ملی، باشد. آنها می‌توانند شامل حمایت از ابتکارات رسانه‌ای مرتبط باشند، به ویژه توسط رسانه‌های خدمات عمومی و رسانه‌های اجتماعی. آنها همچنین می‌توانند شامل حمایت از ابتکارات آموزشی و تربیتی از دوران کودکی به بعد، در مؤسسات آموزشی و به عنوان بخشی از برنامه‌های یادگیری مادام‌العمر، و همچنین کمپین‌هایی برای تشویق عموم مردم، از جمله اقلیت‌های ملی، به شرکت در این ابتکارات و برنامه‌ها باشند.

۱۰. دولت‌ها باید اقدامات لازم و مؤثر را برای تشویق یا، در صورت لزوم، الزام واسطه‌های اینترنتی مستقر در حوزه قضایی خود به اعمال بررسی دقیق حقوق بشر در سراسر عملیاتشان و در نظر گرفتن هرگونه پیامد خاص برای حقوق اقلیت‌های ملی در این راستا، از جمله حذف تمام اشکال خشونت آنلاین علیه زنان، اتخاذ کنند. تمام این اقدامات - چه توسط دولت‌ها و چه توسط واسطه‌های اینترنتی، که ممکن است شامل مکانیزم‌های خودتنظیمی و/یا تنظیم مشترک باشد - باید کاملاً مطابق با تفسیرهای در حال تکامل حقوق بین‌المللی و اروپایی بشر، از جمله حقوق عدم تبعیض، حریم خصوصی و حفاظت از داده‌ها، و با در نظر گرفتن تحولات مربوطه فناوری و مقرراتی باشد.

عصر دیجیتال شاهد ظهور رسانه‌های جدید و بازیگران غیررسانه‌ای بوده است که به روش‌های مختلف به بحث عمومی کمک می‌کنند. بسیاری از این بازیگران، مانند موتورهای جستجو^{۷۶} و اپراتورهای شبکه‌های اجتماعی^{۷۷}، به دلیل عملکردهای دروازه‌بانی که در قبال محتوای رسانه‌های دیجیتال و آنلاین و سایر انواع محتوا انجام می‌دهند، می‌توانند به عنوان واسطه‌های اینترنتی در نظر گرفته شوند. واسطه‌های اینترنتی با استفاده از تکنیک‌های انتخاب، تبلیغ، رتبه‌بندی، حذف از فهرست و غیره که به کار می‌برند، توانایی تأثیرگذاری و/یا کنترل در دسترس بودن، دیده‌شدن، یافتن و دسترسی به محتوا را دارند. بنابراین، نقش آن‌ها به عنوان نگهبان دروازه تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر رابطه بین افراد و تنوع محتوای آنلاین دارد. در عمل، این امر منجر

۷۵ توصیه شماره 1/CM/Rec(2018) کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد تکرارگری رسانه‌ای و شفافیت مالکیت رسانه‌ها، ۷ مارس ۲۰۱۸. ضمیمه/دستورالعمل‌ها، بخش ۵ - «سواد رسانه‌ای و آموزش»: ماده ۳۳ الف، دستورالعمل ۱۳/۲۰۱۰/اتحادیه اروپا پارلمان و شورای اروپا مورخ ۱۰ مارس ۲۰۱۰ در مورد هماهنگی برخی مقررات قانونی، نظارتی یا اداری در کشورهای عضو در خصوص ارائه خدمات رسانه‌ای دیداری و شنیداری (دستورالعمل خدمات رسانه‌ای دیداری و شنیداری) که با دستورالعمل (اتحادیه اروپا) ۱۸۰۸/۲۰۱۸ پارلمان و شورای اروپا مورخ ۱۴ نوامبر ۲۰۱۸ اصلاح شده است.

۷۶ شورای اروپا، توصیه 3/CM/Rec(2012) کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد حفاظت از حقوق بشر در رابطه با موتورهای جستجو، ۴ آوریل ۲۰۱۲.

۷۷ شورای اروپا، توصیه 4/CM/Rec(2012) کمیته وزرای کشورهای عضو در مورد حمایت از حقوق بشر در رابطه با خدمات شبکه‌های اجتماعی، ۴ آوریل ۲۰۱۲؛ دفتر نماینده آزادی رسانه‌ها سازمان امنیت و همکاری اروپا، دستورالعمل‌های رسانه‌های اجتماعی، ۲۰۱۳.

به کنترل انجمن‌های مهم جدید برای بحث عمومی توسط بازیگران قدرتمند خصوصی شده است. اگر انکار دسترسی به چنین انجمن‌هایی منجر به "جلوگیری از هرگونه اعمال مؤثر آزادی بیان یا می‌توان گفت که جوهر این حق از بین رفته است" شود، این می‌تواند تعهد مثبتی را برای یک دولت در تنظیم حقوق مالکیت برای تضمین دسترسی ایجاد کند.^{۷۸}

رژیم‌های خودتنظیمی و/یا تنظیم مشترک باید از اصول راهنمای سازمان ملل در مورد کسب‌وکار و حقوق بشر استفاده کنند و اجرای مؤثر آن‌ها را تضمین نمایند: اجرای چارچوب سازمان ملل "حمایت، احترام و جبران" (که به عنوان "اصول راگی Ruggie Principles" نیز شناخته می‌شود)^{۷۹}، که در آن مسئولیت شرکت‌ها در قبال احترام به حقوق بشر از اهمیت مرکزی برخوردار است. این اصول راهنما از شرکت‌ها می‌خواهد بطور دقیق حقوق بشر را رعایت کنند که هدف آن "شناسایی، پیشگیری، کاهش و پاسخگویی در مورد چگونگی رسیدگی به تأثیرات خود بر حقوق بشر" است.^{۸۰}

این امر مستلزم آن است که شرکت‌ها معیارهایی برای فعالیتهای خود از اسناد کلیدی بین‌المللی حقوق بشر استخراج کنند و فرآیند بررسی دقیقی را توسعه دهند که شامل موارد زیر باشد: سیاست‌ها، ارزیابی‌های تأثیر، ادغام سیاست‌های حقوق بشر در سراسر شرکت و پیگیری عملکرد. گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد خشونت علیه زنان خواستار گسترش اصول راگی برای گنجانیدن صریح ابزارهایی شد که خشونت مبتنی بر جنسیت آنلاین را ممنوع می‌کنند.^{۸۱} اندازه، دامنه و پیچیدگی فعالیتهای انجام شده توسط واسطه‌های اینترنتی می‌تواند ملاحظات مرتبطی در این زمینه باشد. کمیته وزرای شورای اروپا مسئولیت خاصی را برای واسطه‌های اینترنتی در انجام ارزیابی‌های منظم بررسی دقیق حقوق بشر تعیین کرده است.^{۸۲} در انجام چنین ارزیابی‌هایی، واسطه‌های اینترنتی باید هرگونه پیامد خاص، از جمله پیامدهای جنسیتی، برای حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی به آزادی بیان، حریم خصوصی و حفاظت از داده‌ها را در نظر بگیرند. ارزیابی‌های بررسی دقیق باید به واسطه‌های اینترنتی کمک کند تا اقدامات مناسب و هدفمندی را برای حل هرگونه مشکل یا کمبود در استفاده اقلیت‌ها از خدمات خود انجام دهند و به طور کلی نحوه استفاده اقلیت‌ها از خدمات خود را برای جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و ایده‌ها، از جمله به زبان‌های خودشان، بهبود بخشند.

تحولات مستمر فناوری، مانند تحولات مربوط به داده‌های بزرگ، اینترنت اشیا، هوش مصنوعی، تصمیم‌گیری خودکار، تحلیل‌های پیش‌بینی‌کننده یا سیستم‌های توصیه‌گر شخصی‌سازی‌شده مبتنی بر الگوریتم‌ها، به طور فزاینده‌ای نحوه ارتباط افراد

^{۷۸}. اپلی و دیگران علیه بریتانیا، شماره ۹۸/۴۴۳۰۶، بند ۴۷، دیوان اروپایی حقوق بشر ۲۰۰۳. VI.

^{۷۹} مورد تأیید شورای حقوق بشر سازمان ملل در قطعنامه ۴/۱۷ خود در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۱. همچنین ببینید: شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2016)3 کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد حقوق بشر و تجارت، ۲ مارس ۲۰۱۶.

^{۸۰} اصل ۱۵(ب)؛ همچنین به توصیه شماره CM/Rec(2016)3 کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد حقوق بشر و تجارت، ۲ مارس ۲۰۱۶، بند ۲۰ مراجعه کنید.

^{۸۱} گزارش گزارشگر ویژه در مورد خشونت علیه زنان، علل و پیامدهای آن در مورد خشونت آنلاین علیه زنان و دختران از منظر حقوق بشر، سند شماره A/HRC/38/47، ۱۴ ژوئن ۲۰۱۸.

^{۸۲} شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2018)2 کمیته وزرای کشورهای عضو در مورد نقش‌ها و مسئولیتهای واسطه‌های اینترنتی، ۷ مارس ۲۰۱۸، بند ۲۰.۱.۴.

و گروه‌ها در محیط دیجیتال را شکل می‌دهند. استانداردهای بین‌المللی و اروپایی حقوق بشر ابزارهای زنده‌ای هستند و تفسیرهای معاصر از این استانداردها باید از تحولات فناوری که می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای داشته باشد، به ویژه در مورد حقوق عدم تبعیض، حریم خصوصی و حفاظت از داده‌ها، آگاه باشند و تلاش کنند با این تحولات همگام شوند.

طبق قواعد بین‌المللی و اروپایی حقوق بشر، دولت‌ها موظفند عدم تبعیض را در عمل به طور مؤثر رعایت کنند، که ممکن است شامل اتخاذ اقداماتی برای جلوگیری از نقض حق فردی عدم تبعیض در روابط بین اشخاص ثالث، از جمله بین واسطه‌های اینترنتی و کاربران خدمات آنها، باشد. یک راه برای دستیابی به این هدف می‌تواند از طریق حفظ اصل بی‌طرفی شبکه باشد، که به این معنی است که ارائه دهندگان خدمات اینترنتی با تمام داده‌های در حال عبور از شبکه‌های خود به طور مساوی رفتار می‌کنند، بدون تبعیض از نظر نوع کاربر، محتوا، وب‌سایت، برنامه یا سرویس. هدف از قوانین بی‌طرفی شبکه، جلوگیری از اقدامات تبعیض‌آمیز ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی است که می‌تواند در حق دریافت و انتقال اطلاعات آنلاین به صورت غیرتبعیض‌آمیز اختلال ایجاد کند.^{۸۳}

روندهای نظارتی فعلی در مورد حریم خصوصی و حفاظت از داده‌ها بر اهمیت اصولی مانند قانونی بودن، انصاف و شفافیت پردازش داده‌های شخصی؛ حاکمیت داده‌ها؛ رضایت آگاهانه؛ محدودیت هدف؛ حداقل سازی داده‌ها؛ محدودیت ذخیره‌سازی و حریم خصوصی؛ و حفاظت از داده‌ها از طریق طراحی و پیش‌فرض تأکید می‌کنند.^{۸۴} گنجاندن این اصول در مقررات به دنبال اطمینان از این است که افراد کنترل بیشتری بر داده‌های شخصی خود داشته باشند و داده‌های آن‌ها تنها برای اهداف خاصی پردازش شوند که برای آن‌ها رضایت آگاهانه و صریح داده‌اند. داده‌های شخصی فقط در حدی که برای اهداف ذکر شده ضروری است، قابل پردازش هستند و داده‌ها فقط برای مدت زمانی که برای آن اهداف ضروری است، قابل ذخیره هستند. علاوه بر این، فناوری‌ها و خدماتی که داده‌های شخصی را پردازش می‌کنند باید از ابتدا به گونه‌ای طراحی شوند که حریم خصوصی را رعایت کنند.

این اصول و اقدامات حفاظتی نظارتی مربوطه به ویژه برای افراد متعلق به اقلیت‌های ملی اهمیت دارند، زیرا به جلوگیری از جمع‌آوری، پردازش و استفاده از داده‌های شخصی آن‌ها به روش‌هایی که منجر به انواع شخصی‌سازی، پروفایل‌سازی یا تجزیه و تحلیل پیش‌بینی‌کننده می‌شود که می‌تواند تبعیض‌آمیز باشد، کمک می‌کند.

۱۱. واسطه‌های اینترنتی باید مجاز باشند و تشویق شوند که خدمات خود را به زبان‌های اقلیت‌های ملی ارائه دهند. آنها همچنین باید تشویق شوند که برنامه‌های استراتژیک و اقدامات مشخصی را برای افزایش در دسترس بودن،

^{۸۳} به عنوان مثال، به مقررات (اتحادیه اروپا) شماره ۲۱۲/۲۰۱۵ پارلمان اروپا و شورای مورخ ۲۵ نوامبر ۲۰۱۵ که تدابیر مربوط به دسترسی باز به اینترنت را تعیین می‌کند و اصلاحیه دستورالعمل ۲۲/۲۰۰۲/EC در مورد خدمات همگانی و حقوق کاربران مربوط به شبکه‌ها و خدمات ارتباطات الکترونیکی و مقررات (اتحادیه اروپا) شماره ۲۰۱۲/۵۳۱ در مورد رومینگ در شبکه‌های ارتباطات سیار عمومی در داخل اتحادیه را در نظر بگیرید.

^{۸۴} به عنوان مثال، به مقررات (EU) 2016/679 پارلمان و شورای اروپا مورخ ۲۷ آوریل ۲۰۱۶ در مورد حفاظت از اشخاص حقیقی در رابطه با پردازش داده‌های شخصی و جابجایی آزادانه این داده‌ها، و لغو دستورالعمل ۴۶/۹۵/EC (مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها) مراجعه کنید.

دسترسی، برجستگی و قابلیت یافتن محتوای تولید شده توسط اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های اقلیت‌ها، به صورت آنلاین، طراحی و اجرا کنند. واسطه‌هایی که از سیستم‌های جستجو یا توصیه‌گر مبتنی بر الگوریتم استفاده می‌کنند، باید تشویق شوند که شفافیت بیشتری در مورد نحوه عملکرد این سیستم‌ها و تأثیر آن‌ها بر محتوای اقلیت ارائه دهند. آن‌ها همچنین باید سطوح بهبود یافته‌ای از خودمختاری فردی را بر داده‌ها و ترجیحات شخصی که استفاده می‌کنند، از جمله مواردی که می‌توانند منجر به شناسایی (یا عدم شناسایی) آن‌ها به عنوان افرادی متعلق به اقلیت‌های ملی شوند، فراهم کنند.

واسطه‌های اینترنتی باید در تلاش باشند تا نیازهای خاص گروه‌های اقلیت را شناسایی کرده و اقدامات مناسبی را، به عنوان مثال از طریق توسعه و اجرای برنامه‌های استراتژیک، برای ارائه خدمات خود به زبان‌های اقلیت‌های ملی و افزایش در دسترس بودن، دسترسی، برجستگی و قابلیت یافتن محتوای اقلیت‌ها، از جمله به زبان‌های اقلیت‌ها، به صورت آنلاین انجام دهند. پتانسیل راه‌حل‌های الگوریتمی در این زمینه باید به طور کامل مورد بهره‌برداری قرار گیرد، از جمله با افزایش شفافیت و پاسخگویی الگوریتم‌ها، با در نظر گرفتن اسرار تجاری، و با فراهم کردن سطوح بالاتر کنترل کاربر فردی بر استفاده از خدمات مبتنی بر الگوریتم^{۸۵}. کمیته وزرای شورای اروپا خواستار شفافیت بیشتر در فرآیندهای توزیع آنلاین محتوای رسانه‌ای و تنوع بیشتر محتوای رسانه‌ای^{۸۶}، از جمله محتوای تولید شده برای و توسط اقلیت‌ها، است. کمیته وزرای همچنین توصیه می‌کند که "[واسطه‌های اینترنت باید اطلاعات عمومی معناداری را به وضوح و شفافیت در مورد عملکرد تکنیک‌های پردازش داده خودکار در طول فعالیت‌هایشان، از جمله عملکرد الگوریتم‌هایی که جستجوهای مبتنی بر پروفایل سازی کاربران یا توزیع محتوای انتخاب شده و شخصی‌سازی شده الگوریتمی، مانند اخبار را تسهیل می‌کنند، ارائه دهند.^{۸۷}"]

۱۱۱. پلورالیسم و تنوع

۱۲. دولت‌ها تشویق می‌شوند که طیف وسیعی از اقدامات را برای حمایت از ابتکارات رسانه‌ها در جهت تقویت گفت‌وگوی بین فرهنگی با ارائه محتوا، برنامه‌ها و خدمات برای تمام جامعه اتخاذ کنند و بدین ترتیب نقاط مرجع مشترک

۸۵ به عنوان مثال، به شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2012)4 کمیته وزرا به کشورهای عضو در مورد حمایت از حقوق بشر در رابطه با خدمات شبکه‌های اجتماعی، ۴ آوریل ۲۰۱۲، پیوست، بند ۳ مراجعه کنید. همچنین، به مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها، بند ۷۱ و بندهای ۱۳-۱۵ و ۲۲ مراجعه کنید.

۸۶ شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2018)1 کمیته وزرا به کشورهای عضو در مورد تکرارگری رسانه‌ای و شفافیت مالکیت رسانه‌ها، ۷ مارس ۲۰۱۸، بند ۲۵.

۸۷ شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2018)2 کمیته وزرا به کشورهای عضو در مورد نقش‌ها و مسئولیت‌های واسطه‌های اینترنتی، ۷ مارس ۲۰۱۸، بند ۲۲.۳.

را حفظ نمایند. دولت‌ها باید از تولید محتوا توسط اقلیت‌های ملی و انتشار گسترده آن در پلتفرم‌های مختلف حمایت کنند. هر اقدامی که برای ارائه چنین حمایتی انجام شود، نباید در استقلال سرمقاله و عملیاتی رسانه‌ها تداخل داشته باشد.

این یک واقعیت مسلم است که دولت‌ها از نظر ماهیت چندگانه یا ناهمگن هستند، برخی بیشتر از دیگران: گروه‌های مختلف، که اغلب دارای هویت‌های فرهنگی و شیوه‌های زندگی متمایز هستند، در کنار هم زندگی می‌کنند. همچنین در درون گروه‌ها نیز تنوع وجود دارد - در میان اعضای فردی آن‌ها. هویت‌های فردی ممکن است "چندگانه، چندلایه، زمینه‌ای و پویا" باشند و چارچوب‌های نظارتی و سیاستی باید چنین غنایی را به رسمیت بشناسند.^{۸۸} با این حال، گاهی اوقات واقعیت و ارزش کثرت‌گرایی اجتماعی نادیده گرفته می‌شود یا حتی به عنوان تهدیدهای احتمالی برای هویت ملی، انسجام یا امنیت، منفی تلقی می‌شود. به همین ترتیب، ارزش و وجود اقلیت‌های ملی همیشه توسط مقامات دولتی به رسمیت شناخته نمی‌شود. این می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی و ادغام جامعه داشته باشد.^{۸۹} این می‌تواند منجر به تنش‌ها و درگیری‌ها بین اقلیت‌های ملی و سایر گروه‌های جامعه شود.

گفتگوی بین‌فرهنگی به طور گسترده‌ای به عنوان وسیله‌ای کلیدی برای افزایش آگاهی و تفاهم بین گروه‌های مختلف در جامعه و کاهش احتمال عدم تحمل و درگیری بین آنها شناخته می‌شود. این اصول ارزش یا کرامت برابر فرهنگ‌ها و احترام متقابل بین آن‌ها را در بر می‌گیرد و بر آن بنا می‌شود.^{۹۰}

رسانه‌ها، به ویژه رسانه‌های خدمات عمومی و رسانه‌های اجتماعی، می‌توانند نقش‌های بسیار مهمی در تسهیل و ترویج گفت‌وگوی بین فرهنگی یا بین گروهی ایفا کنند. آنها می‌توانند این کار را با حفظ چارچوب‌های مرجع مشترک برای همه گروه‌های جامعه و انجمن‌هایی که اعضای آن گروه‌ها می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و مشورت کنند، انجام دهند. به این منظور، مهم است که محتوای تولید شده توسط گروه‌های مختلف جامعه، از جمله اقلیت‌های ملی، نیز به طور گسترده منتشر و به اشتراک گذاشته شود. دولت‌ها باید به جای اقدامات الزام‌آور قانونی، به اقدامات تشویقی برای ترویج مشارکت‌های مثبت رسانه‌ها تکیه کنند.^{۹۱}

این به دلیل گستردگی حق آزادی بیان و اصل آزادی روزنامه‌نگاری/رسانه‌ای و استقلال سردبیری است. حق آزادی بیان "نه تنها از محتوای ایده‌ها و اطلاعات ابراز شده، بلکه از شکلی که در آن منتقل می‌شوند نیز محافظت می‌کند."^{۹۲} احترام به اصل آزادی مطبوعات "به این معنی است که این دادگاه‌ها یا مقامات عمومی نباید دیدگاه‌های خود را در مورد انواع تکنیک‌های

۸۸ دستورالعمل‌های لیوبلیانا، دستورالعمل ۵.

۸۹ به طور کلی، دستورالعمل‌های لیوبلیانا را ببینید.

۹۰ ماده ۲(۳)، کنوانسیون یونسکو در مورد حفاظت و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی.

۹۱ رهنمودهای لیوبلیانا، رهنمود ۱۱.

۹۲ اوبرنلیک علیه اتریش (شماره ۱)، ۲۳ مه ۱۹۹۱، بند ۵۷، مجموعه A شماره ۲۰۴.

گزارش‌دهی که روزنامه‌نگاران باید اتخاذ کنند، به رسانه‌ها تحمیل کنند.^{۹۳} روزنامه‌نگاران باید در چارچوب قانون و با در نظر گرفتن وظایف و مسئولیت‌هایی که بر اعمال حق آزادی بیان آن‌ها حاکم است، خودشان در این مورد تصمیم بگیرند.^{۹۴} این رویکرد به طور گسترده‌ای در حقوق بشر اروپایی و بین‌المللی دنبال شده است.^{۹۵} با توجه به اصول فوق، راه‌های مختلفی وجود دارد که دولت‌ها می‌توانند از ترویج گفت‌وگوی بین‌فرهنگی توسط رسانه‌ها حمایت کنند، همانطور که در دستورالعمل ۳۰ در صفحه ۶۰ بیشتر توضیح داده شده است.

۱۳. دولت‌ها می‌توانند از اقدامات نظارتی یا سایر اقدامات برای ترویج استفاده از زبان‌های خاص در رسانه‌ها، از جمله زبان‌های دولتی/رسمی یا زبان‌های دیگر، به عنوان مثال برای تقویت انسجام و ادغام اجتماعی یا اطمینان از وجود یک زبان مشترک برای ارتباطات استفاده کنند، مشروط بر اینکه اهداف مشروع و به وضوح بیان شده باشند و مقررات متناسب با آن اهداف باشد. دولت‌ها همچنین می‌توانند زبان‌های اقلیت‌های ملی را که جزء ضروری هویت آن‌ها هستند، ترویج دهند. هرگونه اقدام برای ترویج استفاده از زبان‌های خاص در رسانه‌ها باید به دنبال ایجاد تعادل و ارائه سازگاری معقول و منصفانه با نیازها و منافع گروه‌های زبانی مختلف در جامعه باشد.

استفاده دولت‌ها از اقدامات نظارتی یا سیاستی که ممکن است یک یا چند زبان مشترک را "به عنوان مبنای مشترک برای ادغام و عملکرد جامعه" ارتقا دهند، مجاز است، به شرطی که این اقدامات با تعهد دولت‌ها به "حفظ و ارتقای تنوع زبانی، از جمله با حمایت از حقوق زبانی اقلیت‌ها" در هر دو حالت آفلاین^{۹۶} و آنلاین^{۹۷}، توازن برقرار کنند. چنین اقدامات نظارتی و سایر اقدامات مشمول ضمانت‌های کلی آزادی بیان است، همانطور که قبلاً تحت دستورالعمل ۱ توضیح داده شد.

۱۴. سهمیه‌های زبانی برای پخش عمومی (دیجیتال) در صورت رعایت حقوق بشر بین‌المللی و اروپایی و قوانین رسانه‌ای، به ویژه در مورد تناسب آنها با اهداف اعلام شده، مجاز است. همچنین نباید هدف یا اثر محدود کردن ناعادلانه استفاده از زبان‌های دیگر، به ویژه زبان‌های اقلیت‌های ملی، را داشته باشند. اعمال سهمیه‌های سختگیرانه زبانی بر پخش‌کنندگان خصوصی ممکن است با آزادی بیان در تضاد باشد و باید با استفاده از رویکردهای دیگر برای تقویت فضای ارتباطی مشترک از آن اجتناب شود. این اقدامات احتیاطی برای تکرارگری و تنوع باید هرگونه سهمیه زبانی که

۹۳ شورای اروپا، توصیه شماره R (97) ۲۰ کمیته وزرای به کشورهای عضو در مورد "سخنان نفرت‌آمیز"، ۳۰ اکتبر ۱۹۹۷، پیوست، اصل ۷؛ برگرفته از یرسیدل علیه دانمارک، ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۴، مجموعه A شماره ۲۹۸، بند ۳۱.

۹۴ یادداشت تفسیری بر توصیه شماره R (97) 20 کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد "سخنان نفرت‌آمیز" و توصیه شماره R (97) 21 کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد رسانه‌ها و ترویج فرهنگ مدارا، هر دو مصوب 30 اکتبر 1997، بند 12. 95 به طور کلی، فعالیت‌های نظارتی کمیته مشورتی کنوانسیون چارچوبی برای حمایت از حقوق ملیت‌های بومی و کمیسیون اروپایی علیه نژادپرستی و عدم تحمل (ECRI)، و همچنین کمیته رفع تبعیض نژادی، توصیه عمومی شماره ۳۵ را ببینید.

96. رهنمودهای لیولیانا، رهنمود ۴۲.۹۷

97. توصیه کنفرانس عمومی یونسکو در مورد ترویج و استفاده از چندزبانگی و دسترسی جهانی به فضای سایبری ۲۰۰۳

برای موسیقی یا فیلم اعمال می‌شود را نیز شامل شود. سهمیه‌های زبانی نباید در مورد تبلیغات اعمال شود.

در حالی که ترویج زبان(های) دولتی/رسمی در رسانه‌های دیداری و شنیداری یک هدف مشروع برای دولت‌ها است، ترویج سایر زبان‌ها، از جمله زبان‌های اقلیت، در رسانه‌های دیداری و شنیداری نیز یک منافع عمومی مشروع دارد. ترویج زبان(های) دولتی/رسمی نباید هدف یا اثر محدود کردن ناعادلانه استفاده از زبان‌های دیگر را داشته باشد.^{۹۸} به دلیل مأموریت و نقش خود در جامعه، رسانه‌های خدمات عمومی زبان‌های دولتی/رسمی یا زبان‌های دیگر را ترویج می‌کنند. برای سایر انواع رسانه‌های صوتی و تصویری، الزامات ترویج زبان‌ها باید ماهیتی انعطاف‌پذیر داشته باشند و در کنار اقدامات حمایتی برای تولید محتوا به زبان‌های اقلیت اتخاذ شوند. چنین الزامات باید اصل آزادی سرمقاله را نیز رعایت کنند. تبلیغات، برخلاف محتوای سرمقاله، از جمله برنامه‌های تلویزیونی، موسیقی و فیلم، با هدف فروش کالا و/یا خدمات به گروه‌های خاصی انجام می‌شود. هدف آن تجاری است و معمولاً قصد یا تأثیری در مشارکت در بحث عمومی یا انسجام اجتماعی ندارد. بنابراین، تبلیغات نباید مشمول سهمیه‌های زبانی قرار گیرد. کمیته حقوق بشر دریافت است که "ممنوعیت تبلیغات تجاری به یک زبان، با هدف حمایت از زبان یک جامعه خاص، در صورتی که این حمایت با روش‌های دیگری که آزادی بیان را محدود نمی‌کند قابل دستیابی باشد، آزمون ضرورت را نقض می‌کند."^{۹۹}

۱۵. دولت‌ها می‌توانند از رسانه‌های خدمات عمومی بخواهند و به طور کلی رسانه‌های صوتی و تصویری را تشویق کنند تا ترتیبات معقولی برای ترجمه محتوای رسانه‌ای به زبان(های) رسمی/دولتی به زبان‌های اقلیت‌های ملی و بالعکس، به منظور افزایش دسترسی زبانی هر دو نوع محتوا در سراسر جامعه و در نتیجه کمک به تقویت گفتگوی بین فرهنگی، اتخاذ کنند. هرگونه الزامات برای رسانه‌های خدمات عمومی باید به وضوح در قانون مشخص شده و متناسب با هدف مورد نظر باشد. رسانه‌های صوتی و تصویری خطی زبان‌های اقلیت نباید تحت هیچ شرایطی مشمول الزامات نامناسب یا نامتناسب برای زیرنویس، دوبله، همگام‌سازی پس از تولید یا هر شکل دیگری از ترجمه قرار گیرند. ترجمه محتوای رسانه‌ای به زبان‌های اقلیت‌های ملی به زبان‌های دیگر می‌تواند به تنوع زبانی و فرهنگی در جامعه کمک کند. در دسترس بودن و سهولت دسترسی به محتوای ترجمه‌شده از طریق رسانه‌ها می‌تواند محتوای زبان‌های اقلیت را در معرض دید گسترده‌تری قرار دهد و در نتیجه یادگیری آن را برای غریب‌زبانان تسهیل کند.^{۱۰۰} با این حال، ممکن است برای جبران هزینه‌های مربوط به ارائه چنین خدمات ترجمه، به حمایت مالی نیاز باشد. رسانه‌های صوتی و تصویری زبان‌های اقلیت نباید ملزم به ارائه خدمات ترجمه مذکور تحت هیچ شرایط غیرضروری یا نامتناسبی باشند.^{۱۰۱}

به اشتراک گذاشتن اطلاعات و دیدگاه‌ها به عنوان بخشی از تعامل گفتگویی گسترده‌تر، کلید پیشگیری یا کاهش تنش‌ها بین اقلیت‌های ملی و سایر گروه‌ها در جامعه است. این امر پیش‌فرض جریان آزاد اطلاعات و وجود انجمن‌ها و کانال‌های

۹۸. رهنمودهای لیوبلیانا، رهنمود ۴۹.

۹۹. کمیته حقوق بشر سازمان ملل، GC 34، بند ۳۳، و بیشتر در ارتباط شماره ۳۵۹، ۸۹/۳۸۵، بالانتین، دیویدسون و مک‌اینتایر علیه کانادا.

۱۰۰. بندهای ۱۷(g) و ۱۲(b) و (c) منشور اروپایی زبان‌های منطقه‌ای یا اقلیت‌ها.

۱۰۱. دستورالعمل‌های رسانه‌های پخش، بند ۱۲.

گفتگویی مانند رسانه‌ها را دارد. تعامل گفتگویی در سراسر خطوط اجتماعی فرصت‌های مختلفی را برای گروه‌های مختلف فراهم می‌کند تا هویت‌ها، ارزش‌ها و دیدگاه‌های خود را بیان و پیش ببرند، و همچنین فرصت‌های متناسبی را برای شنیدن و گوش دادن به توصیف هویت‌ها، ارزش‌ها و دیدگاه‌های گروه‌های دیگر (که اغلب برای آنها ناآشنا هستند) فراهم می‌کند. تبادل و تقابل دیدگاه برای این نوع گفت‌وگو مرکزی است. بنابراین، اشتراک زبان نیز همینطور است. تعامل گفتگویی پایدار در انجمن‌های فراگیر برای بحث عمومی قوی می‌تواند اثرات منفی و تفرقه‌انگیز اطلاعات ناقص و نادرستی را که در جامعه منتشر می‌شود، خنثی کند. این اطلاعات می‌توانند منجر به عدم درک یا سوءتفاهم شوند. همچنین می‌تواند به مقابله با کلیشه‌های منفی و نظرات مغرضانه‌ای که توسط اطلاعات مغرضانه تغذیه می‌شوند، کمک کند^{۱۰۲}. بنابراین می‌تواند سهم مهمی در تحمل و امنیت اجتماعی چندفرهنگی داشته باشد.

با پرورش فضاهای مشترک برای گفت‌وگوی بین‌گروهی، دولت‌ها در منابع اجتماعی در برابر گسترش اتاق‌های پژواک و حباب‌های فیلتر سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ یعنی فضاهای بسته.

فضاهای گفتگویی و اطلاعاتی که در آن افراد همفکر نظرات خود را تکرار و تقویت می‌کنند و گاهی در نتیجه این کار حتی در نظرات خود رسوخ‌تر می‌شوند. در حالی که فضاهای گفتگویی و اطلاعاتی خودمختار برای افراد متعلق به اقلیت‌های ملی در جهت توسعه هویت‌ها و نظراتشان و همچنین حفظ فرهنگ‌ها و زبان‌هایشان مهم هستند، این فضاها نباید از کثرت‌گرایی اجتماعی اطرافشان جدا شوند^{۱۰۳}.

۱۶. اطلاعیه‌های خدمات عمومی باید در صورت لزوم به زبان‌های اقلیت‌های ملی ترجمه شده و از طریق رسانه‌های مختلف، از جمله رسانه‌های اقلیت‌ها، به شیوه‌ای عادلانه و غیر تبعیض‌آمیز منتشر شوند.

اطلاعیه‌های خدمات عمومی یا رسمی از نهادهای دولتی و سایر نهادهای عمومی می‌تواند منبع درآمد مهمی برای رسانه‌ها باشد، به ویژه در زمان تغییرات بازار و/یا ریاضت اقتصادی. سیاست دولت در این زمینه باید شفاف باشد و در برابر دخالت سیاسی در آزادی سرمقاله و عملیاتی رسانه‌ها محافظت شود^{۱۰۴}، بدون تبعیض برای همه رسانه‌ها اعمال شود^{۱۰۵}، و در صورت لزوم امکان ترجمه به زبان‌های اقلیت را فراهم کند. چنین سیاستی می‌تواند به اطمینان از دسترسی و افزایش احتمال رسیدن اطلاعات موجود در اطلاعیه‌های خدمات عمومی یا رسمی (که باید در تمام زبان‌ها به وضوح به عنوان این موضوع برچسب‌گذاری شوند) به افراد متعلق به اقلیت‌های ملی کمک کند. این به نوبه خود می‌تواند به مشارکت مؤثر اقلیت‌های ملی

۱۰۲ کمیته رفع تبعیض نژادی، توصیه‌های کلی ۳۵، بند ۲۹.

۱۰۳ بندهای ۱(۶) و ۴(۹) کنوانسیون چارچوبی برای حمایت از اقلیت‌های ملی؛ دستورالعمل‌های لیوبلیانا، دستورالعمل ۷.

۱۰۴ گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد آزادی عقیده و بیان، نماینده سازمان امنیت و همکاری اروپا در مورد آزادی رسانه‌ها، گزارشگر ویژه سازمان کشورهای آمریکایی در مورد آزادی بیان و گزارشگر ویژه کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم در مورد آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات، اعلامیه مشترک در مورد تنوع در پخش، ۱۲ دسامبر ۲۰۰۷، تحت عنوان "نکات کلی".

۱۰۵ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، GC 34، بند 41.

106 شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2018)4 کمیته وزرای کشورهای عضو در مورد مشارکت شهروندان در زندگی عمومی محلی، ۲۱ مارس

۲۰۱۸، پیوست، بخش ب. IV، بند ۲. (i)

در زندگی عمومی کمک کند، زیرا اطلاعات مورد نیاز برای شکل‌گیری نظرات، تصمیم‌گیری آگاهانه و مشارکت در فعالیت‌های مدنی را در اختیار آنها قرار می‌دهد.

۱۷. دولت‌ها باید اقدامات مؤثری را برای تضمین تکررگرایی در محیط رسانه‌ای در حال تحول و اطمینان از دسترسی افراد متعلق به اقلیت‌های ملی به طیف گسترده‌ای از رسانه‌ها که محتوایی متناسب با نیازها و علایق آنها ارائه می‌دهند، از جمله به زبان‌های خودشان، اتخاذ کنند. این اقدامات می‌تواند شامل اقداماتی برای ترویج چنین محتوایی و اطمینان از دیده‌شدن و یافتن آن باشد.

دادگاه حقوق بشر اروپا اعلام کرده است که دولت‌ها ضامن نهایی تکررگرایی در بخش رسانه هستند^{۱۰۷}. آنها ملزم به انجام اقدامات لازم برای اطمینان از اینکه تکررگرایی رسانه‌ای در عمل مؤثر است^{۱۰۸}. تمرکز این تعهد به طور سنتی بر رسانه‌های جمعی بوده است، به دلیل تأثیر و نفوذ آنها، اما در عصر دیجیتال، این تمرکز گسترش یافته و محیط رسانه‌ای متکثرتر و به طور فزاینده‌ای دیجیتال را در بر می‌گیرد. تحقق تکررگرایی رسانه‌ای مؤثر مستلزم اقدامات هدفمند برای ایجاد و حفظ انواع گسترده‌ای از رسانه‌ها و محتوای تولید شده توسط و برای افراد متعلق به اقلیت‌های ملی در زمینه گسترده‌تر جوامع دموکراتیک تکررگرا است. منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا مقرر می‌دارد که "آزادی و تکرر رسانه‌ها باید رعایت شود."^{۱۰۹} کنوانسیون یونسکو در مورد حفاظت و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی تأیید می‌کند که دولت‌های عضو آن "می‌توانند اقداماتی را با هدف حفاظت و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی در قلمرو خود اتخاذ کنند"، مانند اقدامات نظارتی و "اقداماتی با هدف افزایش تنوع رسانه‌ها، از جمله از طریق پخش خدمات عمومی."^{۱۱۰}

در راستای حق مؤثر آزادی بیان و پلورالیسم مؤثر، قوانین، سیاست‌ها و رویه‌هایی که برای اطمینان از دسترسی بودن محتوای رسانه‌ای متکثر طراحی شده‌اند، کافی نیستند. در کنار اقداماتی برای افزایش تولید و توزیع محتوای رسانه‌ای متکثر، از جمله به زبان‌های اقلیت‌های ملی^{۱۱۱}، کشور تشویق می‌شوند تا اقداماتی را برای ارتقای دیده‌شدن و یافتن محتوای رسانه‌ای متکثر انجام دهند تا اطمینان حاصل شود که این محتوا برای همه گروه‌های جامعه، به ویژه اقلیت‌های ملی، قابل دسترسی است، به ویژه زمانی که در جستجو و دسترسی به رسانه‌ها و محتوای رسانه‌ای با نابرابری یا موانعی روبرو هستند.

تنوع محتوای رسانه‌ای باید منعکس‌کننده تنوع واقعی هویت‌ها، ایده‌ها و علایق در جامعه باشد. تنوع واقعی لزوماً نه تنها شامل ایده‌ها و اطلاعاتی است که با استقبال مواجه می‌شوند، بلکه شامل ایده‌ها و اطلاعاتی نیز می‌شود که دولت یا بخش‌های خاصی از جمعیت را آزار می‌دهند، شوکه می‌کنند یا ناراحت می‌کنند. ارزش‌های مرکزی دموکراتیک پلورالیسم، تساهل و گشاده‌نظری کمتر از این را نمی‌طلبند.^{۱۱۲}

۱۰۷ انجمن اطلاعاتی لتویا و دیگران علیه اتریش، ۲۴ نوامبر ۱۹۹۳، بند ۳۸، مجموعه A شماره ۲۷۶.

۱۰۸ شرکت Centro Europa 7 S.r.l. و دی استفانو علیه ایتالیا [شعبه بزرگ]، شماره ۰۹/۳۸۴۳۳، بند ۱۳۴، دیوان اروپایی حقوق بشر ۲۰۱۲.

۱۰۹ ماده ۱۱(۲)، منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا.

۱۱۰ ماده ۶ بند ۱ و ۲ بند ۲ الف و ح، کنوانسیون یونسکو در مورد حفاظت و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی.

۱۱۱ ماده ۱۱ (د)، منشور اروپایی حقوق بشر؛ دستورالعمل‌های رسانه‌های پخش، دستورالعمل ۱۷.

۱۱۲ هندساید علیه بریتانیا، ۷ دسامبر ۱۹۷۶، بند ۴۹، سری الف، شماره ۲۴؛ کمیته حقوق بشر، نظر کلی ۳۴، بند ۱۱.

همزیستی انواع مختلف رسانه‌ها (که به عنوان تکثرگرایی خارجی یا ساختاری شناخته می‌شود) می‌تواند به ایجاد و حفظ تنوع محتوا کمک کند.^{۱۱۳}

رسانه‌های خدمات عمومی می‌توانند نقش متمایزی در زمینه تکثرگرایی ساختاری ایفا کنند، نه تنها با ارائه طیف وسیعی از محتوا که با هویت‌ها، ایده‌ها و منافع متکثر در جامعه مطابقت دارد، بلکه با فراهم کردن یک تریبون مشترک و گفتگویی که در آن چنین محتوای ناهمگن و گاهی اصطکاکی می‌تواند تبادل شود. این به نوبه خود می‌تواند به پیشبرد پلورالیسم، تساهل و گشاده‌نظری و همچنین انسجام اجتماعی کمک کند. رسانه‌های اجتماعی همچنین می‌توانند با امکان تولید و انتشار محتوا به طور خاص برای جوامع مختلف، سهم متمایزی در تنوع کلی محتوای رسانه‌ای در جامعه داشته باشند.

رسانه‌ها از نظر اهداف، کارکردها و پوشش جغرافیایی با هم تفاوت دارند. بر این اساس، آنها توسط همه افراد یا گروه‌های جامعه به یک شکل استفاده نمی‌شوند و نباید آنها را قابل تعویض در نظر گرفت.^{۱۱۴} در محیط رسانه‌ای کنونی، کارکردهای مختلف و امکانات رسانه‌های مختلف، رسانه‌های اجتماعی و خدمات رسانه‌ای به ویژه آشکار هستند.

در زمینه کثرت‌گرایی رسانه‌ای، مهم است که افراد متعلق به اقلیت‌های ملی بتوانند به انواع و قالب‌های مختلف رسانه‌ها که به موضوعات مورد علاقه آنها می‌پردازند، از جمله به زبان‌های خودشان، دسترسی داشته باشند.^{۱۱۵} به عبارت دیگر، چنین محتوایی باید به عنوان بخشی از مجموعه‌ای متکثر و غنی از محتوای باکیفیت در تمام پلتفرم‌های مرتبط وجود داشته باشد. مهم این است که در طیف کلی انواع و قالب‌های رسانه‌ای تنوع کافی وجود داشته باشد تا از تکثرگرایی مؤثر اطمینان حاصل شود و فرصت‌های مناسبی برای افراد و گروه‌ها برای ایجاد و دسترسی به محتوای رسانه‌ای متکثر وجود داشته باشد.^{۱۱۶}

علاوه بر انواع مختلف رسانه‌ها (کانال‌ها)، انواع، ژانرها یا قالب‌های مختلف محتوای سرمقاله یا برنامه‌سازی نیز می‌توانند به تنوع محتوا کمک کنند. اگرچه محتوای متمرکز بر اخبار و مسائل روز بیشترین ارتباط مستقیم را با پرورش افکار عمومی آگاه و تسهیل مشارکت در بحث‌های عمومی دارد، اما ژانرهای دیگر نیز برای جامعه بسیار مهم هستند. نمونه‌ها شامل محتوای فرهنگی، آموزشی و سرگرمی، از جمله به زبان‌های اقلیت‌های ملی هستند.

باید در نظر داشت که در گروه‌های اقلیت ملی، نیازها و ترجیحات اطلاعاتی متفاوتی وجود دارد که تا حدی توسط جنسیت و سن تعیین می‌شود. به عنوان مثال، کودکان متعلق به اقلیت‌های ملی باید بتوانند از رسانه‌ها (از جمله رسانه‌های اجتماعی) برای جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و ایده‌ها استفاده کنند. و نظرات. آنها نیاز دارند - و طبق قواعد بین‌المللی حقوق بشر حق دارند - که از طریق رسانه‌ها به محتوایی که برای سن، پیشینه فرهنگی و زبانی آنها مناسب است، دسترسی داشته باشند. در این راستا، دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق کودک ملزم هستند که "رسانه‌های جمعی را تشویق کنند تا توجه

۱۱۳ به طور کلی، شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2007)2 کمیته وزرای کشورهای عضو در مورد تکثرگرایی رسانه‌ای و تنوع محتوای رسانه‌ای، ۳۱ ژانویه ۲۰۰۷ را ببینید.

۱۱۴ خورشید مصطفی و طریزباجی علی‌به سوند، شماره ۰۶/۲۳۸۸۳، بند ۴۵، ۱۶ دسامبر ۲۰۰۸.

۱۱۵ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، GC 34، بند 14، و به طور کلی‌تر، سند نهایی نشست وین (سومین نشست پیگیری کنفرانس هلسینکی)، وین، 15 ژانویه 1989، همکاری در زمینه‌های بشردوستانه و سایر زمینه‌ها، اطلاعات، بند 45.

Centro Europa و ECHR 2001-V1، شماره 94/24699، VgT Verein gegen Tierfabriken v. Switzerland 116، 7 S.f.I. و دی استفانو علیه ایتالیا.

ویژه‌ای به نیازهای زبانی کودکانی که به گروه اقلیت تعلق دارند یا بومی هستند، داشته باشند.^{۱۱۷}

در عصر دیجیتال که با همزیستی رسانه‌های متعدد و فراوانی محتوا مشخص می‌شود، کارکردهای رسانه‌های آنلاین و سایر برنامه‌ها و خدمات مبتنی بر اینترنت از منظر کثرت‌گرایی شایسته توجه ویژه هستند.^{۱۱۸} تمایزهای سستی بین انواع مختلف رسانه‌ها هنوز هم می‌تواند به طور مفیدی به سهم‌های مربوطه آنها در کثرت‌گرایی رسانه‌ای اشاره کنند، حتی اگر اکنون به طور معمول در پلتفرم‌های مختلف، چه آنلاین و چه آفلاین، فعال باشند. انواع مختلف رسانه‌ها عبارتند از: رسانه‌های خدمات عمومی، رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های تجاری، و همچنین رسانه‌هایی که بر اساس سطح جغرافیایی فعالیت خود دسته‌بندی می‌شوند: زیرملی، فراملی و جهانی.

۱۸. دولت‌ها باید اقدامات مؤثری، از جمله اقدامات نظارتی، را در صورت لزوم برای جلوگیری از تمرکز مالکیت و کنترل رسانه‌ها که تهدیدی برای کثرت‌گرایی رسانه‌ای و در دسترس بودن خدمات و محتوای رسانه‌ای اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های اقلیت‌های ملی، هستند، اتخاذ کنند.

تشویق کثرت‌گرایی رسانه‌ای و تسهیل دسترسی و مالکیت رسانه‌ها توسط اقلیت‌ها و سایر گروه‌ها، از جمله رسانه‌هایی به زبان خودشان، می‌تواند به درک بین‌گروهی کمک کرده و عدم تحمل در جامعه را کاهش دهد.^{۱۱۹} برعکس، تمرکز مالکیت رسانه‌ها در بازارهای مختلف رسانه‌ای می‌تواند به طور منفی بر کثرت‌گرایی و تنوع تأثیر بگذارد. آنها می‌توانند منجر به وضعیتی شوند که در دسترس بودن محتوا توسط و برای اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های خودشان، را به خطر می‌اندازد.^{۱۲۰} این امر مستلزم اقدامات مؤثر از سوی دولت‌ها، از جمله اقدامات نظارتی، در صورت لزوم است.^{۱۲۱}

در سراسر منطقه سازمان امنیت و همکاری اروپا، تنوع بسیار زیادی در نحوه تنظیم مالکیت و کنترل رسانه‌ها در سطح ملی وجود دارد. مقررات مربوطه باید با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر مطابقت داشته باشد و ملاحظاتمانند مالکیت مستقیم و غیرمستقیم یا سودمند نهادهای رسانه‌ای، مالکیت متقابل رسانه‌ای، مالکیت خارجی، شفافیت در قبال مقامات نظارتی و عموم مردم را در نظر بگیرد.^{۱۲۲}

۱۹. دولت‌ها باید قوانین را معرفی و/یا قوانین موجود را اصلاح کنند تا استقلال و پایداری رسانه‌های خدمات عمومی را تضمین کنند و به آنها اجازه دهند با ارائه برنامه‌نویسی و خدمات متنوع و با کیفیت بالا در طیف وسیعی از پلتفرم‌ها، مأموریت خود را برای خدمت به همه بخش‌های جامعه، از جمله اقلیت‌های ملی، انجام دهند. چنین قوانینی باید مشارکت مؤثر اقلیت‌های ملی در فعالیت‌های رسانه‌های خدمات عمومی در سطوح مختلف، مانند تولید محتوا،

۱۱۷ ماده ۱۷(د)، کنوانسیون حقوق کودک.

۱۱۸ شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2018)1 کمیته وزرای کشورهای عضو در مورد کثرت‌گرایی رسانه‌ای و شفافیت مالکیت رسانه‌ها، ۷ مارس ۲۰۱۸.

۱۱۹ کمیته رفع تبعیض نژادی، گزارش عمومی شماره ۳۵، بند ۴۱.

۱۲۰ شورای اروپا، کمیته وزرا، اعلامیه در مورد حمایت از نقش رسانه‌ها در دموکراسی در زمینه تمرکز رسانه‌ها، ۳۱ ژانویه ۲۰۰۷.

۱۲۱ اعلامیه مشترک در مورد تنوع در پخش، تحت عنوان "درباره تنوع منبع". به پاورقی ۱۰۴ مراجعه کنید.

۱۲۲ شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2018)1 کمیته وزرای کشورهای عضو در مورد کثرت‌گرایی رسانه‌ای و شفافیت مالکیت رسانه‌ها، ۷ مارس ۲۰۱۸؛ توصیه CM/Rec(2007)2 کمیته وزرای کشورهای عضو در مورد کثرت‌گرایی رسانه‌ای و تنوع محتوای رسانه‌ها، ۳۱ ژانویه ۲۰۰۷.

تصمیم‌گیری‌های سرمقاله و فعالیت‌های نظارتی را فراهم کند یا حداقل تسهیل نماید.

رسانه‌های خدمات عمومی موظفند به همه بخش‌های جامعه، از جمله افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، خدمت کنند. آنها می‌توانند به کیفیت و تعادل برنامه‌ها در زمینه گسترده‌تر تکرارگری خارجی کمک کنند. در جایی که یک سیستم پخش خدمات عمومی وجود دارد، قانون و رویه داخلی باید تضمین کند که این سیستم خدمات چندگانه ارائه می‌دهد^{۱۳۳}. برای عملکرد صحیح دموکراسی بسیار مهم است که رسانه‌های خدمات عمومی اخبار، اطلاعات و نظرات بی‌طرفانه، مستقل و متوازن را پخش کنند و علاوه بر این، بستری برای بحث عمومی فراهم کنند که در آن طیف وسیعی از دیدگاه‌ها و نظرات تا حد امکان بیان شود. با این کار، می‌توانند به "ترویج تفاهم بین‌فرهنگی و رسیدگی به نگرانی‌های اقلیت‌ها" کمک کنند.^{۱۳۴} با توجه به مأموریت رسانه‌های خدمات عمومی برای خدمت به همه بخش‌های جامعه، دولت‌ها ممکن است مسئولیت‌ها و وظایف خاصی را به آنها واگذار کنند، مانند:

- اجتناب از کلیشه‌سازی منفی افراد یا گروه‌ها، و همچنین سایر اشکال گزارش‌دهی مغرضانه، جانبدارانه یا تبعیض‌آمیز؛
- اجتناب از به تصویر کشیدن زنان و دختران به صورت جنسیت‌زده و زن‌ستیزانه، از جمله زنانی که به گروه‌های اقلیت تعلق دارند؛

- ترویج هویت‌ها، فرهنگ‌ها و زبان‌های ملی و اقلیت‌ها و تنوع اجتماعی ناشی از همزیستی آنها؛
- ارائه طیف متنوعی از برنامه‌ها و خدمات برای اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های خودشان، که از نظر کمی و کیفی کافی باشد؛ و،

- آگاهی، تفاهم و گفت‌وگو بین جوامع را ترویج دهید و در نتیجه انسجام اجتماعی را افزایش دهید.
ضروری است که رسانه‌های خدمات عمومی در عصر دیجیتال، مأموریت و منابع لازم برای انجام وظایف اصلی خود - آموزش، اطلاع‌رسانی و سرگرمی بخش‌های مختلف جامعه، از جمله اقلیت‌ها - را به طور مستقل و مؤثر داشته باشند^{۱۳۵}. این امر مستلزم آن است که رسانه‌های خدمات عمومی در سراسر رسانه‌های مختلف (خدمات)، از جمله آنلاین، فعال باشند. مشارکت مؤثر افراد متعلق به اقلیت‌های ملی در ساختارها و فرآیندهای مختلف رسانه‌های خدمات عمومی، مانند هیئت‌های تحریریه، می‌تواند به اطمینان از اینکه برنامه‌ریزی با هدف اقلیت‌های ملی در عمل با نیازها و علایق آنها مطابقت دارد، کمک کند^{۱۳۶}.

۲۰. ایالت‌ها تشویق می‌شوند که قوانین جدیدی را معرفی کنند و/یا قوانین موجود را اصلاح نمایند تا ماهیت متمایز رسانه‌های اجتماعی غیرانتفاعی را به رسمیت بشناسند، که می‌توانند توسط جوامع اقلیت ملی اداره شوند یا به نحوی دیگر به آنها خدمت کنند. چنین قوانینی باید استقلال رسانه‌های اجتماعی را تضمین کند و به آنها اجازه دهد تا هدف

۱۳۳. مانوله و دیگران علیه مولداوی، شماره ۲/۱۳۹۳۶، دیوان اروپایی حقوق بشر ۲۰۰۹. به ویژه به بندهای ۹۸ و ۱۰۷ مراجعه کنید.

۱۳۴. توصیه‌های لوند، توصیه شماره ۵.

۱۳۵. شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2007)3 کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد حوزه فعالیت رسانه‌های خدمات عمومی در جامعه اطلاعاتی، ۳۱ ژانویه ۲۰۰۷. همچنین، به دستورالعمل‌های رسانه‌های پخش، دستورالعمل ۷ مراجعه کنید.

۱۳۶. توصیه‌های اسلو، توصیه ۱۰: شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2012)1 کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد حکمرانی رسانه‌های خدمات عمومی، ۱۵ فوریه ۲۰۱۲، بند ۴۳.

خود را که فراهم کردن فرصت‌ها و آموزش برای اعضای جوامعی که به آنها خدمت می‌کنند، از جمله اقلیت‌های ملی، محقق سازند تا آنها بتوانند محتوای رسانه‌ای خود را تولید کنند و به طور کامل در عملیات و مدیریت رسانه‌های خود مشارکت داشته باشند.

رسانه‌های اجتماعی رسانه‌هایی مستقل و غیرانتفاعی هستند که توسط اعضای یک جامعه و برای آنها اداره می‌شوند؛ به عنوان مثال، جامعه‌ای که در یک منطقه جغرافیایی خاص قرار دارد یا دارای منافع مشترک است. روحیه و ساختارهای سازمانی آنها مشارکت فعالانه و خودمختاری در فرآیندهای سرمقاله، تولید و انتشار/گسترش را دعوت می‌کند. آنها به شهروندان، به ویژه جوامع و افرادی که توسط رسانه‌های اصلی نمایندگی نمی‌شوند، صدا می‌دهند و آموزش می‌دهند. سازمان‌های رسانه‌ای اجتماعی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند، زیرا مشارکت را در سطوح مختلف ساختار سازمان خود ارائه و تشویق می‌کنند و حس مشارکت فعال را القا و پرورش می‌دهند. سازمان‌های رسانه‌ای اجتماعی همچنین می‌توانند سهم مهمی در انسجام اجتماعی و گفت‌وگوی بین‌فرهنگی داشته باشند^{۱۲۷}. به رسمیت شناختن صریح رسانه‌های اجتماعی در قانون به عنوان یک شکل متمایز از رسانه می‌تواند به افزایش پایداری آنها کمک کند، به ویژه اگر این به رسمیت شناختن به عنوان مبنایی برای رویه‌های صدور مجوز سفارشی و/یا هزینه‌های صدور مجوز تخفیفی استفاده شود^{۱۲۸}.

۲۱. دولت‌ها می‌توانند پتانسیل رسانه‌های تجاری را برای ارائه محتوای چندگانه، به ویژه محتوای اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های اقلیت‌های ملی، بررسی کنند و اقدامات مناسبی را برای تشویق ترویج چنین محتوایی توسعه دهند. رسانه‌های تجاری معمولاً مخاطبان اصلی را هدف قرار می‌دهند و خروجی آن‌ها با هدف جلب توجه گسترده است که این خود سهم مهمی در تکرارگری رسانه‌ای و تنوع کلی محتوای رسانه‌ای دارد. رسانه‌های تجاری با تعهدات خدمات عمومی (چه به موجب قانون و چه به عنوان بخشی از شرایط مجوز پخش خود) می‌توانند مکمل خدمات رسانه‌های عمومی باشند.

۲۲. دولت‌ها باید اقدامات قانونی و حمایتی خاصی را برای تسهیل فعالیت مستقل و پایدار طیف وسیعی از رسانه‌ها در سطوح منطقه‌ای یا محلی، از جمله در مناطق جغرافیایی با جمعیت‌های اقلیت ملی و/یا به زبان‌های اقلیت ملی، اتخاذ کنند.

رسانه‌های زیرملی رسانه‌های منطقه‌ای و/یا محلی هستند و می‌توانند ماهیت خدمات عمومی، اجتماعی یا تجاری داشته باشند. با فعالیت در سطح جغرافیایی نزدیک به کاربران هدف خود، رسانه‌های منطقه‌ای و/یا محلی در موقعیت خوبی برای خدمت‌رسانی به اقلیت‌های ملی در مناطق تحت پوشش خود قرار دارند^{۱۲۹}. چنین رسانه‌هایی می‌توانند فرصت‌های مهمی را

۱۲۷ شورای اروپا، کمیته وزراء، اعلامیه در مورد نقش رسانه‌های اجتماعی در ارتقای انسجام اجتماعی و گفت‌وگوی بین‌فرهنگی، ۱۱ فوریه ۲۰۰۹.
۱۲۸ برگرفته از بیانیه مشترک در مورد تنوع در پخش، تحت عنوان "درباره تنوع خروجی."

۱۲۹ شورای اروپا، کنگره مقامات محلی و منطقه‌ای، "نقش رسانه‌های منطقه‌ای به عنوان ابزاری برای ساختن دموکراسی مشارکتی"، توصیه ۳۶۴ (۲۰۱۴) و "نقش رسانه‌های منطقه‌ای به عنوان ابزاری برای ساختن دموکراسی مشارکتی"، قطعنامه ۳۷۴ (۲۰۱۴)، هر دو در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۴ تصویب

برای تقویت دموکراسی مشارکتی و مشورتی در سطح منطقه‌ای یا محلی و همچنین برای توسعه هویت‌های منطقه‌ای یا محلی، از جمله هویت‌های اقلیت‌های ملی، ارائه دهند.

۲۳. دولت‌ها نباید توانایی افراد متعلق به اقلیت‌های ملی را برای دسترسی به رسانه‌هایی که در کشورهای دیگر تأسیس شده و به نفع اقلیت‌های ملی هستند، مانع شوند یا محدود کنند. توانایی دسترسی به چنین رسانه‌هایی تعهد دولت‌ها را برای تسهیل و حمایت از توسعه و عملکرد مؤثر رسانه‌هایی که به اقلیت‌های ملی در حوزه‌های قضایی خود خدمت می‌کنند، کاهش نمی‌دهد. علاوه بر این، دولت‌ها باید تلاش کنند تا از آثار منفی توافقنامه‌های حق تکثیر که منجر به مسدود شدن محتوای رسانه‌ای بر اساس موقعیت جغرافیایی می‌شود، برای اقلیت‌های ملی جلوگیری کنند یا حداقل آن را کاهش دهند.

افراد متعلق به اقلیت‌های ملی حق دارند "تماس‌های آزاد و مسالمت‌آمیز خود را در سراسر مرزها با افرادی که به طور قانونی در سایر کشورها اقامت دارند، به ویژه با کسانی که با آنها هویت قومی، فرهنگی، زبانی یا مذهبی مشترک یا میراث فرهنگی مشترک دارند، برقرار و حفظ کنند."^{۱۳۰} حقوق بین‌الملل بر اهمیت دسترسی افراد به "بیان‌های فرهنگی متکثر" از کشور خود و "سایر کشورهای جهان" و همچنین بر لزوم فراهم کردن این دسترسی توسط دولت‌ها تأکید می‌کند.^{۱۳۱} از آنجایی که محدودیت‌ها در دسترسی فرامرزی به اطلاعات یا محتوا می‌تواند جذب اقلیت‌های ملی را برخلاف میلشان تسهیل کند^{۱۳۲}، یا به طور دیگری مانع ادغام جوامع متکثر شود، توصیه‌های بولزانو/بوزن و دستورالعمل‌های لیوبلیانا راهنمایی‌های ارزشمندی را برای دولت‌های شرکت‌کننده در مورد چگونگی برخورد با این مسائل ارائه می‌دهند.

حق آزادی بیان، به طور حیاتی و صریح، بدون در نظر گرفتن مرزها وجود دارد.^{۱۳۳} دولت تنها می‌تواند جریان آزاد و فرامرزی اطلاعات و بیان را مطابق با محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های سختگیرانه‌ای که در حقوق بین‌المللی و اروپایی حقوق بشر پیش‌بینی شده است، محدود کند (برای اطلاعات بیشتر به دستورالعمل ۱ در صفحه ۲۴ و بخش چهارم - رسانه‌ها، فناوری‌های اطلاعات و پیشگیری از درگیری در صفحه ۶۲ مراجعه کنید).

دولت‌های عضو کنوانسیون اروپایی تلویزیون فرامرزی " (ECTT) آزادی بیان و اطلاعات را مطابق با ماده ۱۰ کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تضمین می‌کنند و آزادی دریافت را تضمین کرده و بازپخش را محدود نخواهند کرد".

شدند.

۱۳۰ ماده ۱۷(۱)، کنوانسیون چارچوبی برای حمایت از ملیت‌های قومی، فرهنگی، مذهبی و زبانی؛ ماده ۵(۲)، اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی؛ توصیه‌های بولزانو/بوزن، توصیه ۸.

۱۳۱ ماده ۲۷(۲)، کنوانسیون یونسکو برای حفاظت و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی.

۱۳۲ به عنوان مثال، بیان شده است که "افراد متعلق به اقلیت‌های ملی حق دارند آزادانه هویت قومی، فرهنگی، زبانی یا مذهبی خود را بیان، حفظ و توسعه دهند و فرهنگ خود را در تمام جنبه‌های آن، بدون هیچ تلاشی برای ادغام اجباری، حفظ و توسعه دهند." گزارش نشست کارشناسان CSCE در مورد اقلیت‌های ملی، ژنو، ۱۹۹۱. (III) به سند هلستینکی - CSCE چالش‌های تغییر، فصل نهم CSCE - و همکاری منطقه‌ای و فرامرزی، بندهای (۳)، (۴) و (۵) و همچنین توضیح رهنمود ۳۰ در صفحه ۶۰ مراجعه کنید.

۱۳۳ به دستورالعمل ۱، صفحه ۲۴، و توضیحات و مراجع همراه آن مراجعه کنید.

در قلمروهای خود برای خدمات برنامه‌ای که با شرایط "ECTT.134" مطابقت دارند^{۱۳۴}. همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا به موجب ماده ۳ دستورالعمل خدمات رسانه‌های دیداری و شنیداری، مشمول مقررات مشابهی هستند^{۱۳۵}.

حق اقلیت‌ها برای دسترسی به رسانه‌های فراملی یا فرامرزی، با هر وسیله‌ای که باشد، نباید بر اساس قومیت، فرهنگ، زبان یا مذهب ممنوع شود^{۱۳۶}. رسانه‌های فراملی که به جوامع خارج از کشور محل استقرار خود خدمت می‌کنند، مکمل رسانه‌های ملی هستند و می‌توانند به گروه‌های خاصی در جامعه کمک کنند تا ارتباط خود را با کشورهای میزبان، اقلیت‌های فرهنگی، قومی و سایر پیوندها دارند، حفظ کنند. این برای اقلیت‌های ملی که با سایر دولت‌ها پیوندهایی دارند، اقلیت‌های ملی که تمرکز جغرافیایی آن‌ها دو یا چند ایالت (همسایه) را در بر می‌گیرد و اقلیت‌هایی که سبک زندگی عشایری آن‌ها شامل عبور از مرزها می‌شود، بسیار مهم است. این موضوع برای مهاجران، و پناهندگانی که می‌خواهند با فرهنگ و زبان مادری خود در ارتباط باشند نیز اهمیت فزاینده‌ای دارد^{۱۳۷}.

رسانه‌های جهانی نیز برای افرادی که به اقلیت‌های ملی تعلق دارند، بسیار مرتبط هستند. در حالی که شناخت ویژگی‌های نیازها و ترجیحات اطلاعاتی اقلیت‌های ملی مهم است، این نیازها و ترجیحات پیچیده، متکثر و پویا هستند. آنها را نمی‌توان طبقه‌بندی کرد یا به مسائل مربوط به هویت یا وضعیت خودشان محدود کرد. در دنیایی که به طور فزاینده‌ای به هم پیوسته است، ضروری است که افراد متعلق به اقلیت‌های ملی بتوانند به رسانه‌هایی که در سطح جهانی فعالیت می‌کنند دسترسی داشته باشند و از آن‌ها استفاده کنند. جریان آزاد اطلاعات و ایده‌ها که حق آزادی بیان آن را تضمین می‌کند، چندوجهی است و از مرزها فراتر می‌رود.

در دسترس بودن پخش‌های خارجی و سایر محتوا به زبان‌های اقلیت و توانایی اقلیت‌های ملی برای دسترسی به رسانه‌ها و محتوای فراملی و جهانی، نه تعهدات دولت‌ها را برای تسهیل تولید پخش‌های داخلی و سایر محتوا به زبان‌های اقلیت از بین می‌برد و نه از آن می‌کاهد^{۱۳۸}. در دسترس بودن چنین برنامه‌ها و محتوای خارجی نیز توجهی برای کاهش زمان پخش به زبان‌های اقلیت مورد نظر نیست^{۱۳۹}.

مسدودسازی جغرافیایی به دلایل حق نشر یا قراردادی گاهی اوقات می‌تواند منجر به محرومیت اقلیت‌های ملی از دسترسی به انواع خاصی از محتوای رسانه‌ای از کشورهای همسایه شود. برای جلوگیری یا کاهش پیامدهای منفی چنین محدودیت‌هایی برای اقلیت‌های ملی، دولت‌ها تشویق می‌شوند که از نفوذ خود در روابط دوجانبه برای، به عنوان مثال، اطمینان از معافیت‌های

۱۳۴ ماده ۴، معاهده جامعه اروپایی.

۱۳۵ دستورالعمل ۱۳/۲۰۱۰ اتحادیه اروپا پارلمان و شورای اروپا مورخ ۱۰ مارس ۲۰۱۰ در مورد هماهنگی برخی مقررات قانونی، نظارتی یا اداری در کشورهای عضو در خصوص ارائه خدمات رسانه‌های دیداری-شنیداری (دستورالعمل خدمات رسانه‌های دیداری-شنیداری)، اصلاح شده توسط دستورالعمل (اتحادیه اروپا) ۱۸۰۸/۲۰۱۸ پارلمان و شورای اروپا مورخ ۱۴ نوامبر ۲۰۱۸.

۱۳۶ توصیه‌های بولزانو/بوزن، توصیه ۱۴؛ دستورالعمل‌های رسانه‌های پخش، دستورالعمل ۱۳.

خورشید مصطفی و طرزباجی علیه سوئد، شماره 06/23883، بند 44، 16 دسامبر 2008.

۱۳۸ همچنین در این زمینه به دستورالعمل ۷، در بالا مراجعه کنید. ماده ۹، کنوانسیون چارچوبی ملی برای اقلیت‌ها؛ ماده ۱۱، منشور اروپایی زبان‌های منطقه‌ای یا اقلیت؛ دستورالعمل‌های رسانه‌های پخش، دستورالعمل ۲/۱۳؛ توصیه‌های اسلو، توصیه ۱۱؛ توصیه‌های بولزانو/بوزن، یادداشت تفسیری برای توصیه ۱۴، و دستورالعمل‌های لیوبلیانا، دستورالعمل ۴۹.

139 دستورالعمل‌های رسانه‌های پخش، بند ۲/۱۳؛ توصیه‌های اسلو، توصیه ۱۱؛ توصیه‌های بولزانو/بوزن، یادداشت تفسیری برای توصیه ۱۴.

عادلانه استفاده کنند و در نتیجه اقلیت‌های ملی مورد نظر را قادر سازند که به محتوای رسانه‌ای دسترسی داشته باشند. این تشویق در راستای تعهدات تاریخی کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری در اروپا است، مانند "سهیل واردات مواد صوتی و تصویری ضبط شده از سایر کشورهای عضو توسط سازمان‌ها و شرکت‌های ذیصلاح"^{۱۴۰}.

۲۴. نهادهای مستقل تنظیم مقررات رسانه‌های ملی باید ساز و کارهایی را برای توانمندسازی زنان و مردان متعلق به اقلیت‌های ملی برای مشارکت مؤثر در تمام حوزه‌های کاری مرتبط با این گروه‌ها ایجاد کنند. ایالت‌ها تشویق می‌شوند که در صورت لزوم، حضور ساختاریافته افراد متعلق به اقلیت‌های ملی را در نهادهای تنظیم‌کننده رسانه‌های ملی مستقل معرفی یا تقویت کنند. باید مکانیسم‌های مناسبی برای اطمینان از تعادل جنسیتی در این نهادها اتخاذ شود.

دولت‌ها موظفند با حفظ بی‌طرفی، اقدامات مناسبی برای آشتی دادن منافع متضاد گروه‌های مختلف در جامعه انجام دهند. با این کار، آنها باید کثرت‌گرایی و عملکرد صحیح دموکراسی را حفظ کنند^{۱۴۱}. این معمولاً با ایجاد فضاهای مشترک برای گفتگوی بین‌گروهی قابل دستیابی است. یکی از راه‌های انجام این کار این است که اطمینان حاصل شود گروه‌های مختلف در جامعه به طور عادلانه نمایندگی می‌شوند، یا نظرات آنها در صورت لزوم در نهادهای مستقل تنظیم‌کننده رسانه‌های ملی در نظر گرفته می‌شود^{۱۴۲}.

۲۵. طرح‌های صدور مجوز برای رادیو و تلویزیون (دیجیتال) باید بر اساس معیارهای از پیش تعیین شده، عمومی، روشن، شفاف و عادلانه باشد. دولت‌ها باید خدمات جوامع اقلیت‌های ملی، از جمله کانال‌های مشترک و اختصاصی و/یا کانال‌ها یا برنامه‌نویسی به زبان‌های اقلیت‌های ملی را به شیوه‌های مناسب در میان آن معیارها بگنجانند. طرح‌های صدور مجوز باید توسط مقامات مستقل تعیین شده که به رویه‌های روشن و پشتیبانی شده توسط مکانیزم‌های تجدیدنظر پایبند هستند، به شیوه‌ای عادلانه و غیر تبعیض‌آمیز اجرا شوند.

یک ویژگی مهم پلورالیسم ساختاری، ماهیت مکمل انواع مختلف رسانه‌های درگیر است. هر یک از انواع رسانه‌های ذکر شده در بالا به روش‌های مختلفی به تکرارگری کلی رسانه‌ها کمک می‌کنند. قوانین و سیاست‌های^{۱۴۳} کشور باید این مشارکت‌ها را منعکس، پشتیبانی و عملیاتی کنند. قوانین و رویه‌های مربوط به صدور مجوز فرصت‌های متعددی را برای حفظ و ارتقای انواع خاصی از رسانه‌ها ارائه می‌دهند.

معاهدات حقوق بشر اروپا اذعان می‌کنند که صدور مجوز دولتی برای رسانه‌های دیداری و شنیداری با حق آزادی بیان سازگار است، مشروط بر اینکه معیارهای مختلف ماهوی و رویه‌ای و تضمین‌های لازم رعایت شوند. آنها این کار را به طور

۱۴۰ سند نهایی کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا، هلسینکی، ۱ اوت ۱۹۷۵، تحت عنوان "همکاری در زمینه‌های بشردوستانه و سایر زمینه‌ها، ۲. اطلاعات، (الف) بهبود گردش، دسترسی و تبادل اطلاعات".

۱۴۱ شورای عالی مقدس جامعه مسلمانان در برابر بلغارستان، شماره ۹۷/۳۹۰۲۳، بند ۹۳، ۱۶ دسامبر ۲۰۰۴.

۱۴۲ ماده ۳۱۱ (۳)، منشور اروپایی زبان‌های منطقه‌ای یا اقلیتی.

143 ۱۴۳ به طور کلی، ببینید، اعلامیه مشترک در مورد تنوع در پخش.

کلی انجام می‌دهند^{۱۴۴}، در مورد اقلیت‌های ملی^{۱۴۵} و زبان‌های منطقه‌ای یا اقلیت‌ها^{۱۴۶}. ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) به صراحت مجوزدهی به رسانه‌های دیداری و شنیداری را پیش‌بینی نمی‌کند، اما تفسیر عمومی شماره ۳۴ نشان می‌دهد که رویکرد کمیته حقوق بشر تحت میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تا حد زیادی با رویکرد حقوق بشر اروپایی سازگار است^{۱۴۷}.

۲۶. دولت‌ها باید پتانسیل طرح‌های صدور مجوز برای رادیو و تلویزیون (دیجیتال) را برای ترویج رسانه‌های اقلیت، از جمله به زبان‌های اقلیت، در هر نوع سرویس رادیویی و تلویزیونی بررسی، استفاده و توسعه دهند. چنین مقرراتی می‌تواند شامل وضعیت ویژه برای رسانه‌های "اقلیت" یا "جامعه" باشد که معیارهای خاصی را برآورده می‌کنند، که ممکن است آنها را به عنوان مثال و در صورت لزوم، مستحق دریافت هزینه‌های مجوز تخفیفی یا مشخصات فنی کمتر سختگیرانه، تعهدات مالی یا الزامات گزارش‌دهی نظارتی کند.

طراحی و اجرای طرح‌های صدور مجوز فرصت‌هایی را برای دولت‌ها فراهم می‌کند تا از پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی توسط و برای اقلیت‌ها، از جمله به زبان‌های خودشان، حمایت کنند، به عنوان مثال از طریق تخصیص فرکانس‌های خاص پخش (به طور کامل یا جزئی)^{۱۴۸} برای این منظور و از طریق معافیت‌های مناسب از تعهدات مالی، فنی یا گزارش‌دهی پس از اعطای یا تغییر مجوز^{۱۴۹}.

۲۷. دولت‌ها باید از مقامات مستقل مسئول اجرای فرآیندهای صدور مجوز بخواهند که اطلاعات و راهنمایی‌هایی در مورد فرصت‌ها و الزامات رسانه‌های اقلیت در چارچوب طرح‌های صدور مجوز موجود ارائه دهند. اطلاعات و راهنمایی‌ها باید به زبان(های) رسمی/دولتی و به زبان‌های اقلیت‌های ملی صادر شوند و به شیوه‌های مناسب منتشر گردند.

برای درخواست و استفاده از فرصت‌های صدور مجوز مربوطه برای پخش توسط و برای اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های خودشان، افراد متعلق به اقلیت‌های ملی باید ابتدا از وجود چنین فرصت‌هایی آگاه باشند و از رویه‌هایی که باید دنبال کنند، اطلاع داشته باشند. در راستای بهترین شیوه‌ها برای مشارکت مؤثر اقلیت‌های ملی در زندگی عمومی، مقامات مستقل که بر فرآیندهای صدور مجوز نظارت می‌کنند، باید به طور فعالانه تمام اطلاعات مربوطه را هم به زبان‌های دولتی/رسمی و هم به زبان‌های اقلیت‌های ملی، در صورت لزوم، در دسترس قرار دهند. اطلاعات باید شامل اطلاعاتی در مورد فراخوان‌های مناقصه باز، آتی و در صورت لزوم، فراخوان‌های قبلی باشد.

۱۴۴ ماده ۱۱۰(۱)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

۱۴۵ ماده ۲۹(۲)، کنوانسیون چارچوبی برای حمایت از اقلیت‌های ملی.

۱۴۶ ماده ۱۱(۲)، منشور اروپایی زبان‌های منطقه‌ای یا اقلیتی.

۱۴۷ ماده ۱۹، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کمیته حقوق بشر، نظر کلی شماره ۳۴، بند ۳۹.

۱۴۸ دستورالعمل رسانه‌های پخش، دستورالعمل ۱۵ (فرکانس‌های A)

۱۴۹ همان، دستورالعمل ۱۶.

۲۸. اپراتورهای شبکه، از جمله اپراتورهای کابلی، IPTV، ماهواره‌ای، و همچنین اپراتورهای چندرسانه‌ای، باید مجاز باشند و تشویق شوند که کانال‌های اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های اقلیت‌های ملی، را در بسته‌های (پایه) خود بگنجانند. به عنوان مثال، ایالت‌ها ممکن است استفاده از مقررات منصفانه و متناسب "حمل اجباری" را برای اطمینان از گنجاندن پخش خدمات عمومی با کانال‌های اقلیت‌های ملی در بسته‌های (پایه) اپراتورهای شبکه کابلی یا مالتی پلکس در نظر بگیرند.

مقررات "حمل اجباری" (مقرراتی) هستند که دسترسی به شبکه‌های ارتباطات الکترونیکی را برای طرف‌های خاص، با رعایت شرایط خاص، به منظور تضمین دسترسی جهانی و برابر به برنامه‌های مورد علاقه عمومی، الزامی می‌کنند. به این ترتیب، مقررات پخش اجباری پتانسیل قابل توجهی برای تضمین دسترسی گروه‌های اقلیت به وسایل ساختاری انتقال صوتی و تصویری، به عنوان مثال، برنامه‌های رسانه‌های خدمات عمومی^{۱۵۰} یا برنامه‌های خودشان، دارند، طبق ماده ۳۱ بند ۱ دستورالعمل خدمات همگانی اتحادیه اروپا.

دولت‌های عضو می‌توانند تعهدات "حمل اجباری" معقولی را برای انتقال کانال‌ها و خدمات رادیویی و تلویزیونی مشخص شده، بر شرکت‌هایی که تحت صلاحیت آن‌ها قرار دارند و شبکه‌های ارتباطات الکترونیکی مورد استفاده برای توزیع برنامه‌های رادیویی یا تلویزیونی به عموم مردم را ارائه می‌دهند، اعمال کنند، در صورتی که تعداد قابل توجهی از کاربران نهایی این شبکه‌ها از آن‌ها به عنوان وسیله اصلی خود برای دریافت برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی استفاده کنند. چنین تعهداتی تنها در صورتی اعمال می‌شوند که برای دستیابی به اهداف منافع عمومی که به وضوح تعریف شده‌اند، ضروری باشند و متناسب و شفاف باشند. تعهدات باید مورد بازبینی دوره‌ای قرار گیرند^{۱۵۱}.

انواع شبکه‌هایی که این ماده در نظر دارد شامل شبکه‌های پخش کابلی، ماهواره‌ای و زمینی دیجیتال است، اما می‌تواند شامل شبکه‌های دیگری نیز باشد "تا حدی که تعداد قابل توجهی از کاربران نهایی از این شبکه‌ها به عنوان وسیله اصلی خود برای دریافت پخش‌های رادیویی و تلویزیونی استفاده می‌کنند"^{۱۵۲}. کمیته وزرای شورای اروپا همچنین توصیه کرده است که کشورهای عضو آن "باید ارتباط یک تعهد ارائه اجباری را در کنار قوانین حمل اجباری بررسی کنند تا رسانه‌های خدمات عمومی و شرکت‌های اصلی رسانه‌های تجاری را تشویق کند که کانال‌های خود را در اختیار اپراتورهای شبکه که مایل به پخش آنها هستند، قرار دهند^{۱۵۳}".

۱۵۰ شورای اروپا، توصیه Rec(2003)9 کمیته وزرای کشورهای عضو در مورد اقدامات ترویج مشارکت دموکراتیک و اجتماعی پخش دیجیتال، ۲۸ مه ۲۰۰۳، پست، بند ۲۱ و توصیه Rec(2007)2 کمیته وزرای کشورهای عضو در مورد تکرارگرایی رسانه‌ای و تنوع محتوای رسانه‌ای، ۳۱ ژانویه ۲۰۰۷، بند ۳.۳.

۱۵۱ ماده ۳۱(۱) (بخشنامه ۲۲/۲۰۰۲/EC پارلمان و شورای اروپا مورخ ۷ مارس ۲۰۰۲ در مورد خدمات همگانی و حقوق کاربران در ارتباط با شبکه‌ها و خدمات ارتباطات الکترونیکی (بخشنامه خدمات همگانی)، اصلاح شده توسط بخشنامه ۱۳۶/۲۰۰۹/EC/حقوق شهروندی.

۱۵۲ همان، بند ۴۴.

153. شورای اروپا، توصیه شماره Rec(2007)2 کمیته وزرای کشورهای عضو در مورد تکرارگرایی رسانه‌ای و تنوع محتوای رسانه‌ای، ۳۱

ژانویه ۲۰۰۷، بند ۳.۳.

۲۹. هنگام صدور مجوز برای خدمات چندرسانه‌ای و راهنماهای برنامه‌های الکترونیکی، دولت‌ها باید مبنای قانونی برای گنجاندن مناسب و برجسته کردن کانال‌های رسانه‌ای اقلیت‌ها، از جمله به زبان‌های اقلیت‌ها، فراهم کنند.

حضور/ برجستگی در خدمات چندرسانه‌ای و راهنماهای برنامه‌های الکترونیکی، دیده‌شدن و یافتن کانال‌های رسانه‌ای اقلیت‌ها، از جمله کانال‌های به زبان‌های اقلیت‌ها را افزایش می‌دهد. ترویج چنین برجستگی‌ای می‌تواند با اقدامات قانونی یا سایر اقدامات مناسب، در راستای آنهایی که برای ترویج تولید و دسترسی به آثار صوتی و تصویری اروپایی تحت دستورالعمل خدمات رسانه‌ای صوتی و تصویری اتحادیه اروپا در نظر گرفته شده‌اند، تحریک شود. طبق ماده ۱۳ این دستورالعمل، کشورهای عضو اتحادیه اروپا موظف هستند "اطمینان حاصل کنند که ارائه دهندگان خدمات رسانه‌ای خدمات رسانه‌ای صوتی و تصویری درخواستی تحت صلاحیت آنها حداقل ۳۰ درصد از سهم آثار اروپایی را در فهرست خود داشته باشند و این آثار را برجسته کنند."^{۱۵۴}

۳۰. دولت‌ها باید برای تشویق تولید، انتشار و ترویج محتوای اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های اقلیت‌ها و به ویژه در فضای مجازی، تلاش کنند. طرح‌های حمایت رسانه‌ای باید اقدامات مناسبی را برای پاسخگویی کافی به نیازها و منافع افراد متعلق به اقلیت‌های ملی اتخاذ کنند. به این منظور، طرح‌های موجود برای ترویج منافع عمومی یا محتوای چندقابله، یا انواع خاصی از رسانه‌های مستقل یا محتوا، می‌توانند بر نیاز به محتوایی که با نیازها و علایق اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های خودشان، و به ویژه آنالاین مطابقت داشته باشد، تأکید کنند. بخشی از بودجه‌های موجود تحت طرح‌های فعلی می‌تواند برای این اهداف اختصاص یابد. ایجاد طرح‌های تأمین مالی اختصاصی نیز تشویق می‌شود.

ابزارهای مختلف بین‌المللی یا اروپایی، حمایت از تولید یا انتشار انواع خاصی از محتوای رسانه‌های صوتی و تصویری را پیش‌بینی می‌کنند که می‌تواند امکان حمایت خاص از محتوای اقلیت‌های ملی را فراهم کند. به عنوان مثال، کنوانسیون یونسکو در مورد حفاظت و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی از دولت‌های عضو می‌خواهد که "انعقاد توافقنامه‌های تولید مشترک و توزیع مشترک را تشویق کنند."^{۱۵۵}

تغییر بازارها، فشارهای مالی، ریاضت اقتصادی و مدل‌های کسب‌وکار جدید بر پویایی بحث‌های عمومی تأثیر گذاشته است. این امر بسیار اوقات رسانه‌هایی را که توسط اقلیت‌های ملی اداره می‌شوند یا مخاطبان آن‌ها اقلیت‌های ملی هستند، در موقعیت‌های آسیب‌پذیرتر قرار داده یا منجر به تعطیلی آن‌ها شده است. این امر بر نیاز به طرح‌های حمایتی و یارانه‌ای تأکید می‌کند که شامل تمرکزهای خاص بر رسانه‌ها و محتوای تولید شده توسط و برای اقلیت‌های ملی، از جمله به زبان‌های خودشان، باشد^{۱۵۶}. چنین طرح‌هایی باید بر اساس معیارهای روشن، دقیق، غیرتبعیض‌آمیز و شفاف باشند و توسط نهادهای

۱۵۴ ماده ۱۳، دستورالعمل ۱۳/۲۰۱۰/EU پارلمان اروپا و شورای مورخ ۱۰ مارس ۲۰۱۰ در مورد هماهنگی برخی مقررات قانونی، نظارتی یا اداری در کشورهای عضو در خصوص ارائه خدمات رسانه‌ای دیداری و شنیداری (دستورالعمل خدمات رسانه‌ای دیداری و شنیداری)، اصلاح شده توسط دستورالعمل 2018/1808 (EU) پارلمان اروپا و شورای مورخ ۱۴ نوامبر ۲۰۱۸. همچنین ببینید، همانجا، بند ۶۹.

۱۵۵ ماده ۱۲(ه)، کنوانسیون یونسکو در مورد حفاظت و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی.

۱۵۶ ماده ۱۲ بند ۱(د)، منشور اروپایی زبان‌های منطقه‌ای یا اقلیت‌ها؛ دستورالعمل‌های رسانه‌های پخش، دستورالعمل‌های ۱۴ و ۱۶.

مستقل با بررسی‌ها و توازن‌های رویه‌ای اداره شوند تا از امکان مداخله در استقلال سرمقاله یا عملیاتی دینفعان (رسانه‌های) این طرح‌ها جلوگیری شود.^{۱۵۷}

تأمین مالی و بودجه کافی پیش‌شرط پایداری محیط رسانه‌ای چندگانه است. کمبود بودجه سیستماتیک رسانه‌های خدمات عمومی و رسانه‌های اجتماعی یک مشکل جدی در تعدادی از کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا است، به طوری که این رسانه‌ها قادر به پذیرش پیشرفت‌های فناوری نیستند و در نتیجه عقب می‌مانند و نمی‌توانند وظیفه خود را انجام دهند و سهم قابل توجهی در تکرارگری رسانه‌ای داشته باشند.^{۱۵۸} ۱۵۸ در برخی کشورها، سازمان‌های رسانه‌ای، به ویژه رسانه‌های خدمات عمومی و اجتماعی، در بحران مالی قرار دارند که موجودیت خود را تهدید می‌کند.

IV. رسانه، فناوری‌های اطلاعات و پیشگیری از درگیری

۳۱. دولت‌ها و بازیگران دولتی یا عمومی باید از انتشار، حمایت یا تأیید هرگونه اطلاعات نادرست، تبلیغات یا گفتمان تحریک‌آمیز که هدف آن تضعیف روابط دوستانه بین دولت‌ها و/یا حاکمیت سایر دولت‌ها، مانع‌تراشی در ادغام در سایر دولت‌ها و/یا ایجاد خصومت نسبت به گروه‌های خاص، از جمله اقلیت‌های ملی است یا احتمالاً چنین می‌کند، خودداری کنند. واسطه‌های اینترنت باید اصول حقوق بشر را رعایت کنند، به حقوق بشر در فضای آنلاین احترام بگذارند و به طور داوطلبانه تمام اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق زنان را در محیط دیجیتال بپذیرند و اجرا کنند.

در موقعیت‌هایی که تنش‌های دیپلماتیک یا سیاسی بین دولت‌ها وجود دارد، اطلاعات نادرست، تبلیغات و گفتمان تحریک‌آمیز می‌تواند منجر به تشدید جنگ‌های کلامی شود و این تنش‌ها را تشدید کند، به ویژه زمانی که به صورت سیستماتیک و با استفاده از قابلیت‌های فناوری (خودکار) منتشر می‌شوند. بنابراین، بازیگران دولتی باید از توسل به، حمایت یا تأیید این نوع اطلاعات و بیان خودداری کنند. در واقع، طبق کنوانسیون یونسکو برای حفاظت و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی، از دولت‌ها انتظار می‌رود که "استفاده از فناوری‌های جدید را ترویج دهند، مشارکت‌ها را برای افزایش تبادل اطلاعات و درک فرهنگی تشویق کنند و تنوع بیان‌های فرهنگی را تقویت نمایند"^{۱۵۹}. "در زمان تصویب سند نهایی هلسینکی (۱۹۷۵)، که بنیان‌های سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) را بنا نهاد، کشورهای شرکت‌کننده متعهد شدند که در روابط خود با یکدیگر "فضایی از اعتماد و احترام بین مردم را که با وظیفه آنها در خودداری از تبلیغ جنگ‌های تجاوزکارانه علیه کشور شرکت‌کننده

۱۵۷ شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2018)1 کمیته وزرای کشورهای عضو در مورد تکرارگری رسانه‌ای و شفافیت مالکیت رسانه‌ها، ۷ مارس ۲۰۱۸، پیوست/دستورالعمل‌ها، بندهای ۲۰۱۳ - ۲۰۱۵.

۱۵۸ به طور کلی مراجعه کنید به: شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2007)2 کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد تکرارگری رسانه‌ای و تنوع محتوای رسانه‌ای و توصیه CM/Rec(2007)3 کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد حوزه فعالیت رسانه‌های خدمات عمومی در جامعه اطلاعاتی، هر دو در تاریخ ۳۱ ژانویه ۲۰۰۷ تصویب شدند.

۱۵۹. بند (د) ۱۲ ماده استفاده از فناوری‌های جدید را ترویج می‌کند، مشارکت‌ها را برای افزایش تبادل اطلاعات و درک فرهنگی تشویق می‌کند و تنوع بیان‌های فرهنگی را تقویت می‌نماید.

دیگر سازگار باشد، ارتقا دهند^{۱۶۰}». در راستای توصیه‌های بولزانو/بوزن و دستورالعمل‌های لیوبلیانا، دولت‌های شرکت‌کننده باید از استفاده از انواع محتوا و گفتمان‌هایی که هدفشان تأثیر منفی بر ادغام اقلیت‌های ملی در سایر دولت‌های شرکت‌کننده است و احتمالاً چنین تأثیری دارند، خودداری کرده و از آن‌ها فاصله بگیرند. کشورهای شرکت‌کننده در سازمان امنیت و همکاری اروپا همچنین خاطرنشان کرده‌اند که "نفرت پراکنی و تنش قومی از طریق رسانه‌ها، به ویژه توسط دولت‌ها، می‌تواند به عنوان هشدار اولیه برای درگیری عمل کند."^{۱۶۱} کمیساریای عالی امور اقلیت‌های ملی HCNM به تجربه دریافته است که استفاده از زبان تفرقه‌انگیز در رسانه‌های کشورهای شرکت‌کننده می‌تواند شاخص قابل اعتمادی از افزایش تنش‌ها باشد.

۳۲. دولت‌ها تنها در مطابقت دقیق با قواعد بین‌المللی یا اروپایی حقوق بشر می‌توانند بیان را محدود یا ممنوع کنند. این بدان معناست که هرگونه محدودیت در حق آزادی بیان باید توسط قانون پیش‌بینی شده باشد و یک اقدام ضروری و متناسب برای دستیابی به یک هدف اعلام شده و مشروع باشد. هرگونه ممنوعیت بیان تحت قوانین داخلی باید به وضوح با مفاد خاص مربوطه در حقوق بین‌الملل مطابقت داشته و کاملاً با آن سازگار باشد. دولت‌ها باید از استفاده از اصطلاحات مبهم یا کلی برای انواع بیان به عنوان مبنایی برای تنظیم، محدودیت یا ممنوعیت محتوا خودداری کنند. دولت‌ها فقط می‌توانند حق آزادی بیان را مطابق با قواعد بین‌المللی یا اروپایی حقوق بشر محدود کنند. این بدان معناست که هرگونه مداخله در حق آزادی بیان باید تمام معیارهای مندرج در ماده ۱۹ (و ۲۰) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و/یا ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را که در مورد دستورالعمل ۱ در بالا توضیح داده شد، رعایت کند. علاوه بر این، حقوق بین‌المللی حقوق بشر نیز تعداد محدودی از انواع بیان را که دولت‌ها باید ممنوع کنند، به رسمیت می‌شناسد: «هرگونه تبلیغ برای جنگ^{۱۶۲}؛» و «هرگونه تبلیغ نفرت ملی، نژادی یا مذهبی که تحریک به تبعیض، خصومت یا خشونت باشد^{۱۶۳}». دولت‌های عضو کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی موظف هستند "تحریک مستقیم و علنی به ارتکاب نسل‌کشی" را قابل مجازات کنند^{۱۶۴}. کشورهای عضو کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی (ICERD) موظف هستند "هرگونه انتشار ایده‌های مبتنی بر برتری نژادی یا نفرت، تحریک به تبعیض نژادی، همچنین هرگونه عمل خشونت‌آمیز یا تحریک به چنین اعمالی علیه هر نژاد یا گروهی از افراد با رنگ یا منشأ قومی دیگر، و همچنین ارائه هرگونه کمک به فعالیت‌های نژادپرستانه، از جمله تأمین مالی آن را به عنوان جرم قابل مجازات قانونی اعلام کنند."^{۱۶۵} اگرچه متن اصلی کنوانسیون رفع تبعیض نژادی (ICERD) راهنمایی‌های دقیقی برای تعیین صلاحیت اشکال رفتاری به

۱۶۰. مصوبه نهایی کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا، هلسینکی، ۱ اوت ۱۹۷۵، تحت بند ۱ (الف) اعلامیه اصول راهنمای روابط بین کشورهای شرکت‌کننده، بند ۱۰. انجام تعهدات تحت حقوق بین‌الملل با حسن نیت. همچنین ببینید: سند هلسینکی - CSCE چالش‌های تغییر، فصل نهم CSCE و همکاری منطقه‌ای و فرامرزی، بندهای (۳)، (۴) و (۵)

۱۶۱. سند بوداپست: به سوی مشارکت واقعی در عصر جدید، تصمیمات بوداپست، اجلاس سران دولت‌ها یا دولت‌ها، بوداپست، ۵ تا ۶ دسامبر ۱۹۹۴، بعد انسانی، بند ۳۸.

۱۶۲. ماده ۲۰(۱)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۱۶۳. ماده ۲۰(۲)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۱۶۴. ماده سوم، کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌کشی.

۱۶۵. ماده ۴، کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض نژادی.

عنوان جرایم کیفری ارائه نمی‌دهد"، اما توصیه عمومی شماره ۳۵ کمیته رفع تبعیض نژادی - (CERD) مبارزه با سخنان نفرت‌آمیز نژادپرستانه، در تلاش است این شکاف تفسیری را پر کند.^{۱۶۶} با الهام از برنامه عمل رباط در مورد ممنوعیت تبلیغ نفرت ملی، نژادی یا مذهبی که تحریک به تبعیض، خصومت یا خشونت را تشکیل می‌دهد، این عوامل را هنگام طبقه‌بندی انتشار و تحریک به عنوان جرایم قابل مجازات قانونی در نظر می‌گیرد: محتوا و شکل گفتار؛ آب و هوای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛ موقعیت یا مقام سخنران؛ دامنه انتشار گفتار و اهداف گفتار.^{۱۶۷}

همچنین باید تأکید کرد که طبق دکترین ممنوعیت سوءاستفاده از حقوق، هیچ دولت، فرد، گروه، سازمان، نهاد رسانه‌ای یا واسطه اینترنتی نمی‌تواند حق آزادی بیان را برای مقاصدی که مغایر با حقوق بین‌المللی بشر هستند، مورد استناد قرار دهد. همانطور که در ماده ۵ بند ۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «هیچ چیز در این میثاق نباید به گونه‌ای تفسیر شود که برای هیچ دولت، گروه یا فردی حقی برای انجام هرگونه فعالیت یا اقدام با هدف نابودی هر یک از حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق یا محدود کردن آنها به میزانی بیشتر از آنچه در این میثاق پیش‌بینی شده است، ایجاد کند.»^{۱۶۸} بنابراین، حق آزادی بیان از گفتار نژادپرستانه، بیگانه‌هراسانه یا سایر انواع "گفتار نفرت‌انگیز" که حقوق دیگران را نقض می‌کند، حمایت نمی‌کند.

اصطلاحات گسترده، مبهم یا کلی نباید به عنوان مبنایی برای محدود کردن آزادی بیان استفاده شوند. اتکا به چنین اصطلاحاتی در زمینه تنظیم بیان، خطر تفسیر و اجرای بیش از حد گسترده یا خودسرانه مقررات مربوطه را به دنبال دارد که به نوبه خود تأثیر بازدارنده‌ای بر آزادی بیان دارد و منجر به خودسانسوری می‌شود. اصطلاحات گسترده و مبهم که طیف وسیعی از انواع مختلف بیان را در بر می‌گیرند، باید در پرتو دامنه حق آزادی بیان، همانطور که توسط حقوق بین‌المللی حقوق بشر تضمین شده است، و محدودیت‌های مجاز و ممنوعیت‌های مقرر آن، ارزیابی شوند.^{۱۶۹}

۳۳. برای انواع بیان تهاجمی یا مضر که از شدت یا شدت کافی برای محدودیت قانونی تحت قواعد بین‌المللی برخوردار نیستند، پاسخ‌های جایگزین مانند گفتار متقابل، گفت‌وگوی بین‌فرهنگی، از جمله از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، و فعالیت‌های آموزشی و آگاهی‌بخش ضروری است. واسطه‌های اینترنتی باید به ریشه‌کن کردن خشونت مبتنی بر جنسیت در فضای مجازی متعهد شوند و منابعی را برای کمپین‌های اطلاعاتی و آموزشی به منظور پیشگیری از خشونت تسهیل شده با فناوری اطلاعات و ارتباطات علیه زنان و دختران اختصاص دهند. دولت‌ها باید از چنین ابتکاراتی حمایت کنند و رسانه‌ها را بدون خدشه‌دار کردن استقلال سردبیری‌شان و واسطه‌های اینترنتی را نیز به انجام این کار تشویق کنند.

طبق حقوق بین‌المللی و اروپایی حقوق بشر، این موضوع به خوبی تثبیت شده است که حق آزادی بیان نه تنها اطلاعات و

۱۶۶ کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض نژادی، توصیه عمومی شماره ۳۵، بند ۱۵.

۱۶۷. همان.

۱۶۸ همچنین، به ماده ۱۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۳۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر مراجعه کنید.

۱۶۹ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، GC 34، بند ۴۶.

ایده‌های غیربحث‌انگیز را شامل می‌شود، بلکه اطلاعات و ایده‌هایی را نیز در بر می‌گیرد که ممکن است دولت‌ها یا هر گروهی در جامعه را آزار دهد، شوکه کند یا ناراحت کند. این به این دلیل است که ارزش‌های پلورالیسم، تساهل و گشاده‌نظری ویژگی‌های اصلی جوامع دموکراتیک هستند^{۱۷۰}.

نوع پاسخی که از دولت‌ها برای مقابله با انواع منفی و مضر بیان مورد نیاز است، به ماهیت دقیق بیان و آسیبی که ایجاد می‌کند بستگی خواهد داشت. در راستای اصل تناسب، انواع خاصی از بیان نامطلوب که افراد متعلق به اقلیت‌های ملی را هدف قرار می‌دهند، مانند کلیشه‌سازی منفی (تا سطح معینی از شدت^{۱۷۱}) و گزارش‌دهی مغرضانه یا جانبدارانه، باید با اقدامات آموزشی، اطلاعاتی و آگاهی‌بخش مقابله شود. دولت‌ها باید از این ابتکارات با تمام وجود حمایت کنند، زیرا این اقدامات متناسب و کم‌محدودیت هستند. در مقابل، مجازات‌های کیفری ممکن است برای شدیدترین و مضرترین انواع بیان، مانند تحریک به نسل‌کشی، خشونت یا نفرت، مناسب در نظر گرفته شوند^{۱۷۲}.

۳۴. دولت‌ها باید رسانه‌ها و واسطه‌های اینترنتی را تشویق کنند تا گفت‌وگو و تفاهم بین گروه‌ها را به روش‌هایی که با نقش‌ها، کارکردها و ظرفیت‌های آن‌ها سازگار است، به ویژه در زمینه‌های پیشگیری از درگیری و حل آن، تقویت کنند. رسانه‌ها و واسطه‌های اینترنتی هر زمان که حق آزادی بیان خود را اعمال می‌کنند، تابع وظایف و مسئولیت‌های خاصی هستند.

نقش رسانه‌ها در رابطه با درگیری‌ها مبهم است. از یک سو، رسانه‌ها می‌توانند به عنوان کانال‌هایی برای انتشار اطلاعات نادرست و محتوای تهاجمی و نفرت‌انگیز که به شعله‌ور شدن درگیری‌ها کمک می‌کند، مورد سوءاستفاده قرار گیرند. کشورهای شرکت‌کننده در سازمان امنیت و همکاری در اروپا "عمیقاً نگران بهره‌برداری از رسانه‌ها در مناطق درگیری برای دامن زدن به نفرت و تنش‌های قومی و استفاده از محدودیت‌های قانونی و آزار و اذیت برای محروم کردن شهروندان از رسانه‌های آزاد" هستند^{۱۷۳}. از سوی دیگر، رسانه‌ها می‌توانند به عنوان کانال‌ها یا انجمن‌هایی عمل کنند که اطلاعات و دیدگاه‌ها بین گروه‌های مختلف به اشتراک گذاشته می‌شود و با انواع مضر بیان که در بالا ذکر شد، هم پیشگیرانه و هم واکنشی مقابله می‌شود^{۱۷۴}.

چالش دولت‌ها این است که بحث عمومی فراگیر و قوی را در چارچوب قواعد بین المللی حقوق بشر تقویت کنند، در حالی که به طور مؤثر با انواع بیاناتی که تحت حمایت قواعد بین المللی حقوق بشر نیستند، مبارزه کنند. این اغلب یک تمرین

۱۷۰. این دو جمله بازنویسی یک نقل قول کلیدی از یک حکم مهم دیوان اروپایی حقوق بشر است: هندساید در برابر بریتانیا، ۷ دسامبر ۱۹۷۶، بند ۴۹، سری الف، شماره ۲۴. همچنین ببینید: کمیته حقوق بشر، GC 34، بند ۱۱.

۱۷۱. آکسو در برابر ترکیه [هیئت بزرگ]، شماره‌های ۰۴/۴۱۴۹ و ۰۴/۴۱۰۲۹، بند ۵۸، دیوان اروپایی حقوق بشر ۲۰۱۲.

۱۷۲. همچنین در این زمینه، به توصیه شماره ۱۰، کمیسیون اروپایی علیه نژادپرستی و عدم تحمل (ECRI)، توصیه سیاست کلی شماره ۱۵ در مورد مبارزه با سخنان نفرت‌انگیز، ۸ دسامبر ۲۰۱۵، مراجعه کنید.

۱۷۳. اعلامیه نشست سران استانبول، نشست سران کشورها یا دولت‌ها، استانبول ۱۸ تا ۱۹ نوامبر ۱۹۹۹، بند ۲۷.

174. کمیته رفع تبعیض نژادی، توصیه عمومی شماره ۳۵ - مبارزه با سخنان نفرت‌انگیز نژادپرستانه، سند شماره CERD/C/GC/35، ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۳، بند ۴۱.

دشوار است به دلیل برخی مناطق خاکستری که پیرامون دامنه دقیق حمایت ارائه شده توسط حقوق بین‌المللی حقوق بشر وجود دارد. در مواجهه با این چالش، دولت‌ها باید پتانسیل آزادی بیان برای توانمندسازی افراد، از جمله افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، و همچنین آسیب‌هایی که انواع افراطی یا سوءاستفاده‌گرانه بیان می‌توانند ایجاد کنند را به طور کامل در نظر بگیرند.^{۱۷۵}

۳۵. دولت‌ها نباید سیگنال‌های پخش را پارازیت‌اندازی کنند، وب‌سایت‌ها، خدمات مبتنی بر وب (از جمله خدمات رسانه‌های اجتماعی) یا برنامه‌ها یا آدرس‌های IP را از داخل یا خارج از حوزه قضایی خود مسدود کنند، مگر در صورت رعایت قواعد بین‌المللی حقوق بشر و طبق دستور دادگاه مستقل یا نهاد مستقل، بی‌طرف و معتبر دیگر.

حق آزادی بیان شامل محتوای اطلاعات و ایده‌ها و همچنین وسایل فنی مورد استفاده برای انتقال آن‌ها می‌شود و باید صرف نظر از مرزها از آن برخوردار بود. اگر افراد، از جمله افرادی که به اقلیت‌های ملی تعلق دارند، از دسترسی به رسانه‌ها و/یا محتوای رسانه‌ای که از خارج منتشر می‌شود، در زمانی که می‌خواهند، محروم شوند، حق آن‌ها برای جستجو و دسترسی به اطلاعات و ایده‌ها دیگر عملی و مؤثر نخواهد بود. این بدان معناست که دولت‌ها نباید از انتشار یا پخش مجدد رسانه‌های خارجی، فرامرزی و جهانی در قلمرو خود جلوگیری کنند، مگر در مطابقت دقیق با قواعد بین‌المللی حقوق بشر.^{۱۷۶} کشور عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا بارها بر اهمیت جنبه‌های فرامرزی آزادی بیان و اطلاعات تأکید کرده‌اند.^{۱۷۷}

هنگامی که کشورهای شرکت‌کننده با تش‌های اجتماعی در حوزه قضایی خود مواجه می‌شوند که از خارج نیز توسط بازیگران دولتی یا غیردولتی برانگیخته شده و به نحوی درگیر یا بر اقلیت‌های ملی تأثیر می‌گذارند، آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها منابع مهمی برای کاهش این تنش‌ها هستند. رسانه‌ها می‌توانند درباره تنش‌ها و درگیری‌ها که به وضوح از بالاترین اهمیت عمومی برخوردارند، گزارش دهند و اطلاعات دقیقی را در اختیار مردم قرار دهند.

۳۶. واسطه‌های اینترنتی نباید مسئول محتوای شخص ثالثی که از طریق خدمات یا شبکه‌هایشان منتشر می‌شود و آنها آن را تغییر یا ویرایش نکرده‌اند، مگر در مواردی که از ماهیت غیرقانونی محتوای خاصی آگاه بوده‌اند یا به طور معقول باید آگاه می‌بودند، یا از اجرای حکم مستقل و معتبر دادگاه که از آنها می‌خواهد محتوای غیرقانونی را مسدود یا حذف کنند، خودداری کرده باشند و توانایی فنی انجام این کار را داشته باشند. همچنین واسطه‌های اینترنتی نباید ملزم به نظارت عمومی بر محتوا برای تعیین ماهیت محتوای شخص ثالث منتشر شده از طریق خدمات یا شبکه‌های خود باشند.

هنگام هدایت کردن پاسخ‌های مناسب به محتوای شخص ثالث که توسط واسطه‌های اینترنتی میزبانی می‌شود، دولت‌ها باید

^{۱۷۵} به طور کلی، به CERD، توصیه عمومی شماره ۳۵ - مبارزه با سخنان نفرت‌آمیز نژادپرستانه، سند شماره CERD/C/GC/35، ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۳ مراجعه کنید.

^{۱۷۶} به راهنمایی ۲۶ و توضیحات و مراجع همراه آن در صفحات ۲۰ و ۵۷ این نشریه و همچنین به توصیه‌های بولزانو/بوزن، توصیه ۱۴ مراجعه کنید.

^{۱۷۷} به عنوان مثال، به سند نشست مسکو کنفرانس بعد انسانی CSCE، مسکو، ۳ اکتبر ۱۹۹۱، بند ۲۶.۱ مراجعه کنید.

پویایی بحث عمومی در محیط چندرسانه‌ای، از جمله تقویت و تأثیر شدیدتر چنین محتوایی به دلیل انتشار بسیار گسترده و حضور دائمی آن در اینترنت پس از بارگذاری، را در نظر بگیرند. به عنوان مثال، کمیته وزرای شورای اروپا خواستار "پاسخ تدریجی و متفاوت [با توجه به] نقشی است که خدمات رسانه‌ای در فرآیندهای تولید و انتشار محتوا ایفا می‌کنند"^{۱۷۸}. "دولت‌ها همچنین باید نقش‌ها، وظایف، مسئولیت‌ها و توانایی‌های بازیگران ذی‌ربط را برای مبارزه با چنین بیاناتی در نظر بگیرند"^{۱۷۹}. دستورالعمل تجارت الکترونیک اتحادیه اروپا^{۱۸۰} همچنین راهنمایی‌هایی در مورد معافیت از مسئولیت برای ارائه دهندگان خدمات که به عنوان "مجرا"ی صرف اطلاعات عمل می‌کنند، یا آنهایی که خدمات "کشینگ" یا "میزبانی" ارائه می‌دهند، ارائه می‌دهد^{۱۸۱}.

۳۷. دولت‌ها باید از واسطه‌های اینترنتی بخواهند که سیاست‌ها و رویه‌های روشن و شفاف را برای حذف محتوای غیرقانونی که کاربران از طریق خدمات یا شبکه‌هایشان منتشر می‌کنند، اتخاذ و به طور مؤثر اجرا کنند. این رویه‌ها باید تابع روند قانونی مناسب، از جمله نظارت کافی و مکانیزم‌های تجدیدنظر مؤثر، و در نهایت تابع بررسی قضایی و راه‌حل‌های مستقل باشند. برای رسیدگی به موارد خشونت آنلاین و تسهیل شده توسط فناوری اطلاعات و ارتباطات، به ویژه علیه زنان و دختران، واسطه‌های اینترنتی باید سازوکارهای شکایتی را راه‌اندازی کنند که به راحتی قابل دسترسی باشند، از جمله از نظر زبانی و فنی، کاربرپسند و آسان برای یافتن.

برای مقابله با محتوای غیرقانونی شخص ثالث که از طریق خدمات و شبکه‌های واسطه‌های اینترنتی منتشر می‌شود، به استراتژی‌های مؤثر و متناسب با آسیب‌های وارد شده نیاز است. حذف چنین محتوایی توسط واسطه‌ها تنها می‌تواند مطابق با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر انجام شود، زیرا می‌تواند منجر به اجرای خصوصی قانون و سانسور خصوصی شود و تأثیر بازدارنده‌ای بر آزادی بیان داشته باشد. واسطه‌های اینترنتی باید ملزم به اجرای تمام بررسی‌ها و توازن‌های لازم، از جمله سیاست‌های روشن و رویه‌های مؤثر با تضمین‌های دادرسی عادلانه، برای حفاظت از حق آزادی بیان کاربران خود باشند. دولت‌ها همچنین باید هر زمان که حق آزادی بیان نقض شده باشد، حق جبران مؤثر را رعایت کنند.

ضروری است که دولت‌ها و واسطه‌های اینترنتی درک کنند و قدر بدانند که مسدود کردن و فیلتر کردن محتوای آنلاین می‌تواند منجر به چیزی شود که به آن "سانسور جانی" می‌گویند، که ممکن است شامل حذف یا غیرقابل دسترس کردن محتوای قانونی یا مسدود کردن خدمات قانونی مرتبط و مورد علاقه افراد متعلق به اقلیت‌های ملی باشد. بنابراین، آنها باید از اتخاذ اقدامات پیشگیرانه‌ای که می‌تواند "مقادیر زیادی از اطلاعات را غیرقابل دسترس" کند، اجتناب ورزند و در نتیجه

۱۷۸. شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2011)7 کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد مفهوم جدید رسانه، ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱.
۱۷۹. به طور کلی، شورای اروپا، توصیه CM/Rec(2018)2 کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد نقش‌ها و مسئولیت‌های واسطه‌های اینترنتی، ۷ مارس ۲۰۱۸ و توصیه CM/Rec(2011)7 کمیته وزرای شورای اروپا به کشورهای عضو در مورد مفهوم جدید رسانه، ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱ را ببینید.

۱۸۰. دستورالعمل EC 31/2000 پارلمان اروپا و شورای اروپا مورخ ۸ ژوئن ۲۰۰۰ در مورد برخی جنبه‌های حقوقی خدمات جامعه اطلاعاتی، به ویژه تجارت الکترونیک، در بازار داخلی (دستورالعمل تجارت الکترونیک).

۱۸۱. به مواد ۱۲ تا ۱۴ این دستورالعمل مراجعه کنید. ماده ۱۵ نیز مربوط است، که طبق آن کشورهای عضو اتحادیه اروپا مجاز نیستند یک تعهد عمومی بر ارائه دهندگان تحمیل کنند که "اطلاعاتی را که منتقل یا ذخیره می‌کنند نظارت کنند، و نه یک تعهد عمومی برای جستجوی فعالانه حقایق یا شرایطی که نشان‌دهنده فعالیت غیرقانونی است."

حقوق کاربران اینترنت را به طور قابل توجهی محدود کرده و اثرات جانبی قابل توجهی داشته باشند^{۱۸۲}.

یادداشت در مورد اصطلاحات^{۱۸۳}

۱۸۲ احمد ییلدیریم علیه ترکیه، شماره ۱۰/۳۱۱۱، بند ۶۷، دیوان اروپایی حقوق بشر ۲۰۱۲.

۱۸۳. این یادداشت در مورد اصطلاحات به عنوان راهنمایی برای خواننده عمومی در مورد نحوه استفاده HCNM از این اصطلاحات در این سند خاص در نظر گرفته شده است. آنها تعاریف قانونی نیستند. این اصطلاحات ممکن است توسط کمیساریای عالی ملیت‌ها به طور

امکانات *Affordances*

ویژگی‌های یک فناوری که نشان می‌دهد چگونه می‌توان از آن استفاده کرد، یا به عبارت دیگر، سودمندی یک فناوری که برای کاربران آن قابل درک است.

الگوریتم *Algorithm*

یک روش محاسباتی که شامل رشته‌ای از مراحل برای حل یک مسئله است.

کاربرد *Application*

یک برنامه نرم‌افزاری که اغلب هنگام استفاده در دستگاه‌های تلفن همراه به اختصار "اپ" نامیده می‌شود.

مالکیت منتفعانه *Beneficial ownership*

وضعیتی که در آن یک شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) از تصرف یا منافع واقعی نوعی دارایی، مثلاً یک شرکت رسانه‌ای، بهره‌مند می‌شود، حتی اگر سند قانونی آن به نام نهاد دیگری باشد.

روزنامه‌نگار شهروند *Citizen journalist*

کسی که در فعالیت‌های روزنامه‌نگاری شرکت می‌کند، نه به عنوان یک حرفه‌ای، بلکه به صورت شخصی.

اتصال *Connectivity*

توانایی اتصال به رسانه‌های دیگر، رایانه‌ها و غیره، یا وضعیت متصل بودن به آن‌ها.

حداقل‌سازی داده‌ها *Data minimization*

اصل اینکه نباید بیش از آنچه لازم است، داده‌های شخصی ذخیره یا جمع‌آوری شود.

حفاظت از داده‌ها در طراحی/پیش‌فرض *Data protection by design/default*

اصل اینکه ملاحظات حریم خصوصی باید در تصمیمات طراحی محصول گنجانده شوند و گزینه‌های محافظت از حریم خصوصی باید به عنوان تنظیمات پیش‌فرض انتخاب شوند.

اطلاعات نادرست *Disinformation*

اطلاعات نادرستی که عمداً برای فریب دیگران ایجاد شده است.

متفاوتی در اسناد دیگر، بسته به زمینه، استفاده شوند.

حاکمیت داده *Data sovereignty*

اصل اینکه داده‌ها تابع قوانین حوزه قضایی هستند که در آن جمع‌آوری می‌شوند.

اتاق پژواک *Echo chamber*

یک سیستم بسته یا فضای (آنلاین) که در آن دیدگاه‌های مشابه از طریق تکرار تقویت یا تثبیت می‌شوند.

راهنمای برنامه‌های الکترونیکی *Electronic programme guide (EPG)*

برنامه‌ای که به کاربران امکان دسترسی به منوهای به‌روزرسانی شده مداوم را می‌دهد که اطلاعات برنامه‌ها و زمان‌بندی کانال‌های رادیویی یا تلویزیونی را ارائه می‌کنند.

حباب فیلتر *Filter bubble*

وضعیتی که در آن یک فرد یا گروه فقط در معرض محتوای (ایدئولوژیکی) همگن قرار می‌گیرد و از دیدگاه‌های جایگزین و مخالف جدا می‌شود.

قوه چهارم *Fourth Estate*

رسانه‌ها یا مطبوعات، که به عنوان نیروی چهارم اصلاح‌کننده در برابر قوای مقننه، مجریه و قضاییه دولت شناخته می‌شوند.

دروازه بانی *Gate-keeping*

عمل کنترل جریان اطلاعات (و در نتیجه دسترسی به اطلاعات)، به ویژه در اینترنت.

مسدودسازی جغرافیایی *Geo-blocking*

محدودیت دسترسی به محتوای اینترنت (سایت‌ها، خدمات یا برنامه‌ها) بر اساس موقعیت جغرافیایی کاربر نهایی.

فناوری اطلاعات و ارتباطات. *ICT*

آدرس آی‌پی *IP address*

آدرس پروتکل اینترنت

تلویزیون پروتکل اینترنت *IPTV*

که شامل تحویل محتوای تلویزیونی از طریق شبکه‌های پروتکل اینترنت است و امکان پخش جریانی این محتوا را نیز شامل می‌شود.

اطلاعات نادرست *Misinformation*

اطلاعات نادرست یا غیردقیق که گمراه‌کننده است.

چندگانه *Multiplex*

یک سیستم الکترونیکی که مواد برنامه و داده‌های مرتبط و دیگر داده‌ها را در قالب دیجیتال ترکیب می‌کند و برای دریافت توسط عموم مردم ارسال می‌کند.

مقررات حمل اجباری *Must-carry regulation*

مقرراتی که دسترسی به شبکه‌های ارتباطات الکترونیکی را برای برخی طرف‌ها الزامی می‌کند؛ این مقررات اغلب برای ترویج انواع خاصی از محتوا، مانند برنامه‌های مورد علاقه عمومی، استفاده می‌شود.

مقررات اجباری ارائه *Must-offer regulation*

مقرراتی که سازمان‌های رسانه‌ای خاص را ملزم می‌کند کانال‌های خود را در اختیار اپراتورهای شبکه که مایل به پخش آن‌ها هستند، قرار دهند.

بی‌طرفی شبکه *Network neutrality*

اصل اینکه ارائه دهندگان خدمات اینترنتی با تمام داده‌های در حال عبور از شبکه‌های خود به طور مساوی رفتار می‌کنند، بدون تبعیض از نظر نوع کاربر، محتوا، وبسایت، برنامه یا سرویس.

محتوای شخصی‌سازی شده *Personalized content*

محتوایی که بر اساس یا در پاسخ به داده‌های شخصی کاربر تغییر می‌کند.

تحلیل پیش‌بینی‌کننده *Predictive analytics*

عمل پیش‌بینی (آمار) نتایج و روندهای آینده بر اساس اطلاعاتی که از مجموعه‌های داده موجود استخراج شده است؛ این عمل معمولاً شامل استفاده از آمار، داده‌کاوی، یادگیری ماشین و هوش مصنوعی است.

سانسور خصوصی‌شده *Privatized censorship*

سانسوری که توسط بازیگران خصوصی (از جمله به دستور مستقیم یا غیرمستقیم مقامات دولتی) انجام می‌شود.

اجرای قانون خصوصی‌سازی شده *Privatized law enforcement*

اجرای قانون توسط بازیگران خصوصی (در مقابل مقامات دولتی).

پروفایل سازی *Profiling*

دسته بندی افراد بر اساس استنباط های (آماري) مبتنی بر ویژگی های شخصی یا رفتار آنها.

ناظر عمومی *Public watchdog*

بازیگری - که به طور سنتی یک روزنامه نگار، مطبوعات یا رسانه ها است، اما امروزه شامل بازیگران دیگری مانند سازمان های جامعه مدنی نیز می شود - که به طور انتقادی بر مقامات دولتی و سایر نیروهای تأثیرگذار در جامعه نظارت می کند.

محدودیت هدف *Purpose limitation*

اصل اینکه داده های شخصی ممکن است برای اهدافی غیر از اهداف اصلی که داده ها برای آن جمع آوری شده اند، پردازش نشوند.

تکنیک های رتبه بندی *Ranking techniques*

تکنیک های محاسباتی که برای تعیین ترتیب (یا "رتبه بندی") ارائه مجموعه ای از محتوا به کاربران استفاده می شوند.

تکنیک های توصیه گر *Recommendation techniques*

تکنیک های محاسباتی که برای تعیین محتوایی که به کاربران ارائه یا توصیه می شود، استفاده می شوند.

سرویس شبکه های اجتماعی *Social networking service*

یک پلتفرم یا سرویس آنلاین که به کاربران امکان می دهد شبکه های اجتماعی با سایر کاربران ایجاد کنند.

محدودیت ذخیره سازی *Storage limitation*

اصل اینکه داده های شخصی نباید بیش از حد لازم ذخیره شوند.

تعهدات خدمات عمومی *Universal service obligations*

تعهدی برای اطمینان از اینکه خدمات خاصی در یک قلمرو معین، صرف نظر از موقعیت جغرافیایی، با سطح کیفیت مشخص و با قیمت مقرون به صرفه در دسترس همه کاربران نهایی قرار گیرد.

افشاگر *Whistle-blower*

کسی که با افشای تخلفات از طریق اطلاع رسانی (به اصطلاح "سوت زدن") در مورد اقدامات غیرقانونی یا غیراخلاقی یا بی عملی در یک سازمان (معمولاً جایی که او کار می کند)، تخلفات را فاش می کند.

سازمان امنیت و همکاری در اروپا از طریق گفتگوی سیاسی در مورد ارزش‌های مشترک و کار عملی که تفاوت‌ماندگاری ایجاد می‌کند، برای ثبات، رفاه و دموکراسی در ۵۷ کشور فعالیت می‌کند.

«پایان»